

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

درسنامه

شناخت

عرستان و وکیلیت

علی محمدی آشنایی



حوزه نمایندگی و فقیه دامور حج و زیارت

ناشر: معاونت امور روحانیون

نشانی: تهران - خیابان آزادی نبش روdkی - سازمان حج و زیارت
طبقه اول - معاونت امور روحانیون
تلفن: ۶۴۵۱۲۱۴۹ و ۶۶۵۸۲۰۹۶ - ۵۰

درسنامه شناخت عربستان و وهابیت • نویسنده: علی محمدی
آشنانی چاپ: نگین • نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۷ • شمارگان:

۲۲۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱۳ مقدمه

پیش‌گفتار

۱۹ پیش‌درآمد
۳۰ چکیده
۳۱ پرسش‌ها
۳۱ برای مطالعه بیشتر

فصل اول:

جغرافیای طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی عربستان

۳۵ پیش‌درآمد
۳۵ ۱. ساختار کلی و ویژگی‌های عمومی
۴۰ ۲. جغرافیای طبیعی عربستان
۴۱ الف. پیشینه طبیعی
۴۳ ب. عوارض طبیعی
۴۴ ۱- ارتفاعات غربی
۴۴ ۲- نجد
۴۴ ۳- احساء و قطیف

۴۴	۴- صحراهای شنزار
۴۵	ج. آب و هوا
۴۸	د. پوشش گیاهی و محیط زیست
۵۰	د. ذخایر و منابع طبیعی
۵۱	ه. شهرهای مهم
۵۲	و. بنادر مهم
۵۲	۳. جغرافیای انسانی
۵۲	الف. پیشینه تاریخی جمعیت
۵۵	ب. نژاد و قبایل
۵۷	ج. جمعیت کنونی
۵۷	د. تراکم و پراکندگی جمعیت
۵۸	ه. مهاجرت
۵۹	۴. جغرافیای اجتماعی
۵۹	الف. وضعیت اجتماعی
۶۰	ب. نقش دین
۶۰	ج. آداب و رسوم
۶۱	نامگذاری، سخن و گفتگو
۶۲	پوشاک
۶۲	ارتباطات و پذیرایی
۶۲	رسوم و تشریفات
۶۳	عماری
۶۴	صنایع دستی
۶۴	هنر و ادبیات
۶۶	تفریحات، ورزش و جوانان
۶۷	د. وضعیت زنان
۶۷	حضور و مشارکت اجتماعی
۶۸	ازدواج و طلاق
۶۹	تلashهای نوین

۷۰	۵ . بهداشت و درمان و خدمات اجتماعی.....
۷۱	۵. جغرافیای فرهنگی و آموزشی.....
۷۱	الف. امور فرهنگی
۷۱	کتاب.....
۷۲	کتابخانه ها.....
۷۳	رادیو و تلویزیون.....
۷۴	خبرگزاری های داخلی و خارجی
۷۵	مطبوعات.....
۷۶	اینترنت.....
۷۷	موزه ها.....
۷۷	ب. نظام آموزشی.....
۷۷	وضعیت سواد.....
۷۸	مدارس و دانشگاه ها.....
۷۹	تحصیلات عالی.....
۸۲	چکیده فصل.....
۸۴	پرسش ها.....
۸۵	برای مطالعه بیشتر.....

فصل دوم:

نظام سیاسی و اقتصادی عربستان

۸۹	۱. جایگاه و اهمیت سیاسی.....
۸۹	الف. عوامل دینی.....
۸۹	ب. موقعیت جغرافیایی.....
۹۰	ج. عوامل اقتصادی.....
۹۱	د. عوامل سیاسی.....
۹۲	ه . تحولات منطقه ای.....
۹۳	و. عضویت و نفوذ در سازمان های منطقه ای و جهانی.....
۹۶	۲. پیشینه سیاسی عربستان.....

الف. دوران باستان.....	۹۶
ب. دوران ظهور اسلام.....	۹۹
ج. دوران آل سعود.....	۱۰۳
دلت اوّل سعودی.....	۱۰۴
۱. محمد بن سعود.....	۱۰۴
۲. عبدالعزیز بن محمد.....	۱۰۴
۳. سعود بن عبدالعزیز «سعود کبیر».....	۱۰۵
شکست و فروپاشی دولت آل سعود.....	۱۰۶
۴. عبدالله بن سعود.....	۱۰۶
پیامدهای لشکرکشی به مصر.....	۱۰۶
سال‌های فترت.....	۱۰۷
دولت دوم آل سعود.....	۱۰۷
۵. مشاری بن سعود.....	۱۰۷
۶. ترکی ابن عبدالله.....	۱۰۷
۷. فیصل بن ترکی.....	۱۰۸
۸. خالد بن سعود.....	۱۰۸
۹. عبدالله بن ثنیان.....	۱۰۸
۱۰. فیصل بن ترکی؛ دوره دوم.....	۱۰۸
۱۱. عبدالله بن فیصل؛ دوره اوّل.....	۱۰۹
۱۲. سعود بن فیصل.....	۱۰۹
۱۳. عبدالرحمن بن فیصل؛ دوره اوّل.....	۱۰۹
۱۴. عبدالله بن فیصل؛ دوره دوم.....	۱۱۰
۱۵. عبدالرحمن بن فیصل؛ دوره دوم.....	۱۱۰
دولت سوم آل سعود.....	۱۱۱
۱۶. عبدالعزیز بن عبدالرحمن.....	۱۱۱
۱۷. ملک سعود بن عبدالعزیز.....	۱۱۴
۱۸. ملک فیصل بن عبدالعزیز.....	۱۱۵
۱۹. ملک خالد بن عبدالعزیز.....	۱۱۵

۱۱۶	۲۰. ملک فهد بن عبدالعزیز
۱۱۶	۲۱. ملک عبدالله بن عبدالعزیز
۱۱۷	نژادنامه خاندان سعودی
۱۱۸	حاکمان دوره اول آل سعود
۱۱۸	حاکمان دوره دوم آل سعود
۱۱۸	حاکمان دوره سوم آل سعود
۱۱۹	۳. دوران معاصر عربستان
۱۱۹	الف. قانون اساسی
۱۱۹	ب. ساختار سیاسی
۱۱۹	۱- قدرت مطلقه پادشاه
۱۲۰	۲- ولیعهد
۱۲۰	۳- شورای خاندان حاکم
۱۲۰	۴- قوای سه گانه
۱۲۱	الف- قوه مقننه
۱۲۱	ب- قوه قضائیه
۱۲۳	ج- قوه مجریه
۱۲۵	ج. سیاست داخلی
۱۲۶	د. سیاست و روابط خارجی
۱۲۷	رابطه با جمهوری اسلامی
۱۲۹	۵ . سیستم دفاعی عربستان
۱۳۰	و. مؤسسات عمومی عربستان
۱۳۱	۴. وضعیت اقتصادی عربستان
۱۳۱	الف. سیستم اقتصادی
۱۳۲	ب. درآمد، درآمد سرانه، اشتغال و مسکن
۱۳۳	ج. برنامه، بودجه و رهیافت‌های توسعه اقتصادی
۱۳۴	د. بخش‌های مختلف اقتصادی
۱۳۴	۱- انرژی
۱۳۵	۲- معادن

۱۳۵	۲- صنایع
۱۳۶	۴- کشاورزی
۱۳۷	۵- گردشگری و جهان‌گردی
۱۳۸	۶- حمل و نقل
۱۳۸	الف- راه آهن
۱۳۸	ب- جاده‌ها و اتومبیل
۱۳۸	ج- فرودگاه‌ها
۱۳۹	۷- مخابرات و ارتباطات
۱۳۹	۸- بانک‌های داخلی، سرمایه و کمک‌های خارجی
۱۴۰	۹- مبادلات تجاری، صادرات و واردات
۱۴۲	چکیده فصل
۱۴۴	پرسش‌ها
۱۴۵	برای مطالعه بیشتر

فصل سوم: وهابیت و عربستان

۱۴۹	وهابیت و عربستان
۱۵۰	۱. پیشینه تاریخی و زمینه‌های فکری
۱۵۴	۲. بنیانگذار وهابیت
۱۵۸	۳. آموزه‌های اعتقادی وهابیت
۱۵۹	الف. توحید
۱۶۱	ب. نبوت
۱۶۴	۴. آرای فقهی وهابیت
۱۶۴	الف. تحریم بناسازی و تعمیر و ترمیم قبور
۱۶۴	ب. تحریم ساختن مسجد، روشن نمودن چراغ، برگزاری نماز و دعا نزد قبور
۱۶۵	ج. تحریم سفر برای زیارت قبور و ممنوعیت زیارت قبور برای زنان
۱۶۵	د. تحریم توسل و تبرک جستن به آثار اولیای الهی
۱۶۵	ه. تحریم نداء، استمداد و درخواست حاجت از غیر خدا

و. تحریم درخواست شفاعت از اولیای خداوند.....	۱۶۵
ز. تحریم سوگند به غیر خداوند.....	۱۶۶
ح. تحریم مجالس بزرگداشت یاد اولیای الهی.....	۱۶۶
ط. تحریم نذر برای غیر خداوند.....	۱۶۶
۵. وهابیت در دوران معاصر.....	۱۶۶
الف. حوزه‌های دینی.....	۱۶۶
ب. رهبران مذهبی.....	۱۶۷
۱- خاندان آل شیخ.....	۱۶۸
۲- هیأت علمای بزرگ [هیئت کبار العلماء].....	۱۶۸
۳- امامان جموعه و جماعت و مبلغان.....	۱۶۹
۶. مراکز و سازمان‌های وابسته.....	۱۶۹
الف. وزارت حج.....	۱۶۹
ب. سازمان رابطه العالم الاسلامی.....	۱۷۱
ج. سازمان امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۷۲
د. مجتمع چاپ قرآن ملک فهد.....	۱۷۲
ه . کارگاه بافت پرده کعبه.....	۱۷۳
و. نهادهای دیگر.....	۱۷۳
۷. هدف، روش، تاکتیک و ابزارهای تبلیغی وهابیت.....	۱۷۳
هدف.....	۱۷۳
وهابی‌سازی امت اسلامی و ترویج مذهب حنبلی.....	۱۷۳
پیش فرض‌ها.....	۱۷۴
پیشینه.....	۱۷۴
برآیند و پیامد آموزه‌ها.....	۱۷۵
زمینه گسترش.....	۱۷۵
روش‌ها.....	۱۷۵
تاکتیک‌ها.....	۱۷۶
ابزارها.....	۱۸۲
۸. راهکارهای مقابله.....	۱۸۲

الف. گرفتن پرچم گسترش و آموزش توحید از دست وهابیون.....	۱۸۳
ب. چاپ و نشر گسترده قرآن با آرم جمهوری اسلامی.....	۱۸۳
ج. چاپ و نشر و توزیع گسترده و رایگان جزوهای کوچک.....	۱۸۴
د. بر عهده گرفتن مسؤولیت شناساندن، ترویج و تبلیغ سنت نبوی.....	۱۸۴
ه. برجسته و فرهنگ‌سازی آیات مورد استناد در آموزه‌های شیعی.....	۱۸۴
و. برگزاری نشست‌های مشترک با علمای اهل سنت داخل و خارج کشور.....	۱۸۵
ز. دعوت رسمی و برگزاری نشست‌های مشترک با وهابیون داخل و خارج کشور	
برای معرفی حقیقت شیعه به آنها.....	۱۸۵
ح. ساماندهی تبلیغ داخل و خارج کشور.....	۱۸۶
ط. روشنگری منطقی و مبارزه عملی.....	۱۸۶
۹. تذکر اساسی.....	۱۸۶
چکیده فصل.....	۱۸۸
پرسش‌ها.....	۱۹۱
برای مطالعه بیشتر.....	۱۹۲
منابع و مأخذ.....	۱۹۳

مقدمه

تحقیق اهداف و آرمان‌های یک سازمان، به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد. در این میان، به گفته کارشناسان و صاحب نظران "مدیریت سازمانی" و نیز به گواهی "آموزه‌های وحی‌انی"، "عامل انسانی" اساسی‌ترین و محوری‌ترین نقش را در موفقیت و بالندگی سازمانی ایفا می‌کند. دیگر عوامل سازمانی در پرتو عامل انسانی و حول محور او، شکل گرفته و حرکت می‌کنند.

سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها، ابزار و سخت‌افزارهای سازمان، تابعی از خواست و اراده نیروی انسانی و دانش و تدبیر او می‌باشد. بالطبع کم و کیف نتایج و خروجی‌های سازمان نیز مانند "وروودی‌ها" و "فرآیند"، متأثر از فعالیت و تدبیر نیروی انسانی است. بنابراین نیروی انسانی، افزون بر اینکه عامل موفقیت هر سازمانی است، شاخص و معیاری برای پیش‌بینی میزان موفقیت آن سازمان نیز محسوب می‌شود.

بی‌جهت نیست که دنی‌ای مدرن با پی‌ریزی علمی همچون روان‌شناسی کار، جامعه‌شناسی مشاغل و مدیریت، بخش اعظمی از مباحث این علوم را به عامل انسانی اختصاص داده است. پیش‌تر از این نیز آموزه‌های وحی‌انی بر جایگاه و اهمیت نیروی انسانی و نقش محوری آن در رستگاری و موفقیت جمعی اشاره کرده و به مؤمنان و جامعه دی‌نی اکیداً توصیه نموده که در واسپاری کارها و مسئولیت‌ها، به اهلیت و صلاحیت نیروهای انسانی توجه کنند؛

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَ
إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النِّسَاءِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ
يُعِظُّكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا١

در آیات دیگر، این رؤیه را، تدبیر خداوند متعال در عالم تکوین و تشریع معرفی

کرده است:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتُهُ
قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنِّسَاءِ إِمَاماً قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ
لَا يَنْأِي عَهْدِي الظَّالِمِينَ^٢

۱- نساء: ۵۸

۲- انعام: ۱۲۴

۳- بقره: ۱۲۴

هدف و رسالت اساسی انبیاء‌الله‌ی نبی‌ز، تربیت و پرورش انسان‌ها بوده است:
رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رُسُوْلًا مِنْهُمْ يُنَذِّلُوْا عَلَيْهِمْ آیاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَرْكِيْهِمْ
 نهادها و مؤسسات دینی نبی‌ز برای تضمین موفقیت و دستیابی به اهداف و آرمان‌های سازمان، باید بر مبنای آموزه‌های وحی‌انی وی افته‌های بشری، جذب و گزینش نیروهای کارآمد و تعليّم و تربیت آنان را در اولویت‌های خود قرار دهند.

در همین راستا، "حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت" پس از فراغت از طراحی و اجرای فرآیند جذب و گزینش، آموزش و ارتقای سطح علمی و فرهنگی نیروی انسانی به ویژه روحانیون" را در کانون برنامه‌های ستادی خود قرار داد و دوره‌های آموزش بدو خدمت، ضمن خدمت و تکمیلی را راهاندازی نمود. از آنجا که تدوین متون آموزشی کاربردی متناسب با واحدها و سرفصل‌های مصوب، از مراحل و عناصر اصلی و اساسی دوره‌های آموزشی محسوب می‌شود، به طور همزمان گردونه تدوین متون آموزشی نبی‌ز به حرکت درآمد. نکته حائز اهمیت این که متون آموزشی پس از تدوین توسط گروه‌های علمی و تخصصی معاونت امور روحانیون و ارزیابی ناظران محتوایی، به صورت "درسنامه" برای حداقل یک ترم، به طور آزمایشی تدریس می‌شود، تا پس از نظرسنجی و گردآوری نقطه نظرات مدرسان و دانش‌پژوهان، به رفع و اصلاح کاستی‌های احتمالی اقدام شود و برای آموزش در دوره‌های بعد، تدوین نهایی شود.

نوشتار حاضر، از جمله همین متون آموزشی است که توسط "گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام" به رشته تحری-درآمده و در قالب "درسنامه" منتشر شده و در اختیار شرکت‌کنندگان دوره‌های آموزشی روحانیون قرار می‌گیرد. فرصت را مغتنم شمرده و از تدابیر و تلاش‌های ارزشمند گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام به ویژه محقق و مؤلف گرانمایه جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای علی محمدی آشنازی تقدیر و سپاس به عمل می‌آید.

شایان ذکر است اگر چه قبل‌اً کتاب "شناخت عربستان" و "وهابیت در ترازوی نقد" برای اطلاع‌رسانی عمومی در مورد موضوع این درسنامه، تدوین و از سوی نشر مشعر، منتشر شده است و به ناچار بین آن دو کتاب و این درسنامه در پاره‌ای از عناوین و در قسمت‌هایی از متن، تشابه و همانندی‌هایی وجود دارد، ولی این نوشтар، افزون بر روزآمد نمودن اطلاعات و تصحیح آمار و ارقام قابل دستیابی، با حذف، کاهش یا تلخیص پاره‌ای از مطالب و افزودن نکات نوین، از نظر مخاطب، هدف نگارش، روش نگارش (سبک آموزشی)، ساختار و ساماندهی مطالب نیز با دو کتاب پیش‌گفته، تفاوت زیادی دارد.

انتظار می‌رود که مدرسان و دانشپژوهان محترم پس از طی دوره، نقطه نظرات اصلاحی خود را پی‌رامون متن، محتوا، منابع و دیگر بخش‌های درسنامه، جهت رفع و اصلاح نواقص و اشکالات احتمالی به کمیته تدوین ارایه نمایند.

معاونت امور روحانیون

کمیته تدوین متون آموزشی

زمستان ۱۳۸۷

پیش‌گفتار

اهداف پیش‌گفتار

- تبیین اهمیت موضوع و ضرورت آشنایی با عربستان و وهابیت
- ارائه فواید و آثار شناخت عربستان و وهابیت
- بیان وظایف و مسؤولیت روحانیون کاروان‌ها در مورد موضوع بحث
- معرفی خطوط کلی، شیوه بیان مطالب کتاب

پیش‌درآمد

برابر آموزه‌های قرآن کریم؛ شناخت گیتی، مناطق جغرافیایی و اطلاع از وضعیت ساکنان آنها به عنوان بخشی از آیات الهی^۱ و برای درس و عبرت آموزی از آن به منظور دستیابی به یک زندگی آگاهانه لازم است: «**قُلْ سِيرُوا فِي الارضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ**، در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است.»^۲

بدون شک در دوران معاصر که از یک سو همگرایی‌های منطقه‌ای و همکاری و تعاملات مذهبی - فرهنگی افزایش یافته و از سوی دیگر گسترش فناوری اطلاعات و بهبود وسایل مسافرت و تسهیلات، کشورهای جهان را به بخش‌های یک مجموعه کوچک تبدیل نموده است و از جهت دیگر به دلیل شکست اندیشه مارکسیسم و فروپاشی شوروی، اندیشه اسلامی و مسلمانان به تنها رقیب اصلی فرهنگ و تفکر غربی بدل شده‌اند و به همین جهت تهاجم شدید فکری - فرهنگی و نظامی علیه آنها فزونی یافته، شناخت و همگرایی کشورهای اسلامی ضرورتی مؤکّد است.^۳

در میان کشورهای اسلامی، شناخت عربستان و تفکر وهابیت، به ویژه برای روحانیون کاروان‌های حج، به دلیل ارتباط، حضور و انجام بخش عمدہ‌ای از فعالیت‌های کاری آنها در این سرزمین و توقف ایفای صحیح رسالت حوزوی و

۱- یوسف، ۱۰۵.

۲- عنکبوت، ۲۰ نیز نحل، ۳۶، نمل، ۶۹ و روم، ۴۲.

۳- مطهری، مرتضی؛ حج، اوّل، صدرا، ۱۳۸۰، ص ۹ - ۲۵.

تبليغى آنها بر اين شناخت، همچنین به دليل ويژگى های خاص ذيل، از اهميت و ضرورتى افزاون تر بخوردار است:

۱. برابر روایات و متون تاریخی، منطقه جغرافیا ای عربستان، نقطه آغاز بسیاری از امور مهم است:

الف. عربستان نقطه آغاز بسط و گسترانیدن زمین است^۱ که در آیه شرife «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَا هَا»^۲ بدان تصريح و در آیه شرife «وَاللهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا»^۳ و آیه «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ»^۴ به آن اشاره شده است. بدین جهت باید آن سرزمین را اصل و آغاز همه آبادی ها^۵ و مادر زمین و تمدن های جهانی خواند.^۶

ب. در تبیین هبوط انسان به زمین^۷ پاره ای از روایات، محل این هبوط و نخستین جایگاه فروود و سکونت آدمی در این کره خاکی را، عربستان دانسته اند.^۸

ج. نخستین خانه عبادت و اوّلین کانون هدایت مردمان، کعبه، در آن سرزمین مبارک بنا شده است؛ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلّثَّاسِ لَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ در حقيقیت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم تعیین شده، همان است که در مکه قرار دارد و مبارک می باشد و برای جهانیان مایه هدایت است.»^۹

۱- مجلسی، محمد تقی؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۳۲ و ج ۶۶ ص ۲۵۴.

۲- نازعات، ۳۰.

۳- نوح، ۱۹.

۴- رعد، ۳.

۵- قاضی عسکر، سیدعلی؛ حج و حرمين شریفین در تفسیر نمونه، دوم، نشر مشعر، ۱۳۸۴، ص ۳۵۵.

۶- امینی، محمد هادی؛ تاریخ مکه، ترجمه محسن آخوندی، دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۷.

۷- بقره، ۳۶ و ۳۸، اعراف، ۲۴، طه، ۱۲۳.

۸- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

۹- آل عمران، ۹۶.

بدین جهت برخی تعبیر «بیت العتیق» در آیات ۲۹ و ۳۳ سوره مبارکه حج را به معنای خانه کُهن، قدیم و باستانی دانسته‌اند.^۱

۵. این کشور، جایگاه نخستین طلوع خورشید تابناک و حیات بخش اسلام و مرکز جوشش چشمۀ توحید ناب اسلامی و محل وقوع شکل گیری وقایع و حوادث دوران آغازین تاریخ پرافتخار و خاطره‌انگیز صدر اسلام و مهد پیدایش و رشد تمدن بزرگ اسلامی و مرکز تکوین هویت و پرورش اندیشه اسلامی است. به همین جهت ما را به دیدار آثار آن رسول الهی و تبیین آنها برای دیگران فرا خوانده‌اند.

۶. نه تنها عربستان نقطه آغاز بسیاری از امور، بلکه برابر گفته مفسران مقصود از «معد = نقطه بازگشت» در آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأَدَكَ إِلَى مَعَادٍ، در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می‌گرداند.»^۲ نیز سرزمین مکه است.^۳

۲. منطقه عربستان، از دیر باز مهبط وحی و محل رفت و آمد انبیای الهی همچون: حضرت صالح { و حضرت ابراهیم } و تلاش پی گیر آنها برای برافراشتن و حفظ پرچم توحید و برخوردار از نشانه‌های روشن آنان است؛ «فِيهِ آیَاتُ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ إِبْرَاهِيمَ، در آن نشانه هایی روشن از جمله مقام ابراهیم است.»^۴

این منطقه زادگاه، مرکز بعثت و محل مراجع خاتم پیامبران الهی حضرت

۱- قیل سی به لانه قدیم فهو اول بيت وضع للناس بناء آدم؛ شیخ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان، ج ۸ - ۷، اول، ناصر خسرو، ۱۴۰۶ق، تهران، ص ۱۳۰.

۲- قصص، ۸۵

۳- مجمع البيان، ج ۷ - ۸، ص ۴۲۰

۴- آل عمران، ۹۷

محمد {، همچنین جایگاه ولادت صدیقه اطهر، فاطمه زهرا [و یازده تن از اختران تابناک آسمان ولایت و امامت^۱، مدفن و آرامگاه کوثر هستی و چهار امام و پیشوای پاک؛ امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق^۲ و بسیاری از بستگان، اصحاب و یاران والا مرتبه آنان است و بدین جهت دارای مکانت بی بدیلی است.

۳. عربستان دربرگیرنده و حاوی «حجرالاسود» به عنوان قطعه‌ای از بهشت و دست خدا در مکه است. رسول خدا { فرموده‌اند: «الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنْ حَجَارِ الْجَنَّةِ، حَجَرُ الْأَسْوَدِ مِنْ سُنْكَهَائِيَّ بِهَشْتِيِّ اَسْتَ». ^۱ و «الْحَجَرُ يَمِينُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَصَافِحُ بِهِ عَبَادَهُ، حَجَرُ الْأَسْوَدِ دَسْتُ خَدَا دَرَ رُوَى زَمِينَ اَسْتَ كَهْ خَدَاوَنْدَ بَهْ وَسِيلَهْ آنَ بَا بَنْدَگَانْشَ مَصَافِحَهْ مَىْ كَنْدَ». ^۲ و دربردارنده باغی از باغ‌های بهشت در مدینه است: رسول خدا { فرمودند: «مَا بَيْنَ قَبْرِيْ وَ مَنْبِرِيْ رَوْضَهْ مَنْ رِيَاضُ الْجَنَّةِ، مِيَانَ قَبْرٍ تَا مَنْبِرٍ مَنْ، باغی از باغ‌های بهشت است». ^۳

۴. عربستان وطن دینی همه مسلمانان، بلکه موطن همه مردم است؛
«الَّذِي جَعَلَنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ؛ آنَ را بِرَأِيِّ مَرْدَمِ اَعْمَمِ اَزْمِيمِ درَ آنْجَا وَ بَادِيَهِ نَشِينِ يَكْسَانِ قَرَارِ دَادَهِ اِيمَ». ^۴ بدین سان اهمیت عربستان، مختص به مردم آن کشور، مقطوعی و صرفاً تاریخی و مربوط به زمان گذشته یا حال و آینده نیست؛ بلکه به دلایل گوناگون به ویژه به علت وجود کعبه به عنوان قبله‌گاه آخرین دین الهی^۵ و به دلیل برگزاری

۱ - محمدی ری شهری، محمد؛ حج و عمره در قرآن و سنت، ترجمه جواد محدثی، اول، دارالحدیث، قم، ص ۱۴۲ - ۱۴۴.

۲ - همان، ص ۱۴۲.

۳ - حج و عمره، ص ۵۳۸ - ۵۳۶.

۴ - حج، ۲۵ ، نیز بقره، ۱۲۵ ، آل عمران، ۹۶.

۵ - بقره، ۱۴۹ ، ۱۴۴ ، ۱۵۰.

همایش بین‌المللی حج در آن^۱، همیشه مورد توجه همگان بوده و هست و خواهد بود؛ زیرا هماره قلب همه مسلمانان، بلکه قلب انسانیت در حرمین شریفین می‌تپد.

۵. عربستان به عنوان مرکز اجتماع و تلاقی امت اسلامی نیز دارای اهمیتی استراتژیک است؛ زیرا کشوری است که می‌تواند نقش مهم، برجسته، بی‌بدیل و فراوانی در ایجاد وحدت و استحکام پیوند و حفظ انسجام امت اسلامی ایفا کند: «وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجَّ»؛ در اثنای حج ... جدال [روا] نیست^۲؛ چنان که می‌تواند در جهت عکس، منازعات اعتقادی و فرهنگی امت را دامن زند.

توجه به این حقیقت لازم است که خداوند در قرآن کریم، مؤمنان را برادر خوانده^۳ و امت اسلامی را امتنی واحد و یگانه نامیده است.^۴ و همه این امت را به اقامه دین و عدم تفرقه در آن^۵ و چنگ زدن به ریسمان الهی^۶ و پرهیز از نزاع و درگیری که جز سنتی و فرسایش، سرانجامی ندارد، فرا خوانده است^۷ و امت اسلامی را از همانندی کسانی که بر طبل تفرقه می‌کوبند، بر حذر داشته است.^۸ و رسول اعظم^۹ خود را از تفرقه افکنان و اختلاف انگیزان بر کnar دانسته است.

آری بر اساس این آموزه‌ها و فرامین مؤکد و حیاتی است که رسول خدا^{۱۰}، برای رفع کدورت‌ها، بلکه برای ایجاد اخوت دینی، تلاش‌های فراوانی انجام داده و همه مسلمانان را به همراهی یکدیگر توصیه فرموده است: «وَ اللَّزُوم

۱- آل عمران، ۹۷.

۲- بقره، ۱۹۷.

۳- حجرات، ۱۰.

۴- آنیاء، ۹۲.

۵- شوری، ۱۳.

۶- آل عمران، ۱۰۳.

۷- انفال، ۴۶.

۸- آل عمران، ۱۰۵.

۹- انعام، ۱۵۹.

لجماعت‌هم . . . همراهی با جامعه اسلامی...»^۱ و از دشمنی بر حذر داشته است: «و لاتبا غضوا فانها الحالقة، و با يكديگر دشمنی و كينه توزی نداشته باشيد که نابود کننده است.»^۲

پس از نبی مکرم اسلام { امام علی } که ۲۳ سال در کنار رسول خدا { با کفر و شرک مبارزه کرد، بیش از ۲۵ سال از عمر گرانبهای خود را با شکیبایی شگفت انگیزی در راه حفظ وحدت، بلکه همراهی، مشارکت، تعاون و هدایت جامعه نو پای اسلامی صرف نمود و همگان را در عمل و گفتار به سوی وحدت دعوت نمود^۳؛ بدین رو می‌بایست آن حضرت را قهرمان فداکار و بی نظیر «وحدة امت» دانست.

بدون شک پیروان آن امام همام که به فرمان خداوند، مسؤولیت خطیر فراهم ساختن بستر و فضای لازم برای وحدت جهان شمول همه یکتا پرستان جهان، بر محور توحید را بر دوش دارد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابَ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَا تَعْبُدُمْ إِلَّا اللَّهُ، بِكَوَافِي اهْلِ الْكِتَابِ بِيَأْيِدِيهِ بِرَسْخَنِي که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خدا را نپرستیم.»^۴، باید با الگوگری از آن حضرت، بهترین نماد متعالی و برترین فریادگر علمی و عملی وحدت امت اسلامی باشند و برای تحقق وحدت و انسجام اسلامی و رفع چالش‌ها و موانع این هدف والا به ایفای وظیفه کنونی خود بپردازنند و تلاش نمایند تا وحدت امت اسلامی، تحقق یابد.

۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۳ - الزموا ما عقد عليه حبل الجماعة؛ نهج البلاغه، خ ۱۵۱، و عليكم بالتوصل و التبادل و اياكم و التدابر و التقاطع؛ همان، نامه ۴۷، و ليس رجل احرص على جماعة امة محمد و الفتها مني ابتغى بذلك حسن الثواب و كرم المآب؛ همان، نامه ۷۸.

۴ - آل عمران: ۶۴

به علاوه لزوم اهتمام نسبت به امور مسلمانان جهان به عنوان وظیفه اساسی یک مسلمان؛ «من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم، هر کس به روز درآید و به امور مسلمانان اهتمام نورزد، مسلمان نیست.»^۱ و ضرورت برنامه ریزی و تلاش برای حسن تفاهم^۲، همگرایی و برقرار ساختن پیوند، تعاون و همکاری گسترده امت اسلامی نیز شناخت عربستان و وهابیت را لازم نموده است؛ بلکه مسؤولیت خاص، بسیار مهم و سنگین جهان تشیع و پیروان اهل بیت^۳ و روحانیت گرانمایه آن در ایجاد انسجام و وحدت میان امت اسلامی و وظیفه و مأموریت ویژه روحانیون کاروان‌ها در شناساندن معارف ناب اسلامی و هدایت امت از طریق کلام اهل بیت^۴، شناخت و تعامل با عربستان در این عرصه را از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار ساخته است.

۶. عربستان از یک سو جایگاه ویژه عبادت و ذکر و نیایش^۵ و یکی از بهترین مکان‌های تعظیم شعائر دینی «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» در حقیقت صفا و مروه از شعائر خدا است [که یادآور اوست]^۶ و «وَ الْبُدْنَ جَعَلْنَا هَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» و شتران فریه را برای شما از شعائر خدا قرار دادیم.^۷ و از سوی دیگر بهترین محل ابراز برائت از مشرکان^۸ و قدرت نمایی مسلمانان در برابر همه دشمنان اسلام و مسلمین است.^۹

۱ - بخار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۳۹ - ۳۳۷.

۲ - یکدیگر را خوب و آن طور که هستند، فهمیدن؛ مطهری، مرتضی؛ حج، ص ۹.

۳ - فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۵. نیز امام صادق: شَرَّقَا إِنَّ وَغَرَّبَا فَلَا تَجِدَا نَعْلَمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا صَحِيحًا خَرَجَ مِنْ عَنْدِنَا أَهْلُ بَيْتٍ؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۷.

۴ - بقره، ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۳.

۵ - بقره، ۱۵۸.

۶ - حج، ۳۶ و مائدہ، ۲.

۷ - توبه، ۳ - ۱، ممتحنه، ۴، زخرف، ۲۶.

بدین جهت شناخت این کشور، ما را در برانگیختن و یاری امت اسلامی برای احساس قدرت پایا و پویای خویش و قد برافراشتن در برابر استکبار و مبارزه با ظلم و ستم جهانی توانا می‌سازد.

۷. عربستان از یک سو محل یاد کردن از حقیقت انسان کامل و الگوهای والای انسانی است؛ یاد کرد حضرت آدم^۱، حضرت ابراهیم^۲: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ»، و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز^۳، و حضرت اسماعیل^۴: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ» و در این کتاب از اسماعیل یاد کن.^۵ و یاد کرد پیامبر اعظم^۶ و امامان معصوم^۷ و دیگر شخصیت‌های نقش آفرین در عرصه تعالی انسانیت، برای راه یابی و الگوگرفتن از آنان است.^۸ چنان که از سوی دیگر، محل تنبه‌ی افتن به دشمنی ابلیس با آدم^۹ و شناساندن نقش او در هبوط^{۱۰} و خوار ساختن انسان^{۱۱} و دور ساختن آدمی از بهشت^{۱۲} و فرو افتادن او در جهنم^{۱۳} برای هشیاری هر چه بیشتر انسان^{۱۴} و مخالفت و دشمنی ورزیدن در برابر شیطان است.^{۱۵}

۸. شکل گیری نوعی تفکر متصلب، متعصب و خشن دینی و پروراندن گونه‌ای از نگرش غلط مذهبی تحت عنوان «وهابیت و سلفی گرایی» در عربستان

۱- انفال، ۶۰

۲- مریم: ۴۱، ص: ۴۵

۳- مریم: ۵۴، ص: ۴۸

۴- احزاب: ۲۱، ممتحنه: ۴

۵- بقره: ۱۶۸، ۲۰۸، انعام: ۱۴۲، یس: ۳۶، ۶۰

۶- اعراف: ۲۴

۷- فرقان: ۲۹

۸- طه: ۱۱۷

۹- ص: ۸۴، اسراء: ۶۳، شعراء: ۹۴

۱۰- یس: ۶۲

۱۱- فاطر: ۶

که برآیند آن در تروریسم، جلوه نمایی کرده و سیمای درخشنان و چهره تابناک دین و مذاهب اسلامی را در میان جامعه بشری مخدوش ساخته است، همچنین برنامه گستردگی اندیشه وهابیت در میان همه مسلمانان و وهابی سازی همه امت، آن هم تحت عنوان مقدس «گسترش توحید» و «امر به معروف و نهی از منکر»، ضرورت شناخت عربستان و وهابیت را مضاعف ساخته است؛ زیرا بدون این شناخت، نمی‌توان در برابر آنان، برنامه راهبردی مناسبی برای تصحیح اندیشه تجسم گرایانه آنان و ارائه توحید ناب و معرفی معارف و محاسن کلام اهل بیت⁺ به جهانیان، تدوین استراتژی تبلیغی جهان تشیع در میان امت اسلامی و در میان شیعیان، طراحی، برنامه ریزی و اجرا نمود.

افزون بر رسالت جهانی تشیع در پیراستن چهره درخشنان اندیشه اسلامی از این نوع تفکر خشک، منجمد و اعمال خشونت بار آن و هدایت توده ناآگاه و عوام گمراه شده اهل سنت توسط وهابیون، حضور و مشارکت مداوم زائران ایرانی و شیعی به ویژه قشر جوانان و نوجوانان در آن کشور و مسؤولیت مهم روحانیون برای مصون سازی زائران خانه خدا در برابر تهاجمات و شببهه پراکنی‌های روز افرون آنها و لزوم آگاهی و مجهز شدن برای دفاع عقلانی، مستدل و جانانه برای حفظ اندیشه ناب شیعی، همچنین شناخت حساسیت‌های آنان برای باز داشتن زائران از کارهایی که بهانه به دست وهابیون تندرو می‌دهد، نیز ما را به ضرورت شناخت وهابیت و شباهات و برنامه‌های آینده آنان، برای ایفای یک نقش مؤثر، رهنمون می‌سازد.

نوشتاری که پیش رو دارد، درسنامه شناخت عربستان و وهابیت است و در سه فصل تدوین شده است:

۱. جغرافیای طبیعی، انسانی و اجتماعی و فرهنگی - آموزشی عربستان.
۲. نظام سیاسی - اقتصادی عربستان.
۳. وهابیت و عربستان.

در این کتاب کوشش شده اطلاعات مربوط به موضوع بحث، پیشینه، سیر تحولات و برآیند آن، به صورت جامع و تا حد ممکن به روز، از منابع موجود، گردآوری و متناسب با نیاز خوانندگان، به ویژه روحانیون و کارگزاران حج و زیارت، به صورت کامل با قلمی روان، تنظیم و ارائه شود.

گفتنی است محدودیت تاریخ نویسی مکتوب بشری به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح^۱، ارائه تصویری روشن از همه فراز و نشیبها در طول تاریخ را با دشواری هایی رو به رو ساخته است، بدین جهت و به خاطر رعایت اختصار و به دلیل توجه به اولویت های نیاز مخاطبان در این درسنامه، با اشاره به پیشینه و فرآیند تحولات پیشینی، بیشتر، دوران معاصر و وضعیت کنونی مورد توجه قرار گرفته است.

در پایان، ضمن تقدیر و تشکر از تلاش و اهتمام محقق و مؤلف ارجمند، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای علی محمدی آشنانی، امید است مطالب کتاب برای آگاهی و توانمند سازی فراغی ران بالاخص ابواب جمعی حج و زیارت و در جهت ایفای هر چه بهتر مسؤولیت خطیر آنان مفید باشد.

گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام

زمستان ۱۳۸۷

۱- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرۃ المعارف قرآن، ج ۲، اوّل، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳، ص ۷۸.

چکیده

فرمان الهی مبني بر شناخت جهان از یك سو و وضعیت کنونی جهان معاصر و صفات آرای استکبار جهانی در برابر مسلمانان، ویژگی های منحصر به فرد و جایگاه بی بدیل دینی - تاریخی عربستان و نقش برجسته آن در وحدت یا تفرقه امت اسلامی و همچنین انجام بخش عمدۀ مأموریت های روحانی و کاروان ها به این سرزمین، آشنایی با این کشور را ضروری ساخته است.

از سوی دیگر شناخت پیشینه، اصول و برنامه های آینده و هابیت به جهت دشمنی و تبلیغات سو، علیه تشیع از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است.

تدوین استراتژی و طراحی برنامه راهبردی مناسب برای تبلیغ تشیع و آمادگی کامل برای دفاع استدلای و قرآنی - روایی از اندیشه ناب شیعی از جمله اقداماتی است که می بایست در سیاست گزاری ها و برنامه ریزی ها لحاظ شده و مورد توجه و دقت متولیان امر قرار گیرد.

نوشتار حاضر برگرفته از همین موضوعات بوده و سعی در آشنایی مخاطبان با این سرزمین و افکار و هابیون دارد.

پرسش‌ها

۱. ضرورت شناخت عربستان در چیست؟
۲. ویژگی‌های خاص منطقه عربستان کدام است؟
۳. عربستان جایگاه کدامیں آغازه است؟
۴. نقش عربستان در بستر سازی و تحقق وحدت و انسجام اسلامی یا دامن زدن به اختلافات امت اسلامی چیست؟
۵. چرا باید امام علی را قهرمان بی نظیر امت اسلامی دانست؟
۶. شناخت اندیشه وهابیت برای پاکسازی و بهسازی چهره تابناک اسلام، هدایت توده ناآگاه اهل سنت، مقابله با اندیشه‌های تجسم گرایانه و مصون سازی زائران ایرانی و شیعی، چه کاربردی دارد؟
۷. الزامات آشنایی با عربستان برای روحانیون کاروانها در چیست؟
۸. نقش شناخت وهابیت در تدوین استراتژی تبلیغی جهان تشیع و انجام صحیح وظیفه و رسالت روحانیون نسبت به جامعه جهانی، جهان اسلام و زائران ایرانی و شیعی چیست؟
۹. چرا برافراشتن پرچم وحدت امت اسلامی بیش از دیگران بر عهده پیروان تفکر ناب و اصیل شیعی و روحانیت راستین آن است؟

برای مطالعه بیشتر

۱. مطهری، مرتضی؛ حج (گزیده‌ای از یادداشت‌ها)، صدر.

فصل اول

جغرافیای طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی عربستان

اهداف فصل اول

۱. شناخت سیمای کلی و ویژگی‌های عمومی عربستان
۲. شناخت جغرافیای طبیعی عربستان از ابتدای دحوالارض
۳. شناخت جغرافیای انسانی عربستان
۴. شناخت جغرافیای اجتماعی عربستان
۵. شناخت جغرافیای فرهنگی و آموزشی عربستان

پیش درآمد

در ابتدا به منظور دستیابی به شناخت کلی، ویژگی‌های عمومی عربستان تبیین می‌شود. سپس جغرافیای طبیعی، از آغاز گسترش زمین تا کنون و جغرافیای انسانی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی این کشور با اشاره به پیشینه و تأکید بیشتر بر وضعیت کنونی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ساختار کلی و ویژگی‌های عمومی

نام: عربستان سعودی = المملكة العربية السعودية =
^۱(Saudi Arabia)

نوع حکومت: پادشاهی (پادشاهی مطلقه اسلامی)

پایتخت: شهر ریاض از سال ۱۹۵۵ میلادی = ۱۳۷۵ ه. ق تا کنون.

روز استقلال: ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۳۲ م = ۱۳۵۰ ه. ق که به «روز اتحاد» موسوم می‌باشد.

روز ملّی: اول میزان، برابر ۲۳ سپتامبر هر سال میلادی.

پرچم: به شکل مستطیل با رنگ سبز که در وسط آن بر فراز شمشیری، به رنگ سفید به خط ثلث نوشته شده است: «لا إله إلا الله محمد رسول الله». این پرچم به احترام شهادتین هرگز نیمه  د.

۱ - در جهان معاصر، عربستان تنها کشوری است که به نام یک خاندان (آل سعود)، متنسب است.



نشان رسمی: نشان رسمی کشور از زمان محمد بن سعود، یک نخل خرما در میان دو شمشیر است که یکدیگر را قطع کرده‌اند.^۱

موقعیت: از کشورهای قاره آسیا^۲ در منطقه استراتژیک خاورمیانه^۳، هم‌مرز با خلیج فارس و دریای سرخ است.

۱ - العجلانی، منیر؛ تاریخ البلاط السعودیه، ج ۱، ص ز.

۲ - آسیا با مساحتی بیش از ۴۴ میلیون کیلومتر مربع، بزرگترین قاره کره زمین است که بیش از یک چهارم مساحت کل خشکی‌های زمین ($= ۱۳۵$ میلیون کیلومتر مربع) را در بر گرفته و ۶۰% جمعیت دنیا را در خود جای داده است.

۳ - خاورمیانه (Middle East) اصطلاحی است که برای اولین بار در سال ۱۳۲۰ میلادی توسط یک افسر امریکایی به کار گرفته شد و پس از آن به تدریج در میان سیاستمداران کشورها رایج گردید. سازمان ملل، این اصطلاح را در سال ۱۹۴۸ پذیرفت. برخی، پدید آورنده این اصطلاح را فرماندهی نظامی بریتانیا در خلال جنگ جهانی دانسته‌اند. (جغرافیای کشورهای مسلمان، ص ۱۱، العجلانی، منیر، تاریخ بلاد عربی سعودی، ص ۹).



وسعت جغرافیایی: دارای $\frac{350}{240}$ کیلومتر مربع ($868/730$ میل مربع) مساحت،^۱ بزرگترین کشور شبه جزیره عربستان،^۲ چهارمین کشور بزرگ قاره آسیا و سیزدهمین کشور بزرگ جهان.^۳ مساحت آن تقریباً $\frac{1}{5}$ برابر ایران،^۴ ۳ برابر فرانسه و ۴ برابر عراق است.

طول جغرافيّي: بين خط العرض الجغرافيّي 16° الى 32° درجة در شمال خط استوا.

۱ - گودوین، عربستان سعودی، ص ۱۲۱، ۱۹۶۰ کیلومتر مربع، نیز سایت www.About.com:Geography.Home

۲- شبه جزیره عربستان در نیمکره شمالی و نیمکره شرقی جنوب غربی آسیا قرار گرفته است و از مشرق با خلیج فارس، از غرب با دریای سرخ (دریای قلزم) و از جنوب با اقیانوس هند، هم مرز است. مرز شمالی آن را به دقت نمی توان معین کرد ولی می توان خطیفرضی را از خلیج عقبه تا فرات امتداد داد و آن را مرز شمالی این شبه جزیره دانست. این شبه جزیره از هفت کشور؛ عربستان سعودی، جمهوری یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت تشکیل شده است.

^۳ - برازش، محمد رضا؛ عربستان سعودی، اول، آفتاب هشتم، ۱۳۸۵، مشهد، ص ۱۳.

ارتفاع از سطح دریا: از ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر.^۱

پست ترین نقطه: برابر خلیج فارس در سطح دریا.

بالاترین نقطه: جبل سودا، ۳/۱۳۳ متر.^۲

همسایگان: عربستان سعودی از شمال به اردن و عراق و از جنوب به جمهوری یمن و عمان و از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده و خلیج فارس و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود و دارای ۴/۴۳۱ کیلومتر مرز زمینی با همسایگان است؛ با عراق ۸۱۴ کیلومتر، با اردن ۷۴۴ کیلومتر، با کویت ۲۲۲ کیلومتر، با عمان ۶۷۶ کیلومتر، با قطر ۶۰ کیلومتر، با امارات عربی متحده ۴۵۷ کیلومتر و با یمن ۱/۴۵۸ کیلومتر مرز مشترک دارد.^۳

خط ساحلی: ۲۶۴۰ کیلومتر خط ساحلی با خلیج فارس و دریای سرخ.

جمعیت: بر اساس سرشماری ژولای سال ۲۰۰۵ میلادی = ۱۴۲۶ ه. ق دارای ۵/۵۷۶/۰۷۶ ۲۶/۴۱۷/۵۹۹ نفر است که ۲۱ میلیون نفر آن بومی و تعداد نفر آن مهاجر غیر عربستانی است.

دین و مذهب: دین رسمی این کشور اسلام و مذهب رسمی آن سنی حنبلی است و کشور بر اساس آیین وهابیت اداره می‌شود. در منطقه حجاز، بیشتر، مالکی مذهب و در نجد بیشتر مردم پیرو مذهب حنبلی هستند. بر طبق آمارهای منتشره حدود ۸۵ درصد سنی و ۱۵ درصد شیعه هستند.^۴ شمار رسمی جمعیت شیعیان عربستان بیش از دو میلیون نفر است که بیشتر آنان در منطقه شرقیه و

۱ - برخی از منابع شهر طائف را دارای ۱۸۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا دانسته‌اند. دلیل المملکه العربیه السعودية، ص ۹ و برخی کوههای جنوب مکه را دارای بیش از ۲۴۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا معرفی کرده‌اند. گودوین، عربستان سعودی، ص ۱۵.

۲ - سایت www. About. com: Geography. world Atlas Home

۳ - سایت www. About. com: Geography. world Atlas Home

۴ - فخری، محمد؛ عربستان، ویرایش دوم، اوّل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲، تهران، ص ۸، نصیری، عبدالله؛ آشنایی با عربستان، اوّل، نشر مشعر، ۱۳۸۶، ص ۱۶.

شهرهای دمام، احساء و قطیف و حدود ۵۰ هزار نفر آنان در مدینه منوره سکونت دارند.^۱ در عسیر و نجران گروهی از شیعه اسماعیلیه وجود دارند. در حوالی مکه معظمه، بخشی از یمنی‌های مقیم عربستان، زیدی مذهب هستند و در جنوب و نزدیک مرز یمن نیز گروه‌هایی از فرقه‌های مختلف شیعه، زندگی می‌نمایند.

گفته شده ۳ درصد مسیحی و حدود ۴ درصد از ادیان دیگر نیز در کشور عربستان سکونت دارند. بر طبق آخرین آمار در ۱۹۹۱ حدود شصت هزار مسیحی کاتولیک (خارجی) در این کشور زندگی می‌کنند.

زبان و خط رسمی: عربی (از زبان و خط‌های سامی) است. در ادارات دولتی، مراکز تجاری و دانشگاه‌ها، از زبان انگلیسی نیز استفاده می‌شود. در میان مهاجرین، زبان‌های مختلفی همچون اردو، پشتو، ترکی استانبولی، هوسه و ... نیز رایج است.

تقسیمات کشوری: دارای سیزده منطقه یا استان است؛ ۱. ریاض ۲. شرقیه ۳. مکه مکرمہ ۴. مدینه منوره ۵. حائل ۶. القصیم ۷. تبوک ۸. الباحه ۹. عسیر ۱۰. نجران ۱۱. جوف ۱۲. جیزان ۱۳. الحدود الشمالیة.

در حال حاضر استان ریاض و مکه مکرمہ توسط برادران شاه، استان شرقیه توسط فرزند ملک فهد، یک منطقه توسط برادر زاده مؤسس سلسله سعودی و استان‌های دیگر توسط نوادگان دیگر عبدالعزیز اداره می‌شوند.

تقویم رسمی ام القری: این تقویم، طبق سال هجری قمری با ۳۵۴ روز، تنظیم شده که از اوّل محرم آغاز می‌گردد و در آخر ذی حجه پایان می‌پذیرد.

تعطیلات: تعطیلات سالیانه از بیست و پنجم ماه مبارک رمضان تا پنجم شوال به مناسبت عید فطر و از پنجم تا پانزدهم ذی حجه به مناسبت عید قربان تعطیل می‌باشد.

تعطیلات هفتگی روزهای جمعه است و بانک‌ها و برخی از ادارات، روزهای پنج شنبه را نیز تعطیل می‌کنند.

روزها به هنگام برگزاری نماز، همه اماكن دولتی و تجاری تعطیل هستند.

ساعت: ساعت این کشور، ۳ ساعت جلوتر از ساعت گرینویچ (GMT) می‌باشد و اختلاف آن با ساعت جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ دقیقه است.

ساعت کار: در بیشتر ادارات، ساعت کار از ۷/۳۰ صبح آغاز می‌شود و در ۱۴/۳۰ پایان می‌یابد ولی بیشتر شرکت‌ها، مؤسسات خاص و بانک‌ها در دو نوبت صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر از ساعت ۱۶ الی ۱۹ به کار می‌پردازند.

واحد پول: واحد پول «ریال» است؛ هر ریال برابر با ۱۰۰ هله است. اسکناس‌های رایج این کشور ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۲۰۰، ۱۰۰ و ۵۰۰ ریالی می‌باشد و سکه‌های رایج آن ۱۰، ۲۵، ۵۰ هله و یک ریالی است.

از دیرباز تا کنون یک دلار آمریکا برابر با ۳/۷۴۵ ریال و یک لیره استرلینگ برابر با ۵/۸۴۶ ریال ثابت مانده است؛ زیرا دولت در برابر گرانی و تورم با پشتیبانی و اقدامات لازم، از کاهش ارزش پول ملی جلوگیری می‌کند.

واحد اندازه‌گیری: مقیاس اندازه گیری طول «متر» و نظام وزن آن بر اساس «کیلو گرم» است.

۲. جغرافیای طبیعی عربستان

در این بخش، نخست، پیشینه طبیعی و سپس عوارض، آب و هوا، پوشش گیاهی و محیط زیست، ذخایر و منابع طبیعی، شهرها و بنادر مهم مورد، بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

الف. پیشینه طبیعی

برابر قرآن کریم در مورد گسترانیدن زمین^۱ و به تصریح روایات^۲، سرزمین عربستان، کهنه ترین بلکه نخستین نقطه پیدایش و گسترش کره خاکی است. امام علی^۳ در پاسخ این پرسش که «چرا مکه را ام القری نامیده اند؟» فرمود: «لَأَنَّ الْأَرْضَ دِحْيَتْ مِنْ تُحْتَهَا، چون زمین از ذیل آن نقطه، گسترش یافته است.»^۴

برخی از روایات، آفرینش شهر مکه و گستراندن آن تا بیت المقدس را تا دو هزار سال، قبل از آفرینش زمین معرفی^۵ و برخی بنیان نهادن کعبه را قبل از آفرینش حضرت آدم^۶ و توسط فرشتگان و ساخت کعبه به وسیله آن حضرت را برای دومین بار معرفی کرده‌اند. پس از آدم، برخی از فرزندش «شیث» نیز در ساخت کعبه نام برده‌اند.^۷

در میان تحولات بعدی، حوادثی همچون عدم غرق شدن کعبه در جریان توفان نوح^۸، بلکه پنهان شدن آن از زمان توفان تا زمان حضرت ابراهیم^۹ و آشکار ساختن و معرفی آن برای حضرتش: «وَإِذْ بَوَأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ، چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم»^{۱۰} و بازسازی آن؛ «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ

۱- نازعات: ۳۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۳۲ و ج ۶۶ ص ۲۵۴ نیز حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۹۴.

۳- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱ - ۲، مکتبة الداوری، قم، ص ۵۹۳.

۴- محمدی ری شهری، محمد؛ حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه جواد محدثی، دارالحدیث، ص ۳۲ و ۹۶.

۵- ازرقی، محمد بن عبدالله بن احمد؛ اخبار مکه و ما جاء فيها من الاثار، به نقل از کردی مکی، محمد طاهر؛ کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ترجمه انصاری، محمد هادی؛ دوم، نشر مشعر، ۱۳۸۴، ص ۱۸ - ۱۵.

۶- و قیل سی به (بیت العتیق) لازمه اعتق من الطوفان فغرقت الارض كلها الا موضع البیت؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۳۰ نیز: حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۹۰.

۷- حج: ۲۶.

وَإِسْمَاعِيلُ وَهَنَّاكَمٍ كَهْ ابْرَاهِيمُ وَاسْمَاعِيلُ پَايَهَهَايْ خَانَهْ (كَعْبَهْ) رَا بَالا
مِي بِرْدَنَدْ.»^۱ وَپَاکْسَازِي آنَ بَهْ فَرْمَانُ وَهَدَىْتَ الْهَىْ تَوْسُطُ حَضْرَتِ ابْرَاهِيمُ وَ
اسْمَاعِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛ «وَعَهْدَنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ
طَهْرَأَ بَيْتِي لِلْطَّائِفِيَنَ وَالْعَاكِفِيَنَ وَالرُّكْعَ السُّجُودَ،
وَبَهْ ابْرَاهِيمُ وَاسْمَاعِيلُ فَرْمَانُ دَادِيْمَ كَهْ خَانَهْ مَرَا بَرَايْ طَوَافُ كَنْنَدَگَانَ وَمَعْتَكَفَانَ
وَرَكْوَعُ وَسَجْدَهْ كَنْنَدَگَانَ پَاکِيْزَهْ كَنِيدْ.»^۲ ازْ مَوَارِدِ مَهْمَ وَقَابِلَ اشَارَهْ است.^۳

باستان شناسان، قدمت این سرزمین را به دوران ماقبل تاریخ و «عصر حجر» منتبه ساخته‌اند. آنان اکتشافات باستانی و آثار زیر خاکی را بهترین شاهد این قدمت دانسته‌اند.^۴ کشف آثار دوره برنزی در برخی از مناطق این کشور نیز مؤید پیشینه بسیار کهن آن است.^۵

بر اساس برخی از پژوهش‌های زمین‌شناسی،^۶ کوه‌های شبه جزیره عرب متعلق به دوران دوم زمین‌شناسی؛ یعنی دوره ژوراسیک است.^۷ گفته شده زیربنای شبه جزیره عربستان از نظر زمین‌شناختی دارای ساختاری بسیار قدیمی است که هم‌زمان با پیدایش قلل رشته کوه آلبی در اروپا تشکیل شده است. شصت

١- بقره: ١٢٧.

١٢٥- بقره:

^۳ - کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ص ۲۶.

^۴ - عبده، طلعت احمد محمد؛ جغرافیای تاریخی شبه جزیره عربی در دوران ماقبل تاریخ، ص ۱۸۴

-٢٦٨. برای تفصیل بیشتر به: شرف الدین، المدن و الاماكن الأثریه فی شمال و جنوب الجزیره.

^٥- تاريخ البلاد العربية السعودية، ص ٥.

۶- تاریخ زندگی کره زمین دو تا پنج میلیارد سال تخمین زده می‌شود؛ مخدوم، مجید؛ شالوده آمایش، سرزمین، دانشگاه تهران، ششم، ص. ۳.

۷- افزون بر دوران بیش از دورانهای شناخته شده، زمین شناسی به سه دوران اساسی پالئوزوئیک = کهنه زیست و مژوزوئیک = میان زیست و سنوزوئیک = نوزیست تقسیم می‌شود. دوره ژوراسیک از دوره‌های متعلق به دوران دوم یعنی مژوزوئیک است؛ دولت آبادی، حسن؛ فرهنگ محیط زیست فرهنگ معاصر، اول، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.

میلیون سال پیش در اعمق دریایی کم عمق که اکنون به بیابان‌های وسیع مرکزی عربستان سعودی تبدیل شده، لایه ضخیمی از سنگ‌های آهکی تشکیل گردید. امروزه در فاصله‌ای نه چندان دور از ریاض در این چینه بندی آهکی، غارها و سوراخ‌های بی شماری پدید آمده است که در زبان عربی آنها را «دهل» می‌نامند. از زمانی که کاشفان غیر حرفه‌ای این غارها را در دهه ۱۹۸۰ کشف کردند، دهل‌های زیبا و غیر عادی بسیاری در این منطقه یافت شده است.^۱

زمین شناسان بر این باورند که عربستان از یک سو دنباله صحرای بزرگ آفریقاست که توسط دره نیل و خلیج بزرگ دریای سرخ از آن مُنفك گردیده است و از سوی دیگر امتداد ریگستان وسیعی است که در آسیا از قلب ایران تا صحرای گبی گسترده شده است. رشته کوه‌های نسبتاً مرتفعی که از شبه جزیره سینا آغاز و در امتداد دریای سرخ تا خلیج فارس کشیده شده، همچون دیواری، این شبه جزیره را محصور نموده است.

در لای این ارتفاعات، دره‌های کوچک و بزرگی به نام «وادی» دیده می‌شود.^۲ مهم ترین وادی‌های ساحلی آن کشور؛ عفال، صدر، الیسر، مراش، سلمی، دما، اظللم، شلبه، عنتر، المیاه، املج، الفرعه، الفقیر، بنی مالک، فاطمه، نعمان، سعدیه، لیث و مشهورترین وادی‌های داخلی آن، رنیه، تربه، لیه، فجر، عتیق، حمض، جزل و مصول هستند.^۳

ب. عوارض طبیعی

کشور عربستان سعودی از نظر جغرافیایی به چهار منطقه و سه ناحیه تقسیم

۱ - گودوین، ویلیام؛ عربستان سعودی، ص ۱۳ - ۱۶.

۲ - شهیدی، سید جعفر؛ تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱ نیز عربستان، ص ۴.

۳ - شاکر، محمود؛ شبه جزیره، ص ۳۶ - ۳۰. برای اطلاعات بیشتر به معجم ادبیات الجزیره^۵، عبدالله محمد بن خمیس، و قلب الحجاز، عاتق بن غیث البلاذی مراجعه شود.

می‌شود:

۱- ارتفاعات غربی

سلسله کوههای «سروات» که از خلیج عقبه آغاز می‌شود و تا منطقه حجاز و عسیر ادامه دارد و دشت تهامه در آن قرار گرفته است.

۲- نجد

مرکز شبه جزیره عربستان می‌باشد و قسمت اعظم آن را فرا گرفته است.

۳- احساء و قطیف

در ساحل شرقی کرانه‌های خلیج فارس قرار گرفته است.

۴- صحراهای شن‌زار

این بیان‌ها به سه قسم تقسیم شده‌اند:

الف. صحرا نفوذ یا «بادیه سماوه»: در شمال عربستان و دارای هفتاد هزار کیلومتر مربع مساحت و مرکب از تپه‌های شن سفید و سرخ است.
ب. صحرا دهنا: حد واسط میان صحرا نفوذ و صحرا ربع الخالی» است.

ج. صحرا ربع الخالی= Empty quarter یا رمله: این بیان با مساحت تقریبی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع و تنوع شگفت‌انگیزش قبل از اکتشاف منابع فراوان نفت در آن، از هرگونه تمدن و آبادانی تهی بود اما پس از اکتشاف، اهمیت زیادی یافته است.

نواحی سه گانه عربستان عبارتند از:

۱. تهامه یا غور

در این منطقه که به علت شدت گرما، آفتاب سوزان و نوزیدن باد، تهامه نامیده شده، زندگی مشکل است. استان جیزان در ناحیه عسیر و ساحل دریای سرخ، در تهامه واقع شده است.

۲. نجد (= سرزمین مرفوع)

دارای ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا است. این ناحیه که بیشترین قسمت عربستان را تشکیل می‌دهد، موطن آل سعود، کانون شکل‌گیری آیین و هابیت و شهر ریاض پایتخت عربستان را در بر می‌گیرد.

۳. حجاز

استان غربی و مناطق کوهستانی شمال غربی عربستان است که به دلیل آن که رشته کوه‌های بلندی دارد و مانع ارتباط طرفین خود با یکدیگر شده، حجاز نامیده شده است. شهرهای مقدس مکه، مدینه، ینبع، جدّه و طائف نیز در آن قرار گرفته‌اند.

ج. آب و هوا

عربستان به دلیل قرار گرفتن در نیم کره شمالی و نزدیکی به خط استوا، دارای آب و هوایی خشن و دارای بیابانی خشک و تفتییده با دمایی بسیار بالا و طاقت فرساست؛ هوای این کشور در تابستان بسیار گرم و در زمستان معتدل می‌باشد؛ در ماه‌های گرم از خرداد تا اوخر شهریور، میانگین دما ۳۸ درجه سانتی گراد و در ماه‌های سرد بین آذر تا اوخر اسفند، درجه حرارات هوا به ۲۳ درجه سانتی گراد در جده و ۱۴ درجه در دمام می‌رسد. در اغلب مناطق، میانگین درجه حرارت از ۳۰ تا ۴۹ درجه و در مناطق داخلی بالغ بر ۵۴ درجه است.^۱

در این کشور بارندگی بسیار کم است و برف و تگرگ به ندرت و فقط در مناطق کوهستانی و زمین‌های با ارتفاع زیاد می‌بارد؛ متوسط بارش سالیانه این کشور ۱۰۰ میلی متر و در مناطق شرقی تا ۴۰۰ میلی متر در سال گزارش شده است، در حالی که میزان بارندگی برخی از مناطق شمالی ایران به ۲۰۰ میلی متر

در روز می‌رسد.^۱ برخی علت نام گذاری مکه را بدین اسم، کمبود آب دانسته‌اند، گویا زمین آن منطقه، آب را مکیده و در خود فرو برد است.^۲ با آن که این کشور از دو طرف به آبهای آزاد راه دارد و از غرب به دریای سرخ و از طریق آن به تنگه باب المندب و کanal سوئز و از شرق به خلیج فارس و از طریق آن به تنگه هرمز^۳ مرتبط می‌شود و نیز با آن که دو طرف این کشور را دریا احاطه کرده ولی به علت اندک بودن وسعت آبهای مجاور، از گرما و خشکی اراضی و بیابان‌هایش کاسته نشده است.

به علت وزش بادهای موسمی در نقاط مرکزی عربستان، میزان بسیار ناچیزی از باران‌های اقیانوس هند به داخل این منطقه نفوذ می‌کند. به همین دلیل، گاه خشک سالی هایی سخت در آن ایجاد می‌شود و گاه نیز رگبارهای تند و کوتاه به صورت غیرعادی می‌بارد و منطقه حجاز را تهدید می‌کند.

افزون بر باران‌های سیل آسا، توفان شن و ماسه نیز از خطرهای طبیعی است که مناطق دارای این نوع آب و هوا را تهدید می‌کند.

در عربستان هیچ رودخانه دائمی یا فصلی وجود ندارد که به دریا برسزد و مردم مجبورند با حفر چاه از ذخایر آبی موجود استفاده کنند ولی در آن وادی‌هایی هست که سیلاب‌ها را در خود جمع می‌کند و به همین دلیل در دره‌های عمیق منطقه حضرموت، آبهای زیرزمینی فراوانی وجود دارد.

طبق برخی از آمارها، آبهای زیر زمینی غیر قابل جایگزین در این کشور را که از آن به عنوان «آب فسیلی» یاد می‌شود، ۳۵۰/۰۰۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده و آن را بر اساس جمعیت و مصرف کنونی تا سه قرن کافی

۱ - دلیل المملكة العربية السعودية، ص ۱، نصیری، عبدالله؛ آشنایی با عربستان، ص ۱۲.

۲ - امینی، تاریخ مکه، ص ۲۶.

۳ - برازش، عربستان سعودی، ص ۱۷.

دانسته‌اند.^۱ گفته شده یکی از این سفره‌ها به نام واسعه که بزرگ‌ترین سفره آب زیر زمینی عربستان است، بیش از تمام خلیج فارس آب دارد.

اکنون آب‌های سطحی که بیشتر در مناطق غرب و جنوب غربی آن وجود دارد ۱۰٪ و آب‌های زیر زمینی ۶۰٪ است و اصلاح و شیرین نمودن آب‌های شور، حدود ۳۰٪ از نیازهای این کشور به آب را برطرف می‌سازد.

گفتنی است به دلیل گستردنی صحراها، وضعیت زمین و کمبود آب، ۹۸٪ زمین‌های عربستان غیر قابل استفاده و تنها ۱/۶۷٪ از اراضی آن قابل استفاده است و فقط ۹٪ آن زمین کشاورزی و قابل زراعت می‌باشد.^۲ به همین جهت عربستان برای تأمین آب مورد نیاز از طریق شیرین سازی آب شور دریا، سرمایه گذاری زیادی کرده است.

نکته جالب توجه آن است که علی رغم چنین آب و هوایی به دلیل دعای حضرت ابراهیم^۳ مبنی بر «وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الْثَّمَرَاتِ، وَ آنَّا رَايَ مَحْصُولَاتٍ [امورد نیازشان] روزی ده» و پذیرش فرآگیرتر خداوند «قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتَئِنُهُ قَدِيلًا ثُمَّ أَضْطَرْهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمِصِيرُ، فرمود: و هر کس که کفر بورزد، اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را با خواری به سوی آتش [دوزخ] می‌کشانم.^۴، انواع فراورده‌ها بدان سرزمین آورده می‌شود و فراوانی انواع مواد غذایی در آن به خوبی مشهود است: «يُجَبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَ لِكُنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، محصولات هر چیزی - که رزقی از جانب ماست - به سوی آن سرازیر می‌شود، ولی بیشترشان

۱- نصیری، آشنایی با عربستان، ص ۲۰.

۲- عده، احمد محمد؛ جغرافیای تاریخی شبه جزیره، ص ۴۴ و فخری، محمد؛ عربستان، ص ۱۰۴

و سایت www.About.com: Geography,world Atlas Home

۳- ابراهیم: ۳۷ نیز بقره: ۱۲۶

۴- بقره: ۱۲۶

نمی‌دانند.»^۱

د. پوشش گیاهی و محیط زیست

پوشش گیاهی عربستان، متناسب با آب و هوای خشک و بیابانی و به صورت بوته‌ها و درختچه‌های خاردار و سوزنی شکل با تنوع بسیار زیاد (۸۰ نوع)^۲ است که با ریشه‌های عمیق از آبهای زیر زمینی تغذیه می‌کنند. درختان آن نیز بیشتر از نوع درخت خرما و اکالیپتوس است که مخصوص آب و هوای خشک و صحرایی یا مرطوب کنار ساحل است.^۳ قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم { منطقه مکه مکرمه را غیر مزروع و بیابانی بدون کشت خوانده است: «رَبَّنَا إِنَّنِي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرْيَتِي بِوَادٍ عَلَيْهِ زَرْعٌ، پروردگارا من یکی از فرزندانم را در دره‌ای بی کشت سکونت دادم.»^۴

در این کشور، به دلیل همزیستی با آب و هوای بیابانی، شتر و پس از آن، اسب عربی پرورش داده می‌شود که از شهرت جهانی برخوردار است. حیوانات دیگری شامل گرگ، کفتار، روباه، خارپشت، موش صحرایی و موش خرمایی و پرنده‌گانی همچون شاهین، عقاب، قوش، کرکس، مرغ ماهی خوار، کلاح و حواصیل نیز در این کشور زیست می‌کنند و در مناطق بیابانی و شن زارها، گونه‌های مختلف حشرات و انواع عقرب و مار و مارمولک و سوسک صحرایی زندگی می‌کنند.^۵ گفتنی است به دلیل شکار بی رویه و عوامل دیگر؛ نسل غزال، بز کوهی، شتر مرغ و شیر در این کشور منقرض شده است.^۶ این کشور به صورت

۱- قصص: ۵۷

۲- دلیل المملكة العربية السعودية، ص. ۵

۳- برازش، عربستان سعودی، آفتاب هشتم، ص. ۱۶.

۴- ابراهیم: ۳۷.

۵- عربستان سعودی، ص. ۱۸.

۶- عربستان سعودی، ص. ۲۹.

موسیمی پذیرای پرندگان مهاجر نیز هست.^۱ عربستان در سال ۱۹۸۶ = ۱۴۰۶ با تشکیل «هیأت وطنی برای حمایت از حیات فطری و رشد آن» برنامه ریزی برای ایجاد ۱۰۳ منطقه حمایت شده حفظ محیط زیست را آغاز کرده است.^۲

امام علی { ضمن توصیف وضعیت آب و هوایی عربستان، علت عدم آب فراوان و هوای معتدل در آن را، فراهم آمدن زمینه برای امتحان دانسته و راز قرار گرفتن کعبه در میان این منطقه سنگلاخی و خشن را امتحان الهی، زدودن تکبر، استوار نمودن خضوع و گشودن درهای فضل و عفو به روی بندگان معرفی فرموده است:

«اَلَا ترَوْنَ اَنَّ اللَّهَ سَبَحَنَهُ اَخْتِرُ الْأَوْلَيْنَ مِنْ لَدْنِ
آَدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اَلِيْ اَلَا خَرَيْنَ مِنْ هَذَا
الْعَالَمِ بِالْحَجَارِ . . . ثُمَّ وَضَعَهُ بِاَوْعَرِ بَقَاعِ الْارْضِ
حَجَرًا وَ اَقْلَى نَتَائِقَ الدُّنْيَا مَدْرَأً وَ اَضْيَقَ بَطْوَنَ
اَلْاوَدِيَّةِ قُطْرًا بَيْنَ جَبَالَ خَشْنَةِ وَ رِمَالِ دَمَثَةِ وَ
عَيْوَنِ وَشْلَةِ وَ قَرَى مَنْقَطَعَةِ . . . اَبْتَلَاهُ اَعْظَيْهِمَا
وَ امْتَحَانَاهُ شَدِيدًا وَ اَخْتَبَارَاهُ مَبِينًا وَ تَحْيِيدَصَا
بَلِيجًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبِيلًا لِرَحْمَتِهِ وَ وَصْلَةَ الْجَنَّتَهِ
. . . وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عَبَادَهُ بَانوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ
يَتَعَبَّدُهُمْ بَانوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضَرْوبِ
الْمَكَارِهِ اَخْرَاجًا لِلتَّكَبَّرِ مِنْ قَلْوَبِهِمْ وَ اسْكَانًا
لِلتَّذَلَّلِ فِي نَفَوَسِهِمْ وَ لِيَجْعَلْ ذَلِكَ اَبْوَابًا فُتُّحًا
الِيْ فَضْلِهِ وَ اسْبَابًا ذُلُلًا لِعَفْوِهِ»^۳

«آیا مشاهده نمی‌کنید که همانا خداوند سبحان انسان‌های پیشین از آدم تا آیندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مکه آزمایش کرد ... سپس کعبه را در سنگلاخ‌ترین مکان‌ها، بی‌گیاه‌ترین زمین‌ها و کم‌فاصله‌ترین دره‌ها در میان کوه‌های خشن، سنگریزه‌های فراوان و چشم‌های کم آب و آبادی‌های از هم دور

۱- دلیل الملکة، ص ۵

۲- دلیل الملکة، ص ۷

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ مشهور به خطبه قاصعه.

قرار داد که شتر، اسب و گاو و گوسفند، هیچ کدام در آن سرزمین آسایش ندارند ... که آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایشی آشکار است برای پاکسازی و خالص شدن که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد ... در صورتی که خداوند، بندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آzmاید و با مشکلات زیاد به عبادت می‌خواند و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد تا کبر و خودپسندی را از دل‌هایشان خارج کند و به جای آن فروتنی آورد و درهای فضل و رحمتش را به رویشان بگشاید و وسایل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد.»

د. ذخایر و منابع طبیعی

عربستان، افزون بر ذخایر نفت و گاز، دارای منابع و ذخایر طبیعی غنی و گسترده‌ای همچون طلا، نقره، مس، سنگ آهن، فسفات، سنگ مرمر، روی، بوکسیت، پتاسیم، نمک، آهک، اورانیوم و است.

تا کنون ۴۵۰۰ معدن گوناگون در این کشور کشف شده است که معدن طلای واقع در حدود ۳۵۰ کیلومتری شرق جده با برآورد ذخیره حدود ۵ میلیون تن سنگ طلا و معدن طلای مهدالذهب و ذخیرات با ذخیره $8/4$ میلیون تن از آن جمله است. افزون بر آنها ذخایر معدنی دیگری نیز وجود دارد که هنوز از آن بهره برداری نشده است.^۱

معدن عربستان اکثراً در کوههای حجاز و منطقه عسیر و ناحیه نجد واقع شده است. دو شهر صنعتی یینبع در ساحل دریای سرخ و جبيل در ساحل خلیج فارس به این هدف احداث شده‌اند که وضعیت منابع و معدن عربستان را ساماندهی کنند.

۱ - برازش، عربستان سعودی، ص ۴۴.

ه. شهرهای مهم

شهرهای عربستان از جهت‌های گوناگون؛ سیاسی، مذهبی، صنعتی، تجاری و کشاورزی دارای اهمیت می‌باشند:

سیاسی

پس از ریاض، شهر «جده» پایتخت سابق این کشور است که محل شعبات وزارت‌خانه‌ها و اقامت مقامات سیاسی می‌باشد. سپس شهر «طائف» که به دلیل خوشی آب و هوا و تشکیل هیأت دولت در فصل تابستان در آن، دارای اهمیت است.

مذهبی و تاریخی

«مکه» به علت وجود کعبه، مسجدالحرام و برگزاری مناسک حج و سپس شهر «مدینه» به دلیل وجود مسجد و حرم نبوی و قبرستان بقیع در آن، همچنین به دلیل شکل گیری تاریخ اسلام در آنها، از اهمیت مذهبی - تاریخی برخوردارند.

تجاری و صنعتی

از نظر تجاری، مکه و مدینه در ایام برگزاری حج، جده و شهر «دمام» در مرکز منطقه شرقی، دارای اهمیت هستند. منطقه شرقی به دلیل دارا بودن بیشترین منابع نفت و گاز، شهر صنعتی «جبيل» واقع در ساحل خلیج فارس و شهر «ینبع» در ساحل دریای سرخ از نظر صنعت پالایش و پتروشیمی، دارای اهمیت زیادی هستند.

کشاورزی

طائف، بريده، تبوك، نجران، احساء و خميس مشيط، از نقطه نظر کشاورزی دارای اهمیت زیادی هستند.

و. بنادر مهم

مهمترین بندر عربستان، بندر آزاد و بازرگانی «جده» در ساحل دریای احمر است که از نظر سیاسی، تجاری و بازرگانی دارای اهمیت بسیار زیادی است. این بندر از پیش رفته ترین شهرهاست و به دلیل فرودگاه بین المللی ملک عبدالعزیز در آن، محل ورود حاجیان است. تعدادی از پایگاههای مهم نظامی و دریایی نیز در این بندر قرار دارند. فواره بزرگ ملک فهد و جاده ساحلی ۸۰ کیلومتری آن دو نقطه دیدنی جده است.

پس از جده، بنادر «دمام» در منطقه شیعه نشین شرقیه و پس از آن «ینبع، جیزان، جبیل، جبل و بندر نفتی رأس تنوره» دارای اهمیت هستند. علاوه بر بنادر مهم پیش گفته، عربستان دارای بنادر کوچک تری به نامهای کوریبه، حاجی، دیبا، الوجیه، یمیلوچ، فارسان، القامه، الکبار، ضيقف، یاقاری، دارین، رأس الخفیجی و رأس الحیشاب نیز می‌باشد.

۳. جغرافیای انسانی

در این بخش، پیشینه تاریخی جمعیت، نژاد و قبایل، جمعیت کنونی، تراکم و پراکندگی جمعیت و مهاجرت، مورد بحث قرار می‌گیرد:

الف. پیشینه تاریخی جمعیت

برابر پاره‌ای از روایات، نخستین انسانها یعنی حضرت آدم و حوا در این منطقه هبوط یافته و در آن سکونت یافته اند.^۱ پس از آن، در متون بسیاری، تداوم زیست

۱ - از رسول خدا روایت شده که فرمود: «فَا وَحِى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جَبَرِيلَ
اَنْ اَهْبَطْهُمَا إِلَى الْبَلْدَةِ الْمَبَارَكَةِ فَهَبَطَ بَعْدَهُمَا جَبَرِيلٌ فَالْقَى
آدَمَ عَلَى الصَّفَا وَالْقَى حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ»

فرزندان حضرت آدم در آن منطقه مورد اشاره قرار گرفته است.^۱ کاوش‌های باستان شناسی، نشان از حیات جمعی انسان‌ها در این سرزمین، در بیست و پنج قرن قبل از میلاد دارد.^۲ برخی با استناد به شواهدی چند، قدمت آن را ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد دانسته‌اند.^۳

از نُه قرن قبل از میلاد به ویژه در دوران آشوریان، نام این منطقه را «بلاد عرب»^۴ نامیده‌اند. هومر در ادیسه در نه قرن قبل از میلاد و مورخ معروف یونانی هیروودتس (Herodotos) در اواسط قرن پنجم قبل از میلاد در مکتوبات خود به این سرزمین اشاره کرده‌اند.^۵ در کتبیه‌های باقی مانده در شرح نبردهای شلمنصر سوم پادشاه آشوری (۸۵۹ - ۸۲۴ ق میلاد) نیز واژه «عرب» دیده می‌شود.^۶

در قرن دوم میلادی دانشمند یونانی بطليموس با تعبیر «بلاد صحرایی عربی؛ Arabia Eremon» از این سرزمین یاد نموده و آن را به دو قسمت تقسیم کرده است: بلاد عربی خوبیخت (منطقه جنوبی = یمن) و بلاد عربی صخره‌ای (منطقه

۱ - تفسیر راهنمای ج ۱، ص ۱۱۲ به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶، ج ۲۱، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۸۴

۲ - كعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ص ۲۶ - ۲۵.

۳ - لبیب البنتونی، محمد؛ الرحلۃ الحجا زیه، ص ۳۴ - ۱۱.

۴ - در اساسات تاریخ الجزیره العربیه، ص ۱۰۳ - ۷۹.

آرای دارای تعصب و بعض آمیز شرق شناسان، برخی گفته‌اند به دلیل نام نیای آنان یعرب ابن قحطان، این نژاد عرب نامیده شده‌اند. این ندیم واژه عرب را برگرفته از سخن حضرت ابراهیم به حضرت اسماعیل دانسته است که چون فرزندان اسماعیل را با دائی‌های آنها از قبیله جُرْهُم نگریست به اسماعیل گفت: اعرب له = آنان را با هم بیامیز (الفهرست، ص ۸) برخی نیز این واژه را برگرفته از ریشه‌ای دانسته‌اند که معنای حرکت و عبور می‌دهد. در قرآن کریم نیز واژه عرب به کار رفته است. (عربی در نحل: ۳۳ و ... اعراب در توبه: ۹۰، ۹۷، ۹۸، ۹۹) گفته شده عرب و عربی بر شهروندان و اعراب و اعرابی بر بادیه نشینان اطلاق شده است. تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۳ - ۲.

۵ - جغرافیای تاریخی شبیه جزیره عربی در دوران ماقبل تاریخ، ص ۱۹ و ۶۷

۶ - تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۳ به نقل از دایرة المعارف مصاحب ذیل کلمه عرب.

شمالی و مرکزی = عربستان کنونی)۱.

شواهد باستان شناختی بیانگر این است که اولین ساکنان عربستان، چادرنشینانی اهل منطقه شمالی شبه جزیره عربستان بودند. اوّلین ساکنان دائمی در طول ساحل دریای سرخ و خلیج فارس سکنی گزیدند.^۲ البته از دیرباز منطقه مرکزی نجد و حجاز محل سکونت صحرانشینانی بوده است که در جستجوی آب و مرتع به همراه احشام خود، کوچ نشینی را پیشه ساخته بودند. در منطقه جنوبی این سرزمین که هم اکنون کشور یمن نامیده می‌شود، به علت وجود آب و قابلیت کشاورزی و دریانوردی، همواره تجمع بیشتری صورت پذیرفته و در آن دولت‌هایی چون معینیان، سبائیان، حمیریان، قتبان، و دولت حضرموت به ظهور رسیده‌اند و در قسمت شمال و شمال غربی، نیز دولت‌هایی چون نبطیان وجود داشته است.

شکستن سد مارب در جنوب، که مهاجرت گسترده‌ای از جنوب به شمال و مرکز را در پی داشت، باعث تشکیل حکومت‌هایی چون غسانیان، لخمیان و آل کنده توسط مهاجران گردید که به ترتیب تحت حمایت امپراتوری روم، ایران و حمیریان بودند.

از سده پنجم میلادی که مهاجرت از جنوب به شمال، تحولات بسیار زیادی را در عربستان رقم زد و بر اثر آن راه‌های تجاری جدیدی به وجود آمد، به تدریج عده‌ای از صحرانشینان بدوى در کنار جاده‌ها سکنی گزیدند، بر اثر این سکونت، به ویژه در مناطقی که زمینه کشاورزی فراهم بود، شهرک‌هایی پدید آمد که بادیه نشینان در آن به کشاورزی پرداختند.^۳

۱ - جغرافیای تاریخی شبه جزیره عربی در دوران ماقبل تاریخ، ص ۲۴.

۲ - عربستان سعودی، ص ۳۳.

۳ - تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۲۴ - ۲۲.

ب. نژاد و قبایل

نژاد مردم عربستان، سامی است. پیشینیان آنها از تمدن اولیه سامی برخاسته‌اند و در طول زمان تحت تأثیر فرهنگ‌های یونانی، رومی، مصری و ایرانی قرار گرفته‌اند.

مورخ شهیر فیلیپ هیتی می‌نویسد: «شبه جزیره عربستان به عنوان زادگاه احتمالی قوم سامی، کسانی را که بعدها به هلال الخصیب مهاجرت کردند و مردمان بابلی، آشوری، فینیقی و عبری را تشکیل دادند، در دامان خود پرورش داده است».^۱

ساکنان اندک این مناطق، در خیمه‌های مویین روزگار می‌گذرانند و برای مقابله با مشکلات، چند خانواده در کنار هم زندگی و با هم کوچ می‌کردند. عامل این پیوندها، وابستگی نسبی یا سببی بود که بر اثر ازدواج پدید می‌آمد. این خویشاوندان «قوم» نامیده می‌شدند و از ترکیب چند قوم، یک قبیله شکل می‌گرفت که با پیشوند بنی یا بنو (همانند بنو حرب، بنی عدی)، از دیگر قبایل مشخص می‌گردیدند. رهبری قبیله معمولاً به عهده سالخورده ترین فرد بود که او را «شيخ قبیله» می‌نامیدند.^۲

مورخان، اعراب را به دو دسته بائده و باقیه تقسیم کرده‌اند:

۱. اعراب بائده: اقوام از بین رفته و نابود شده، مثل قوم عاد، ثمود، جدیس، امیم، جاسم و عبیل را اعراب بائده گویند.

۲. اعراب باقیه: اعرابی را که نسل آنها باقی مانده است، اعراب باقیه می‌نامند. آنها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. اعراب عاربه: یعنی اعراب خالص و اصیل.

۱ - گودوین، ویلیام؛ همان، ص ۱۰.

۲ - شهیدی، سید جعفر؛ تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۶-۱۶، نیز در اسات تاریخ الجزیره العربیه، ص ۹۱-۱۰۳ و الرحله الحجازیه، ص ۱۳-۴۰.

ب. اعراب مستعربه: اعراب ناخالص و پیوسته با دیگران.

ساکنان منطقه جنوبی عربستان، خود را از نژاد «عرب بن قحطان» فرزند پنجم نوح و عرب خالص معرفی می‌نمودند، به همین جهت به «قحطانیان» شهرت یافته‌اند. ولی ساکنان منطقه شمالی و مرکز شبه جزیره را از نژاد «عدنان» نواحی حضرت اسماعیل^۱ می‌شناسند و آنان را «عدنانیان» می‌خوانند. قحطانیان را اعراب عاربه و عدنانیان را عرب‌های مستعربه می‌نامند.^۱

از نظر پیشینه تاریخی، نخست در قسمت جنوبی این کشور به علت دارا بودن آب و هوای مساعدتر، تراکم جمعیت بیشتر بوده و شهرنشینی نیز در آن قسمت پدید آمده است؛ به گونه‌ای که مناطق حاصلخیز یمن در تاریخ شهرت دارد. اما در قسمت شمالی به علت خشکی و غیر قابل سکونت بودن، کوچ نشینی رواج داشته است.

متروک شدن راه بین المللی «بخار» به دلیل توجه دریانوردان رم به اقیانوس هند و کاسته شدن از اهمیت راه جنوب، همچنین به علت شکستن سد بزرگ «مارب» در جنوب و...، موجب مهاجرت‌های گسترده در این شبه جزیره گردید؛ جمعیت عمده‌ای از جنوب به شمال و برخی از شرق به غرب هجرت کردند و در این مسیرها به اقتضای زمان و نیاز مهاجران، شهرک‌هایی تأسیس و در نتیجه حکومت‌هایی به وجود آمد. گروه‌هایی که از جنوب به شمال کوچ کرده بودند، به ویژه دو قبیله خُزاعه و جُرهم، در شهر مکه مستقر شدند. بیشتر مردم عربستان از این دو قبیله نشأت می‌گیرند. در حال حاضر تعداد چهار هزار قبیله در عربستان وجود دارد. مهمترین طوایف آن عبارتند از: مطیر، عتبه، بنی سلیم، قريش، هذيل، البقوم، عدوان، بنی حارث، بنی لحيان، بنی سعد، شَمَّر.

گفتنی است اغلب شهرها، استان‌ها و اراضی عربستان، به نام باستانی یا به

۱ - بغدادی، ابن ندیم؛ الفهرست، ص ۸؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۰۰.

اسم عشایری که در آنها ساکنند، خوانده می‌شود.

ج. جمعیت کنونی

جمعیت: ۲۶/۴۱۷/۵۹۹ نفر شامل ۵/۵۷۶/۰۷۶ نفر مهاجر غیر عربستانی
(برابر سرشماری ژولای سال ۲۰۰۵ میلادی = ۱۴۲۶ ه. ق)

میانگین سن: ۲۸.۲۱ سال؛ متوسط سنی جنس مذکور: ۸۴.۲۲ و متوسط
سنی جنس مؤنث: ۲۸.۱۹ سال.

ساختار سنی جمعیت: از کودک تا ۱۴ سال: ٪۳۸/۲ - از ۱۵ تا ۶۴ سال:
٪۲/۴ - از ۶۵ به بالا: ٪۵۹/۴

سرعت رشد جمعیت: ٪۲/۳۱ (میزان ولادتها ٪۲۹/۵۶ و میزان مرگ و میر
٪۲/۶۲).

نرخ رشد جمعیت: از ۱/۵ در سال ۱۹۷۶ و ۴/۲ در ۱۹۸۱ و ۳/۸ در ۱۹۸۶
در سال ۲۰۰۴ به ٪۳ کاهش یافته است.^۱ که با نرخ رشد جهانی ۱/۶ تا
درصد^۲ هنوز فاصله زیادی دارد.

میانگین امید به زندگی: ۷۵ سال (در مردان، ۷۳ سال و در زنان، ۷۷ سال)
نژاد جمعیت: ٪۹۰ عرب و ٪۱۰ آسیایی - آفریقایی.^۳

د. تراکم و پراکندگی جمعیت

تراکم جمعیت در این کشور ۹/۶ نفر در کیلومتر مربع و پراکندگی تراکم

۱ - عربستان، ص ۷.

۲ - برازش، عربستان سعودی، ص ۱۹.

۳ - مخدوم، مجید؛ شالوده آمایش سرزمین، ششم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، تهران، ص ۳.

۴ - سایت www.About.com: Geography.world Atlas Home

جمعیت در منطقه جنوب، هماره بیشتر از شمال و مرکز بوده است.^۱ در زمان‌های گذشته بیشتر مردم این کشور چادرنشین بوده یا در روستاهای زندگی می‌کردند؛ به گونه‌ای که تا سال ۱۹۷۰ = ۱۳۹۰ ه. ق تنها یک چهارم آنان در شهرها سکونت داشتند، اما توسعه امکانات شهری باعث شد که هم اکنون بیش از ۸۰٪ ساکنان این کشور، به شهرنشینی روی آورند. نسبت جمعیت کنونی این کشور با مساحت آن، تقریباً ۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد.

ه. مهاجرت

همواره مهاجرت از مناطق روستایی و دورافتاده به مناطق شهری و مهاجرت اتباع بیگانه به این کشور روندی رو به افزایش داشته است. گفته می‌شود تعداد خارجیان مقیم این کشور که برابر آمار رسمی ۵/۵۷۶/۰۷۶ نفر بوده، به حدود هفت میلیون افزایش یافته که نزدیک به یک چهارم جمعیت این کشور است. حدود هفتاد هزار نفر از مهاجرین از کشورهای غربی می‌باشند که اغلب در امور نظامی، نفتی و صنایع بزرگ به کار اشتغال دارند. در سال ۱۹۹۹ بیش از ۳۵ هزار نفر آمریکایی در عربستان سعودی کار و زندگی می‌کردند. بقیه مهاجران از کشورهای آسیایی و آفریقایی هستند که برای کار به این کشور آمده‌اند. شهروندان اندونزی، مالزی، افغانستان، پاکستان، یمن و سودان بیشترین جمعیت مهاجران عربستان را تشکیل می‌دهند. اندونزیایی‌ها و مالزیایی‌ها در کار خدمات پرستاری بیمارستان‌ها و امور خدماتی منازل متمولین عربستان، اشتغال دارند. پاکستانی‌ها و هندی‌ها بیشتر در صنایع خرد و امور

۱ - برازش، محمد رضا؛ عربستان سعودی، ص ۱۹

ساختمانی و مهندسی شاغل هستند. سودانی‌ها و مصری‌ها بیشتر در مشاغل فرهنگی حضور دارند.^۱

۴. جغرافیای اجتماعی

در این بخش، وضعیت اجتماعی، نقش دین، آداب و رسوم اجتماعی، وضعیت زنان و خدمات اجتماعی این کشور مورد توجه قرار گرفته است:

الف. وضعیت اجتماعی

از دیرباز، جامعه عربستان بر پایه روابط قبیله‌ای استوار بوده و عامل «تعصب و پیوند نیرومند قبیله‌ای»، ساختار اجتماعی و فرهنگ کلی آن را شکل داده است؛ پس از ظهور اسلام، عامل «دین و مذهب» هم در اجتماع نقش آفرین گردیده است ولی این سرزمین هر چند در دوران خلافت سه خلیفه نخستین، مرکز جهان اسلام بود، اما به دلیل وجود قبیله‌های فراوان و آداب و رسوم مختلف، تمدن اسلامی در این سرزمین، رشد و بالندگی و پویایی کشورهای اسلامی دیگر را نیافته است.

با پایتخت قرار گرفتن کوفه در زمان امام علی^۲ و با انتقال مرکز خلافت به شام در عصر امویان و با مرکزیت بغداد در دوران عباسیان، از اهمیت نخستین عربستان کاسته شد و بار دیگر فرهنگ ملوک الطوایفی در آن حاکم گردید.

هم اکنون نیز علی رغم روی آوردن اکثر مردم این کشور به شهرنشینی و تأثیرات فرهنگی بیرونی و طی نمودن فراز و نشیب‌های بسیار، آثار نظام قبیله‌ای در فرهنگ اجتماعی عربستان به روشنی مشهود است.

از سوی دیگر بافت اجتماعی کنونی عربستان، به دلیل عدم توزیع ثروت و

^۱ - آشنایی با عربستان، ص ۱۸.

عدم تعادل در برخورداری‌ها، دچار اختلاف و فاصله طبقاتی بسیاری شده است و بین اقشار مختلف، فاصله فراوانی یافت می‌شود؛ خانواده‌های سلطنتی، ارتشی و دانشگاهی در درجات اول و کارمندان بخش‌های دیگر در رده دوم دارند و قشر زیادی به ویژه ساکنان روستاهای از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند. در بسیاری از شهرها، در فصل تعطیلی مدارس یا اوقات فراغت، کودکان در چهار راه‌ها به گدایی یا مشاغلی نظری فروش کبریت، بطری آب و دستمال کاغذی می‌پردازند. بسیاری از شهرهای بزرگ عربستان و از جمله ریاض، حاشیه و کپرنشین‌هایی را در اطراف خود جا داده‌اند که در اوج فقر به سر می‌برند.^۱

ب. نقش دین

دین در میان مردم عربستان نفوذ زیادی داشته، در اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن نقش اساسی و گسترده‌ای ایفا می‌کند.

این کشور بر اساس ظواهر شریعت اسلامی اداره می‌شود؛ قوانینی چون قصاص و تعزیرات در آن اجرا می‌شود. هیچ دینی غیر از اسلام پذیرفته نیست و اماکن مذهبی غیر اسلامی همچون کلیسا، کنیسه و ... در آن وجود ندارد. رسانه‌های عمومی، احکام اسلامی را تبلیغ و ترویج می‌کنند، از نشر و پخش هر گونه کتاب، مقاله و سخن خلاف دین اسلام و مذهب وهابیت جلوگیری می‌شود. جناح مذهبی و سنت گرایان، از قدرت و نقش بسیار زیادی در حکومت و جامعه عربستان برخوردار هستند.

ج. آداب و رسوم

اگر چه آداب و رسوم این کشور، آمیخته‌ای از سنت‌های قبیله‌ای و فرهنگ

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۵۸ - ۵۷

اسلامی است، ولی مردم عربستان از نظر آداب و رسوم به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. **حجازیان**: که به دلیل میزبانی زائران خانه خدا و برخورد با ملل و فرهنگ‌های گوناگون، آداب و رسوم معتدل تری دارند.
 ۲. **نجدیان**: که به دلیل سکونت در منطقه خشک و بی آب و علف مرکزی، دارای آداب و رسوم خشک و خشن تری هستند.
 ۳. **ساکنان منطقه شرقیه**: که به دلیل پیروی از مکتب اهل بیت و نزدیکی به خلیج فارس، آداب و رسوم متفاوتی دارند.
- آداب و رسوم عمومی مردم عربستان در بخش‌های مختلف چنین است:

نام‌گذاری، سخن و گفتگو

بیشتر نام‌های افراد، اسلامی بوده و مردم این کشور، افراد را با نام کوچک صدا می‌زنند و هماره نام فرزند و پدر را با هم ذکر می‌کنند. اگر نام شخصی را ندانند، با نام «محمد» او را صدا می‌زنند. گاه در صدا زدن، الفاظی نظیر «سید» و «سیده» نیز به کار می‌رود که احترام به حساب می‌آید.

در گفتگوهای روزانه مردم، نام خداوند، شکر، طلب رحمت، روزی، هدایت و عاقبت به خیری، فراوان شنیده می‌شود و نفرین و دشنام به یکدیگر بسیار کم است.

پوشش

در این کشور، مردان اغلب پیراهن سفید بلند (دشداده) می‌پوشند و از پارچه خط دار قرمزی به نام «شماغ» یا سفید به نام «غترة» برای پوشاندن سر خود استفاده می‌کنند. جز علمای مذهبی که به «شیخ» یا «مطوع» معروفند، بقیه مردم بر روی سرپوش خود، یک حلقه مشکی به نام «عقال» می‌پیچند. این پوشش اکنون بخشی از لباس رسمی سعودی بوده و نشانه آراستگی است. شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و بزرگان قبایل این کشور در محافل عمومی و مردم در مراسم رسمی، از عبای قهوهای یا کرم روش استفاده می‌کنند. پوشیدن جوراب در بین آنان مرسوم نیست و به جای کفش از نوعی دمپایی به نام «مراس» استفاده می‌کنند.

ارتباطات و پذیرایی

سلام کردن نزد مردم این کشور لازم و پاسخ دادن به آن واجب و ورود به هر مکان بدون سلام، بی ادبی تلقی می‌شود. دست دادن در هنگام ملاقات، عملی پسندیده و نوعی اظهار محبت و صمیمت به حساب می‌آید و در مجالس رسمی نیز معمول است؛ اوج مصافحه، بوسیدن شانه یکدیگر است.

مهمان نوازی از ویژگی مردم این سرزمین و بهترین پذیرایی، حاضر نمودن گوسفند کامل بربان شده، در میان سفره است. قهوه عربی به همراه هل دم شده، نوشیدنی رسمی پذیرایی است. تنوع غذایی، استفاده از ادویه فراوان، آوردن برنج همراه کباب و ماهی و مصرف سبزیجات و سالادهای گوناگون، از ویژگی‌های غذایی آن منطقه است. خوردن غذا با دست و نشستن بر روی زمین را بر شکل‌های دیگر پذیرایی ترجیح می‌دهند.

رسوم و تشریفات

حفظ ظواهر اسلامی، پخش اذان از مآذنه مساجد، التزام به نماز در ابتدای وقت، حضور در نمازهای جماعت که در پنج نوبت اقامه می‌گردد یا اقتدا به فرد بالا دست در طول مسیر، تعطیل نمودن بازار به هنگام نماز، برگزاری نماز تراویح و افطاری دادن در مساجد در ایام ماه مبارک رمضان و انجام عمره و اعتکاف در مسجدالحرام از رسوم دینی - اجتماعی مردم این کشور است.

به دلیل نفوذ افکار وهابیت، مردم در مرگ کسی نمی‌گریند، مجالس ترحیم و فاتحه وجود ندارد؛ بلکه تنها پس از مرگ هر فرد، مردم به منزل وی رفته و به بازماندگان تسلیت می‌گویند. شستشو و دفن مردگان بدون حضور زنان صورت می‌گیرد و رفتن زنان به قبرستان ممنوع است.

در شهرهای گوناگون این کشور بیشتر افراد را در حالی می‌بینید که تکه چوب کوتاهی از ریشه درخت ارگ را به عنوان مسوک طبیعی به دهان دارند. مهمترین جنبه‌های آشکار زندگی مردمان در عربستان را می‌توان در برگزاری نماز، جدا کردن مردان و زنان، خانواده‌های گسترده با وابستگی زیاد، دوستی، مهمان داری، گفتگوهای طولانی و غذا خوردن‌های دسته جمعی مشاهده کرد.

معماری

بیشتر خانه‌های مسکونی قدیمی، دارای طرح عربی و به سبک اندرونی و بیرونی و بدون اشراف بر یکدیگر طراحی شده است و اغلب دارای پنجره‌های کوچک با شیشه‌های مات می‌باشد تا درون خانه دیده نشود، اما اخیراً و در محله‌های جدید و شهرهای مرکزی از معماری سبک غربی استفاده می‌شود.

اگر چه برخی از خانواده‌های سعودی در آپارتمان‌ها زندگی می‌کنند و از اسباب و وسائل مدرن استفاده می‌نمایند، ولی هنوز در بسیاری از آنها به جای کاناپه و مبل از پشتی، متکا و نیمکت‌های کوتاه استفاده می‌شود و کفش‌ها را دم در خانه از پا بیرون می‌آورند.

صناعع دستی

در عربستان، قالیچه هایی که به سبک عربی و یا طرح هایی از درخت خرما، آب، آفتاب، بیابان، ماه و ستاره باfte می شوند و همچنین وسایل نقاشی شده ظروف نوشیدن قهوه جوش، استکان و سینی مخصوص و متکا یا پشتی های نرم و راحت با طرح و مدل های گوناگون از صنایع دستی به شمار می آیند.^۱

هنر و ادبیات

هنر خطاطی به ویژه خط ثلث در سبک کوفی و نسخ برای تزیین آیات قرآن و کتاب های مهم و هنر معماری، نساجی، جواهرسازی و آرایش، تزیین اسلحه و ظروف فلزی در عربستان رواج دارد اما هنرهای نقاشی، عکاسی و مجسمه سازی بسیار کم دیده می شود.

موسیقی نیز از هنرهای باستانی و مرسوم در این کشور بوده است؛ از دیر باز، بادیه نشینان این کشور دارای موسیقی بسیار ساده و دارای دو یا سه نت بوده اند؛ موسیقی «حدی» مخصوص شتربانان و موسیقی «نصب» ویژه قشر جوان بود. همچنین از دیر باز در میان اعراب، سروden شعر، ارائه سخن فصیح و بلیغ و نثر ادبی و زیبا، رواج داشته و جشنواره ادبی سالیانه برای انتخاب برترین سروده در بازار عکاظ برگزار می شده است و افراد بر جسته ای همچون سرایندگان ملعقات سبع یعنی امرؤالقیس، طرفه بن عبد بکری، زهیر بن ابی سلمی مزنی، لبید بن ربیعه عامری سحابی، عمرو بن کلثوم بن ملاک عدنانی، عنترة بن شداد عبسی، حارث بن حلزه یشکری در ادبیات عرب درخشیده اند ولی محتوای اشعار جاھلی

۱ - برازش، عربستان سعودی، ص ۳۸.

فصل اول: جغرافی‌ای طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی عربستان

٦٣

اغلب در محور اسب و شمشیر و زن سروده می‌شد و بیانگر فضا و اندیشه جاهلی بود ولی پس از اسلام، ادبیات عرب به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و به طور اساسی دگرگون شد. همچنین قصه گویی که از دوران‌های بسیار دور در میان مردم عرب رواج داشت و در زندگی بدoui آنان نقش مهمی ایفا می‌کرد، با ظهور اسلام تغییرات اساسی یافت.^۱

بر اساس فرمان ملک فهد در سال ۱۳۹۲ هـ. ۱۹۷۲ م «جمعیة الفنون العربية السعودية = انجمن هنرهاي عربی سعودی» تأسیس شد. این جمعیت که در سال ۱۳۹۸ هـ. ق. نامش به «جمعیة العربية السعودية للثقافة و الفنون = انجمن فرهنگ و هنر عربی سعودی» تغییر یافت، در امور ادبی، هنرهاي نمایشی، موسیقی، اعلام و مطبوعات فعالیت می‌کند.

این سازمان در اوایل دهه ۱۹۸۰ پروژه بزرگی را با هدف حفظ رقص‌ها و موسیقی فولکلوریک سنتی عربستان آغاز کرد. این سازمان فهرست بیش از پنجاه گروه فعال رقص و موسیقی فولکلوریک را ارائه کرده است که بسیاری از آنها رقص ملی عربستان سعودی را اجرا می‌کنند که نوعی رقص با شمشیر به نام «عرضه» است و در منطقه نجد ریشه دارد.

«عرضه»، ریشه سنتی فولکلوریک و دیرینه دارد که در آن فردی نقال، خوانندگان و رقصان را همراهی می‌کنند. تمام مردان شبیه هم هستند. آنها لباس‌هایی زنگارنگ می‌پوشند و شمشیرهایی را در دست می‌چرخانند و شانه به شانه می‌رقصند، در حالی که خوانندگان و طبالها به همراهی هم موسیقی سنتی را اجرا می‌کنند و نقال، اشعار شاعران مشهور را درباره شجاعت، وفاداری و خداوند می‌خوانند.

۱ - برازش، عربستان سعودی، ص ۳۷.

تفریحات، ورزش و جوانان

رفتن به همراه خانواده به بیابان‌های اطراف شهر و ساعتها در فضای باز و بی‌آب و علف آن، به هنگام خنکی هوا در روزهای تعطیل استراحت نمودن، تفریح دلپذیر آنان به حساب می‌آید.

ورزش شترسواری، بسیار رایج و همه ساله مسابقات جام سلطان با بیش از ۲۰۰ شتر در بیابان‌های اطراف ریاض در مسافتی طولانی برگزار می‌شود. مسابقه اسب سواری سرعت نیز متناول است و خانواده‌های سلطنتی در این مسابقات حضور می‌یابند. شکار با قوش، صحرانشینی و رقص شمشیر معروف به «عرضه» همچنان مورد علاقه مردم است. در طول خط ساحلی نیز قایقرانی، ماهی‌گیری و غواصی توسط سعودی‌ها و خارجی‌ها رواج یافته است.

به دلیل جوان بودن جمعیت، (۴۳٪ کمتر از پانزده سال) فوتبال در عربستان رایج ترین ورزش است و محبوبیت زیادی میان کودکان تا بزرگسالان دارد. فدراسیون فوتبال در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد و در همان سال به عضویت فیفا در آمد. این کشور دارای ۱۲۳ باشگاه می‌باشد. تیم فوتبال عربستان تاکنون سه بار (۱۹۸۴، ۱۹۸۸، ۱۹۹۶) مقام اول جام ملت‌های آسیا را کسب کرده و چهار بار (۱۹۹۴، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶) به جام جهانی راه یافته است.^۱

پس از فوتبال؛ والیبال، بسکتبال، تنیس، اسکواش، تیراندازی و اخیراً گلف از ورزش‌های متناول در این کشور است.

برای رسیدگی به امور مختلف جوانان، به فرمان ملک فهد در سال ۱۹۶۹ م. تشکیلاتی به نام «الرئاسة العامة لرعاية الشباب = ریاست کل امور جوانان» به وجود آمد. این تشکیلات، برای جذب جوانان، مراکزی با عنوان «خانه جوانان» راه اندازی نمود.

^۱ - برازش، همان، ص ۳۹.

عربستان برای انجام فعالیتها و برگزاری مسابقات ورزشی، دوازده شهر ورزشی ایجاد کرده است که بزرگترین آن در شمال شرقی ریاض، مساحتی بالغ بر ۵۰۰/۰۰۰ متر مربع دارد و سه شهر ورزشی دیگر نیز در دست احداث است. ورزشکاران این کشور در بیست رشته ورزشی فعالیت دارند و در برخی از رشته‌ها در سطح آسیا و جهان صاحب مدال هستند.

د. وضعیت زنان

در ترسیم وضعیت زنان سه محور مورد توجه است:

حضور و مشارکت اجتماعی

در این کشور حضور زنان و دختران در محافل عمومی و حتی مساجد، بسیار کم و محدود است. رفت و آمد زنان نیز به سهولت میسر نیست بلکه حضور آنان در مجتمع ویژه مردان و پارک‌های عمومی ممنوع است؛ به زنان اجازه داده نمی‌شود به تنها‌ی و بدون اجازه و همراهی مرد به مسافرت بروند. رانندگی برای زنان ممنوع است مگر زنان ارتش آمریکا که مجاز هستند در داخل مناطق نظامی، رانندگی نمایند ولی آنان نیز حق رانندگی در خیابان‌های عمومی را ندارند.

ساختمان‌های مسکونی دولتی موظف به ساختن زمین‌های تفریحی برای زنان و مردان به طور جداگانه هستند و استخدام زنان در فروشگاه‌ها و ادارات عمومی ممنوع است. البته در مراکز پزشکی و درمانی، مدارس، دانشگاه‌ها و ... به طور رسمی از وجود بانوان استفاده می‌شود.

از اواخر دوره ابتدایی، علاوه بر پوشیدن چادر مشکی عربی (عبایه)، پوشاندن دست‌ها و صورت (روبند و دستکش) توسط دختران، اجباری می‌باشد و در مورد رعایت آن سخت گیری صورت می‌گیرد؛ چنانچه زنی بدن خود را به خوبی نپوشاند، توسط مأموران موسوم به «مطوع» که وظیفه امر به معروف و نهی از

منکر را بر عهده دارند، مورد بازجویی قرار می‌گیرد. البته اخیراً حضور زنان غیر مسلمان خارجی که صرفاً با پوشیدن یک عبای عربی و با سر و پای برهنه رفت و آمد می‌کنند، در شهرهای غیر مکه و مدینه، امری عادی شده است. زنان در زیر لباس مرسوم و در مجالس شادی، از لباس‌های متنوع و رنگی استفاده می‌کنند.

در این کشور امکانات آموزشی برای مردان و زنان یکسان نیست؛ در بعضی از دانشگاه‌های عربستان از ثبت نام زنان خودداری می‌شود و در برخی رشته‌ها فقط مردان حق ثبت نام دارند. زنان از دریافت بورس برای تحصیل در خارج از کشور همواره محروم بوده‌اند.

اگر چه در عربستان انتخابات برگزار نمی‌شود ولی در دو سال اخیر نیز که نیمی از اعضای شورای شهرها با رأی مردم انتخاب شده‌اند، زنان از رأی دادن منع شده و در آن نقشی نداشتند.^۱

بعد از جنگ عراق و کویت یک گروه به نام «کمیته دفاع از حقوق قانونی» نیز در عربستان تأسیس شد که با عکس العمل شدید دولت عربستان مواجه گردید. دو سال بعد این گروه دچار انشعاب شد و سعدالفقیه که سمت سخنگوی کمیته را بر عهده داشت، «جنبش اصلاح اسلامی» را در خارج ایجاد کرد که هم اکنون بارزترین معارض دولت سعودی به شمار می‌رود و در لندن فعالیت دارد.

ازدواج و طلاق

در عربستان سعودی قانون و رسم انتخاب چند همسر و تعدد زوجات وجود دارد و اکثر ثروتمندان این کشور بیش از یک همسر اختیار می‌کنند. برابر قوانین عربستان، ازدواج زنان عربستان با مردان بیگانه ممنوع است، مگر

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۵۸.

با مجوز دولت که به ندرت صادر می‌شود.

در عربستان یک مرد به راحتی می‌تواند همسر خود را طلاق دهد ولی زنان برای طلاق گرفتن از شوهران خود، باید به نظام حقوقی پیچیده‌ای متول شوند. در سالیان اخیر، مشکلات تأمین امکانات زندگی و استفاده افراطی از ماهواره‌ها، باعث بالا رفتن میانگین سن ازدواج جوانان شده، به گونه‌ای که طبق آمار رسمی منتشر شده در رسانه‌های عمومی در حال حاضر حدود ۲ میلیون دختر که از سن ازدواج آنان گذشته است و «عانسه» نامیده می‌شوند، در عربستان وجود دارند. این پدیده باعث رواج گونه‌های مختلف ازدواج‌های موقت در این کشور شده است، رسانه‌ها تا ۹ عنوان آن را ذکر کرده و «زواج فرنده» که تابع هیچ قاعده و قانونی نیست و سلامت اخلاقی جامعه سعودی را تهدید می‌کند، نیز یکی از این انواع بر شمرده‌اند.^۱

تلاش‌های نوین

وضعیت زنان در سال ۱۹۹۰ مورد توجه بیشتری قرار گرفت. در این سال حدود پنجاه زن از خانواده‌های عالی رتبه عربستان به منظور کسب حق رانندگی برای خانم‌ها در پایتخت کشور، تظاهراتی به پا کردند.

به دنبال اقدامات اصلاح گرایانه و ارتقا بخش ملک عبدالله، پادشاه کنونی این کشور، گام‌هایی در جهت بهبود وضع زنان برداشته شده است؛ عضویت و حضور زنان در جلسات علنی مجلس مشورتی عربستان، بر عهده گرفتن پست‌های اجرایی همانند رئیس اجرایی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در نیویورک، معاونت وزیر و رئیس آموزش و پرورش دختران عربستان و برخوردار شدن دختران و زنان این کشور که تا کنون فقط نامشان در شناسنامه پدر یا همسرشان

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۵۲ - ۵۴

ثبت می‌شد، از شناسنامه مستقل میسر شده است.^۱

از سال ۱۹۹۲ که دسترسی مردم به اینترنت مجاز شد، برای زنان سعودی «اول نت برای زنان» طراحی گردید. در این سایت حتی امور فنی را نیز زنان انجام می‌دهند. بدین سان امروز زنان عربستان سعودی که قبلاً از حوادث و منابع جهان دور نگه داشته می‌شوند، می‌توانند از طریق اینترنت به اخبار بین المللی و اسلامی، پژوهش‌ها، اطلاعات مربوط به آموزش، کتاب‌ها، کاریابی، بهداشت، سلامت، ورزش، فیلم‌های سینمایی و دسترسی پیدا کنند.

ه. بهداشت و درمان و خدمات اجتماعی

کشور عربستان سعودی با بهره گیری از ۳۴ هزار پزشک در ۳۱۴ بیمارستان و ۳۳۱۵ مرکز بهداشتی و ۴۱۷۶۳ داروخانه و خرید پیشرفته ترین تجهیزات فنی بیمارستانی، خدمات بهداشتی و درمانی نسبتاً خوبی به مردم ارائه می‌نماید. شهرک پزشکی ملک فیصل در حومه ریاض، بیمارستان تخصصی چشم ملک خالد و بیمارستان تخصصی ملک فیصل از بیمارستان‌های مهم این کشور هستند.

در سال ۱۹۶۳ میلادی = ۱۳۸۳ ه. ق. تأسیس سازمان هلال احمر با ۱۴۴ مرکز اورژانس و ۷۸۷ ماشین ویژه، ارائه خدمات به مردم و حجاج را روند بهتری بخشید.

مراکز آموزش بهداشت نیز در کشور فعال شده‌اند و انجام واکسیناسیون بیش از ۹۰٪ از مردم در برابر هپاتیت ب، حصبه و سل و واکسیناسیون ۸۹٪ از اطفال نشانگر پیشرفت در زمینه بهداشت می‌باشد.^۲

علاوه بر بیمارستان‌های دولتی، ۶۴ بیمارستان و ۳۹۲ درمانگاه خصوصی نیز در عربستان وجود دارد که دولت ۵۰٪ هزینه ساخت آنها را به سازندگان

۱ - عربستان سعودی، ص ۳۴.

۲ - دلیل المملكة العربية السعودية، ص ۷۰.

می‌پردازد.

در این کشور ۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار دارند. وزارت کار و امور اجتماعی سالانه کمک‌های زیادی به معلولان و خانواده‌های آنان می‌کند، علاوه بر آن ۱۵۷ مؤسسه خیریه با بودجه‌ای بالغ بر ۷۰۰ میلیون ریال به نیازمندان خدمات اجتماعی ارائه می‌کنند.

۵. جغرافیای فرهنگی و آموزشی

در این بخش، نخست امور فرهنگی در زمینه کتاب و کتابخانه‌ها، رادیو و تلویزیون، خبرگزاری‌های داخلی و خارجی، مطبوعات و موزه‌ها بررسی شده است و سپس نظام آموزشی عربستان را از نظر وضعیت سواد، مدارس و آموزشگاهها و تحصیلات عالی مورد توجه قرار می‌گیرد:

الف. امور فرهنگی

در این بخش به وضعیت کتاب، کتابخانه‌ها، رادیو و تلویزیون، خبرگزاری‌های داخلی و خارجی، مطبوعات، اینترنت و موزه‌ها اشاره می‌شود:

کتاب

در سال‌های اخیر، فرهنگ تدوین و نشر کتاب در عربستان سعودی، تحول زیادی یافته است؛ تعدد موضوع، کثرت عنوان‌ها، تنوع فزاينده، ارتقای کیفیت، بهبود چشمگیر شکل ظاهری، گسترش بسیار زیاد مراکز نشر و فروش کتاب، نشانگر تحول مطبوعاتی و فرهنگی این دیار است.

جهت گیری کلی آثار منتشره دینی در زمینه تحقیق متون، تصحیح آثار کهن و تک نگاری‌های موضوعی، بر محور نشر اندیشه سلفی گری و وهابیت و ردّ

مخالفان آنان به ویژه شیعه دور می‌زند. با جذب متفکران اهل قلم کشورهای اسلامی، برخی از آثار مهم تاریخی، رجالی و تفسیری اهل سنت نیز تجدید چاپ یافته است.

مهم ترین مؤسسات انتشاراتی عربستان «اللهامه» سپس مؤسسه انتشاراتی «البلاد» در جده، مؤسسه «چاپ مدینه»، مؤسسه «مکه مکرمه» و مؤسسه «الیمامه» در ریاض هستند.

شمارگان معمول نشر کتاب در عربستان، بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نسخه معرفی شده است.^۱

کتابخانه‌ها

در سال ۱۹۸۹، کتابخانه ملی ملک فهد (دار الكتب الوطنية) با مساحت ۲۳۰۰۰ متر مربع و ۲۲۵/۰۰۰ کتاب افتتاح شد که در امور کتاب شناسی و هماهنگی فعالیت‌های کتابداری نیز فعالیت می‌کند.

افزون بر آن عربستان دارای کتابخانه عمومی (۶۰ عدد)، دانشگاهی (۸)، آموزشگاهی (حدود ۱۰۰۰) و تخصصی (۱۰۰) است. کتابخانه‌های عمومی عربستان که از سال ۱۴۱۰ تأسیس شده‌اند، اکنون افزایش کمی یافته است ولی از ساماندهی مطلوبی برخوردار نیست. کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی با سالن‌های جداگانه برای دختران و پسران با میلیون‌ها جلد کتاب عربی و انگلیسی و تعداد اندکی فارسی، صدها هزار MSS، پایان نامه، اسلاید و میکروفیلم، مجلات دوره‌ای، دهها هزار کتاب تاریخی و کمیاب، هزاران مدرک و سند اصلی و تصویر مدارک درباره تاریخ و توسعه کشور و سکه‌های ضرب شده دوران امویان، عباسیان، اشکانیان، سامانیان، غزنویان، آل بویه، فاطمیان، سلجوقیان، ایوبیان،

۱ - روزنامه جام جم، سه شنبه ۶ مهر ۱۳۸۱، سال سوم، شماره ۶۹۳ ص ۷

ایلخانیان، مملوکیان عثمانی و سکه‌های برنزی مربوط به دوران قبل از اسلام ساسانیان و بیزانسی پذیرای مردم و دانش پژوهان است. مهمترین کتابخانه‌های عربستان عبارتند از:

- ۱ - کتابخانه ملی بسیار وسیع و مجهر ملک فهد ۲ - کتابخانه دانشگاه اسلامی در مدینه منوره ۳ - کتابخانه مسجد نبوی (درون مسجد نبوی مشتمل بر کتب به صورت تخصصی و موضوعی با سالن مطالعه) ۴ - کتابخانه اوقاف مدینه (عارف حکمت) و (محمودیه) ۵ - کتابخانه الحرم [امکه] ۶ - کتابخانه مدرسه الحدیث [امکه] ۷ - کتابخانه انجمن اداره عمومی ۸ - کتابخانه شورای انگلیس ۹ - کتابخانه عمومی ملک عبدالعزیز ۱۰ - کتابخانه دانشگاه ملک سعود ۱۱ - کتابخانه فرهنگی ۱۲ - کتابخانه ملک فیصل ۱۳ - کتابخانه دانشگاه امام محمد بن سعود ۱۴ - کتابخانه سرویس اطلاعاتی سازمان ایالات متحده در جده ۱۵ - کتابخانه مرکز اطلاعات سازمان استانداری عربستان سعودی^۱

رادیو و تلویزیون

به فرمان ملک عبدالعزیز در سال ۱۹۳۲ میلادی = ۱۳۵۱ ه. ق در عربستان رادیوی اختصاصی ایجاد گردید و در سال ۱۹۴۸ میلادی = ۱۳۶۷ ه. ق نخستین رادیوی عمومی در جده آغاز به کار کرد و در سال ۱۹۶۴ میلادی = ۱۳۸۴ ه. ق شبکه رادیوی سراسری ریاض و رادیوی «تدای اسلام» در مکه راه اندازی شد. هم اکنون رادیوی سراسری ریاض و رادیو قرآن از ریاض پخش می‌شود و دارای فرستنده‌های رادیویی در شهرهای جده، ریاض، دمام و ابها است.

رادیو عربستان دارای برنامه‌های درون مرزی به زبان‌های عربی و انگلیسی و برنامه‌های برون مرزی مختلفی به زبان‌های عربی، بنگالی، انگلیسی، فارسی،

^۱ - عربستان، ص ۴۷ - ۴۸، با اندکی تصرف و تلخیص.

فرانسوی، اندونزیایی، سومالیایی، سواحلی، ترکستانی، سوادلی، ترکی و اردو می‌باشد. تلویزیون عربستان در سال ۱۹۶۵ میلادی = ۱۳۸۵ ه. ق تأسیس شد و نخستین برنامه تلویزیونی خود را از دو ایستگاه ریاض و جده پخش نمود. اکنون ایستگاه مرکزی آن در ریاض است ولی در شهرهای جده، مدینه، دمام، قصیم و ابها نیز دارای ایستگاه می‌باشد. تلویزیون دارای دو شبکه است؛ شبکه اول به زبان عربی است و اغلب به پخش برنامه کودک و اخبار می‌پردازد ولی کanal دوم نیمی از ساعات را به ورزش اختصاص داده و بیشتر به زبان انگلیسی، فیلم سینمایی پخش می‌کند.

شرکت آمریکایی - سعودی آرامکو در ظهران عربستان برای کارمندان خود، رادیو و تلویزیون دیگری به زبان انگلیسی راه اندازی نموده که برنامه‌های آن برای همگان پخش می‌شود.

رادیو و تلویزیون در عربستان دولتی و زیر نظر وزارت فرهنگ و اطلاع رسانی فعالیت می‌کند و خط مشی و سیاست‌های دولت را تبلیغ و ترویج می‌کند. گفتنی است از سال ۱۹۹۰ میلادی = ۱۴۱۱ ه. ق تلویزیون سعودی برای فرستادن امواج خود، ماهواره را به خدمت گرفته است. همچنین به دلیل محدودیت‌های داخلی، در خارج از کشور شبکه‌هایی را ایجاد نموده که شبکه خبری العربیه - ام. بی. سی ۱ و ۲ و شبکه رقص و موسیقی روتانا مهمترین آنها هستند.

خبرگزاری‌های داخلی و خارجی

در عربستان سعودی تنها خبرگزاری و منبع رسمی، خبرگزاری «S.P.A» یا «واس» مخفف «وكاله الانباء السعودية» است که در سال ۱۹۷۰ میلادی = ۱۳۹۰ ه. ق تأسیس شده است. البته خبرگزاری دولتی اسلامی [IPA] نیز وجود دارد که اغلب به نشر اخبار مذهبی مبادرت می‌کند.

افزون بر آن دو خبرگزاری داخلی، خبرگزاری وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی با نام اختصاری «ایینا» نیز در بندر جده فعالیت دارد.

حضور خبرگزاری‌های خارجی در این کشور بسیار محدود است و تنها هفت خبرگزاری خارجی از جمله رویتر و آسوشیتدپرس و خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا» در آن اجازه فعالیت یافته‌اند.

مطبوعات

در کشور عربستان، جریان اطلاعات به مردم به کندی صورت می‌پذیرد و نظام اطلاع رسانی، اخبار و مطبوعات کاملاً تحت کنترل و زیر نظر دقیق دولت است. در مسائل سیاسی، اغلب نویسنده‌گان، به وسیله دولت تغذیه می‌شوند. اگر چه مقررات سانسور و ممیزی وجود ندارد، ولی وابستگی‌های مالی و سیاسی و فضای حاکم بر جامعه، به گونه‌ای است که عملاً مطالب حاوی انتقاد به خانواده سلطنتی یا سیاست‌های داخلی و بین‌المللی حاکمیت، سانسور می‌شود و نشریات سعودی نه تنها از انتقاد خودداری می‌کنند؛ بلکه از درج گزارش مربوط به زندانیان یا حتی آمار تصادفات و ... بدان دلیل که ممکن است انتقاد به حساب آید، خودداری می‌کنند. بدین رو در مطبوعات این کشور تنها خط فکری و مشی سیاسی دولت تبلیغ می‌شود.

تا سال ۲۰۰۱ میلادی = ۱۴۲۲ ه. ق روزنامه نگاران سعودی از حق داشتن انجمن صنفی محروم بودند ولی بر اساس قانون جدید مؤسسات مطبوعاتی، آنها اجازه یافته‌اند تا اتحادیه صنفی تأسیس کنند.

از سال ۱۵۷۸ میلادی، کارگزاران سعودی تلاش آرامی را برای تحت کنترل در آوردن رسانه‌های عرب زبان دیگر کشورها برای عدم درج مخالفت‌های سیاسی با آن کشور را آغاز نموده و در این زمینه موفقیت‌های زیادی به دست آورده‌اند. کنترل دولتی و نظارت سخت گیرانه رهبران مذهبی بر چاپ و نشر مطالب

دینی اعمال و از نشر هر مخالفتی با قرائت رایج وهابیت به شدت مقابله می‌شود. روزنامه‌های عربی زبان عربستان عبارتند از: الجزیره، الریاض، المدینة، عکاظ، الیوم، البلاط، الندوه، المسائیه، الشرق الاوسط و الحیاۃ. دو روزنامه فرا منطقه‌ای به نام «الشرق الاوسط» و «الحیاۃ» نیز در لندن منتشر می‌شوند. گفتنی است روزنامه جدید الوطن از آزادی بیشتری برخوردار است و انتقادهای ملایم و کنترل شده‌ای را منتشر می‌کند. همچنین مجله «البحوث الفقهیه» که مباحث جلسات کفرانس «المجمع الفقهی الاسلامی» عالمان مسلمان کشورهای اسلامی را چاپ می‌کند، گام جدیدی برای شکستن جمود فقهی حاکم و گستراندن زمینه‌های تحقیق در مسائل فقهی به شمار می‌آید. روزنامه‌های انگلیسی زبان عربستان عبارتند از: عرب نیوز، سعودی گازت، ریاض دیلی و سعودی ریویو.

مجلات هفتگی که به زبان‌های عربی و انگلیسی چاپ می‌شوند، عبارتند از مجلات عربی: الدعوة، المجتمع، المسلمين، الیمامه، اقرأ، الشرق، اخبار العالم الاسلامی و مجله‌های الوسط و المجله که در لندن چاپ می‌شوند.

مجلات انگلیسی: Saudi Arabian Sun .News From Saudi Arabia .Saudi Economic Survey .Saudi Arabia Business Week .Business

اینترنت

در عربستان از سال ۱۹۹۲ دسترسی مردم به اینترنت مجاز اعلام شد، بر اساس آمار سال ۲۰۰۴، این کشور دارای ۲۲ سرویس دهنده، ۱۵/۹۳۱ کلوب و ۱/۵۰۰/۰۰۰ کاربر اینترنتی می‌باشد و کد اینترنتی آن sa است.^۱

موزه‌ها

اگر چه ایجاد موزه و به ویژه نگهداری آثار مذهبی با نگرش وهابیت تناسب زیادی ندارد، اما در سال ۱۹۷۸ اداره آثار باستانی و موزه‌های عربستان در ریاض، موزه باستان شناسی و نژادشناسی را تأسیس کرد که آثار مربوط به دوران عصر حجر و پس از ظهور اسلام در آن نگهداری می‌شود.

افزون بر آن شش موزه دیگر نیز در ریاض ساخته شده است و یک موزه ملی و پنج موزه ناحیه‌ای نیز در حال تأسیس می‌باشد.^۱

در موزه مکه نیز برخی از آثار پیشین مربوط به در کعبه، وسائل مربوط به چاه زمزم و ... نگهداری می‌شود.

ب. نظام آموزشی

در این بخش وضعیت سواد، مدارس، آموزشگاه‌ها و تحصیلات عالی و دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

وضعیت سواد

بر اساس آمارهای ارائه شده، ۰.۷۸٪ مردم این کشور با سواد هستند که مردان ۰.۸۴٪ و زنان ۰.۷۰٪ این آمار را تشکیل می‌دهند.^۲

طبق آمارهای رسمی میزان بی سوادی در آن کشور، ۰.۸٪^۳ و به صورت غیر رسمی ۱۴ درصد است. در حال حاضر بیش از ۶ میلیون از جمعیت جوان عربستان در مدارس و بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر نیز در دانشگاه‌ها به تحصیل اشتغال

۱ - برازش، عربستان سعودی، ص ۱۱۷.

۲ - سایت www.about.com:geojraphy/world-atlas/home.

۳ - روزنامه جام جم، سه شنبه ۶ مهر ۱۳۸۱، سال سوم، شماره ۶۹۳ ص ۷.

دارند و حدود ۱۰۰ هزار نفر از جوانان این کشور در خارج تحصیل می‌کنند.^۱

مدارس و دانشگاه‌ها

در دوران گذشته عربستان، مدارس دینی و مساجد، مسؤولیت آموختن خواندن و نوشتمن و علوم دینی را بر عهده داشتند. در دوران حکومت ملک عبدالعزیز و به فرمان وی، نخستین مدرسه بنا نهاده شد و به تدریج مدیرت معارف و در سال ۱۹۵۳ وزارت فرهنگ تأسیس و ملک فهد به عنوان اولین وزیر معارف منصوب شد.

در این کشور از آغاز آموزش و پرورش به دو بخش جداگانه دختران و پسران تقسیم شده بود؛ ولی در سال ۲۰۰۱ م = ۱۴۲۲ هـ. به فرمان ملک فهد، تشکیلات جداگانه آموزش دختران در وزارت‌خانه آموزش و ادغام دکتر جوهره بنت فهد قائم مقام وزیر در امور آموزش دختران گردید.

مدارس عربستان در هر دو بخش پسران و دختران، به دو نوع دولتی و ملی تقسیم می‌شوند؛ در مدارس دولتی ثبت نام رایگان و کلیه هزینه‌ها و امکانات آموزشی از سوی دولت پرداخت می‌شود. ولی مدارس ملی با دریافت شهریه‌های مختلف از امکانات و کیفیت بالاتری برخوردار می‌باشند. مدارس ویژه در مقاطع مختلف تحصیلی جهت روشنده‌لان نیز وجود دارد.

علاوه بر مدارس ملی و دولتی، مدارس فراگیری و حفظ قرآن نیز زیر نظر وزارت آموزش و پرورش فعالیت دارند.

اکنون دوران تحصیل در این کشور ۱۲ سال است که به جز پیش دبستانی، به سه مرحله «ابتدایی» که از ۶ تا ۱۲ سالگی، «متوسطه یا میانی» از ۱۲ تا ۱۵ سالگی، «ثانویه یا دبیرستان» از ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم می‌شود. دوره آموزش

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۵۵.

دبیرستان سه سال می‌باشد که بعد از سال اول، دانش آموزان به دو گروه علوم و هنر تقسیم می‌شوند. البته مدارس صنعتی، بازرگانی و کشاورزی نیز در عربستان وجود دارد که دانش آموزان پس از طی دوره میانی می‌توانند تحصیلات خود را در این مدارس ادامه دهند.

سال تحصیلی در عربستان از اوایل سپتامبر یعنی اوایل مهرماه آغاز شده و در اوایل ژوئن یعنی اوایل تیرماه به اتمام می‌رسد. سال تحصیلی به دو دوره نیم سال اول و دوم تقسیم می‌گردد؛ پس از نیم سال اول، تعطیلات «اجازة الربيع» به مدت دو هفته آغاز می‌گردد. افزون بر آن، به مناسبت عید فطر و عید قربان، هر کدام بیست روز مدارس تعطیلند که ناپیوستگی دوران تحصیل و افول سطح آموختش را به دنبال داشته است.

تحصیلات عالی

پذیرش در دانشگاه‌های عربستان بدون کنکور و با توجه به معدل دبیرستان می‌باشد و تحصیل در آنها رایگان است؛ بلکه ماهیانه مبلغ ۸۰۰ ریال سعودی نیز به عنوان کمک هزینه به دانشجویان پرداخت می‌شود. عربستان سعودی دارای هشت دانشگاه دولتی به شرح ذیل است:

۱. **دانشگاه ملک سعود** با رشته‌های گوناگون در شهر ریاض قرار دارد و دارای دو شعبه در «ابها» و «القصیم» با مرکز مطالعات دانشگاهی زنان، انجمن زنان عربی، انجمن زبان و ترجمه می‌باشد.
۲. **دانشگاه ملک عبدالعزیز** در جده می‌باشد و دارای دانشکده‌های هنر و علوم انسانی، اقتصاد و علوم اداری، علوم، علوم دریایی، زمین شناسی، مهندسی، پزشکی و علوم پزشکی، تعلیم و تربیت و هواسناسی است.
۳. **دانشگاه نفت و معدن ملک فهد** در دمام است و شعبه‌ای در احساء با پنج دانشکده علوم، مهندسی تطبیقی، مدیریت، صنایع و محیط زیست دارد.

۴. دانشگاه ملک فیصل در احساء است و شعبه ای در دمام دارد؛ که شامل دانشکده های کشاورزی و صنایع غذایی دامپزشکی و مدیریت و نقشه کشی و تعلیم و تربیت در احساء و معماری و نقشه کشی، علوم پزشکی در دمام می شود.

۵. دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود دارای شعباتی در قصیم، احساء و جنوب است با دانشکده های شریعت، تبلیغ و اصول دین، علوم اجتماعی، شریعت و اصول دین، عربی و علوم اجتماعی، شریعت و اصول دین، عربی و علوم اجتماعی (در جنوب)، عربی و مطالعات اسلامی (الاحساء)، انجمن تعلیم عربی، مرکز مطالعه ویژه دختران.

۶. دانشگاه اسلامی مدینه منوره: مرکز اصلی جذب جوانان مسلمان کشورهای مختلف برای تربیت مبلغ وهابیت و سیاستهای عربستان در خارج از کشور و دارای دانشکده های شریعت، زبان و ادبیات عربی، تبلیغ و اصول دین، مطالعات قرآنی، مطالعات اسلامی و حدیث است.

۷. دانشگاه ام القری در مکه مکرمه دارای هفت دانشکده شریعت، مطالعات اسلامی، تعلیم و تربیت، مهندسی و علوم تابعه، انجمن زبان عربی، تبلیغ و اصول دین، زبان و ادبیات انگلیسی و علوم اجتماعی است.

۸. دانشگاه ملک خالد در منطقه عسیر.

دانشگاه های این کشور، به کتابخانه های غنی و پیش رفته ترین وسایل و لوازم آزمایشگاهی جهت پژوهش های علمی مجهز است و در آنها آموزش زبان عربی برای خارجیان دایر است.

بر اساس اطلاعات سال تحصیلی ۹۷ - ۱۹۹۶ تعداد دانشجویان به ۲۷۳/۹۹۲ نفر افزایش یافته است^۱ و بیش از ۸۰۰۰ دانشجو نیز در کشورهای خارجی به

تحصیل اشتغال دارند.^۱

برای اسکان استادان و دانشجویان، شهرک هایی مجهز به امکانات ویژه و بیمارستان ایجاد شده است.

۱ - الاصاله و المعاصره، ص ۳۸۹. برای تفصیل بیشتر به البعثات الخارجية للملكة العربية السعودية، نوشته صادق على حجازی مراجعه شود.

چکیده فصل

عربستان سعودی دارای سیستم حکومت پادشاهی مطلقه به پایتختی ریاض است. این کشور با وسعت جغرافیایی ۲/۲۴۰/۳۵۰ کیلومتر مربع، چهارمین کشور بزرگ آسیا و سیزدهمین کشور جهان است. آمار جمعیت آن بیش از ۲۶ میلیون نفر (۲۱ میلیون اصیل و ۵ میلیون مهاجر) است. مذهب رسمی آن اسلام و کشور بر اساس مذهب حنبلی و آیین وهابیت اداره می‌شود. نژاد، خط و زبان مردم آن عربی است. این کشور به ۱۳ منطقه و استان تقسیم شده و تقویم آن برابر سال هجری قمری تنظیم و ساعت آن در شش ماه نخست سال ۱/۵ ساعت نیم ساعت و در شش ماه دوم ۱/۵ ساعت جلوتر از ساعت جمهوری اسلامی ایران است. این سرزمین که نقطه آغاز گسترش و مادر زمین و تمدن‌های آن است، با طراحی الهی برای امتحان و زدودن تکبر، دارای آب و هوایی خشک و خشن و پوشش گیاهی کم می‌باشد، ولی به دلیل عنایت و رحمت ویژه الهی و پذیرش دعای حضرت ابراهیم {، هماره از نعمت‌های فراوان و فرآوردهای متعدد جهانی، سرشار است.

از دیرباز تاکنون روابط و پیوند قبیله‌ای در آن نقش آفرین بوده و دین در آن نفوذ فراوان دارد. اگر چه نجدهای، حجازیان و ساکنان منطقه شرقیه دارای آداب و رسوم متفاوتی هستند؛ ولی در نام‌گذاری، پوشاسک، ارتباط و پذیرایی و رسوم و تشریفات وجود مشترکی دارند. رقص شمشیر (عرضه)، رفتن به بیابان‌های اطراف، مسابقات شتر و اسب سواری و فوتبال از تفریحات مطلوب و ورزش‌های محبوب

آن است.

در عربستان، کتابخانه‌های مختلف عمومی، دانشگاهی، آموزشگاهی و تخصصی وجود دارد و فرهنگ تدوین کتاب، ارتقا یافته است. افزون بر رادیو سراسری و رادیو قرآن، تلویزیون دارای دو شبکه اول و دوم می‌باشد. آرامکو نیز از شبکه تلویزیونی انگلیسی زبان دیگری برخوردار است. خبرگزاری رسمی آن «واس»، دولتی است و مطبوعات تحت مدیریت و نظارت کامل حکومت می‌باشند.

مدارس به دو نوع دولتی و ملی تقسیم می‌شود و آموزش‌های دختران و پسران در آموزشگاه‌های کاملاً جدا صورت می‌پذیرد. عربستان دارای ۸ دانشگاه بزرگ و تحصیلات عالی بدون کنکور می‌باشد و دانشجویان کمک هزینه تحصیلی دریافت می‌کنند.

پرسش‌ها

۱. مساحت و جمعیت قاره آسیا را بنویسید.
۲. اصطلاح خاورمیانه توسط چه کسی و از چه زمانی رایج گردید؟
۳. رتبه عربستان از نظر وسعت جغرافیایی نسبت به کشورهای آسیایی و جهان چگونه است؟
۴. تقسیمات کشوری، تعطیلات سالیانه، هفتگی و روزانه عربستان را بنویسید.
۵. چرا ارزش ریال از دیرباز تاکنون ثابت مانده است؟
۶. چرا منطقه مکه در عربستان، «ام القری»، مادر زمین و تمدن‌های بشری نامیده شده است؟
۷. مناطق چهارگانه و نواحی سه گانه عربستان را نام ببرید.
۸. چرا علی رغم آب و هوای نامساعد، فراوانی انواع مواد غذایی در این کشور مشهود است؟
۹. برابر سخن امام علی { چرا خداوند، منطقه عربستان را خوش آب و هوا قرار نداده است؟
۱۰. نژاد مردم عربستان چیست؟ عرب‌های بائده و باقیه و انواع آن را بنویسید.
۱۱. مهم ترین شاخصه اجتماعی مردم عربستان چیست؟
۱۲. مردم عربستان از نظر آداب و رسوم اجتماعی بر چند دسته اند؟
۱۳. تدوین و نشر کتاب در عربستان چه تحولاتی یافته است؟
۱۴. دوران تحصیل در عربستان چند سال است و در چند مرحله صورت می‌پذیرد؟

برای مطالعه بیشتر

۱. آشنایی با عربستان، عبدالله نصیری، نشر مشعر.
۲. تاریخ تحلیلی اسلام، سید جعفر شهیدی.
۳. تاریخ مکه، محمد هادی امینی، ترجمه محسن آخوندی.
۴. دراسات فی جغرافیة المملكة العربية السعودية تأليف عبدالعزيز بن عبداللطيف آل الشيخ و السيد بن البشری محمد و عبدالله بن ناصر الولیعی.
۵. دليل المملكة العربية السعودية ، وزارت الاعلام فی المملكة العربية السعودية .
۶. شناخت عربستان، علی محمدی آشنایی، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
۷. عربستان، محمد فخری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۸. عربستان سعودی، ویلیام گودوین، ترجمه فاطمه شاداب.
۹. عربستان سعودی، محمد رضا برآذش.
۱۰. کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه هادی انصاری.

فصل دوم

نظام سیاسی و اقتصادی عربستان

اهداف فصل دوم

۱. شناخت جایگاه و اهمیت سیاسی عربستان
۲. شناخت پیشینه سیاسی عربستان
۳. شناخت نظام فعلی عربستان
۴. آشنایی با وضعیت اقتصادی عربستان
۵. آشنایی با چالشهای سیاسی - اقتصادی عربستان

۱. جایگاه و اهمیت سیاسی

ویژگی‌های جغرافیایی، عوامل دینی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، کشور عربستان را از اهمیتی ژئوپلیتیک و از جایگاهی استراتژیک در منطقه و جهان برخوردار کرده است؛ مهم ترین این عوامل عبارتند از:

الف. عوامل دینی

عواملی همچون قرار گرفتن کعبه به عنوان قبله مسلمانان، وجود حرم نبوی و امامان بقیع، شکل گیری تاریخ اسلام، برگزاری مراسم سالیانه حج و میزبانی میلیون‌ها مسلمان برای انجام آن در عربستان، این کشور را دارای اهمیت زیاد و جایگاه بسیار مهمی کرده است.

توجه به توسعه اماکن مذهبی و رفاه حجاج، چاپ و نشر گسترده قرآن کریم، برگزیدن لقب «خادم الحرمين الشريفین» از سوی پادشاهان سعودی، گسترش مراکز علمی- مذهبی و اهتمام به تربیت مبلغان مذهبی، نقش مهم عوامل مذهبی در ارتقای جایگاه و اهمیت این کشور را نشان می‌دهد.

ب. موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی عربستان در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه، وسعت و پهناوری آن به عنوان سیزدهمین کشور جهان، دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ، قرار گرفتن در مسیر سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، اتصال قاره آفریقا و آسیا

به یکدیگر، رفت و آمد اقوام و ملل مختلف به آن، این کشور را دارای اهمیت منطقه‌ای و جهانی ساخته است.

گفتنی است دسترسی این کشور به آب‌های آزاد جهان، علی‌رغم اتصال به دو شاهراه حیاتی خلیج فارس و دریای سرخ، تنها با عبور از دو تنگه استراتژیک هرمز یا باب المندب امکان پذیر می‌باشد.

ج. عوامل اقتصادی (ذخایر فراوان نفت و گاز)

عوامل اقتصادی مانند مالکیت ذخایر فراوان، تولید و نقش آفرینی عمدہ در بازار نفت، قدرت و نفوذ بسیار زیاد در سازمان «اوپک» و «اوپک+»،^۱ اختصاص تسهیلات ویژه و تلاش برای جذب ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در منابع نفتی، توسعه چشمگیر تولید مواد پتروشیمی و فراهم آمدن زمینه‌های رشد اقتصادی بیشتر و داشتن ذخیره ارزی مناسب بر اهمیت این کشور افزوده است.

گفتنی است کشور عربستان با دارا بودن بیش از ۲۶۰ میلیارد بشکه ذخیره قطعی، ۴۱ ذخایر نفتی جهان (۳۱٪/۴۳٪) و (۲۶٪/۴۳٪) نفت اوپک^۲ و یک تریلیون بشکه نفت بازیافتی، رتبه اول کشورهای نفت خیز و با در اختیار داشتن ۵/۲ تریلیون متر مکعب گاز (۴٪/۴٪) ذخایر شناخته شده گاز جهان، پس از روسیه، جمهوری اسلامی ایران، قطر و آمریکا، رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است. افرون بر آن، عربستان از معادن و منابع زیر زمینی فراوانی برخوردار است.

۱- کشورهای عرب صادر کننده نفت از سال ۱۹۶۸ میلادی = ۱۳۸۸ ه. ق تشکیلاتی به نام «اوپک» برای هماهنگی سیاست‌های خود ایجاد نموده‌اند که محور آن عربستان سعودی است. الفارسی، فواد عبدالسلام، الاصاله و المعاصره، ص ۱۷۱.

۲- سازمان اوپک با عضویت اولیه پنج کشور عراق، کویت، ایران، عربستان سعودی و نیروئلا در سال ۱۹۶۰ میلادی = ۱۳۷۹ ه. ق به منظور ایجاد هماهنگی و وحدت و تعیین بهترین شیوه برای تأمین منافع، پیش‌بینی روش‌ها و وسائل تأمین و تثبیت قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی، در نظر گرفتن مصالح ملت‌های تولید کننده و تضمین درآمدی ثابت برای آنان، تشکیل شد.

د. عوامل سیاسی

عوامل سیاسی مانند همسویی با آمریکا و غرب، ایفای نقش ژاندارمی و تلاش برای تبدیل شدن به قدرت برتر در منطقه خاورمیانه، پیش گرفتن روش جذب و مدارا با جهان اسلام و سعی در کاهش دشمنی و تشنج با کشورهای مجاور، گسترش روابط با روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته و چین، جایگاه و اهمیت عربستان را افزایش داده است.

عربستان از زمان ملک عبدالعزیز، همواره روابط بسیار نزدیکی با انگلیس و آمریکا داشته است، ولی پس از جنگ جهانی دوم، به دلیل بسط قدرت و نفوذ آمریکا، رابطه با این کشور افزون تر شد و در زمان ملک فیصل این رابطه رو به گسترش نهاد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سه ده اخیر به بالاترین حد خود رسید.

نیاز عربستان به جهان غرب در زمینه کسب دانش فنی، تکنولوژی و کارشناسان، کالاهای صنعتی، تسليحات و تجهیزات نظامی و نیاز متقابل غرب به منابع نفت و انرژی فسیلی عربستان و نیاز آنها به جای پا در منطقه و موقع جنگ نفت که قسمت اعظم هزینه لشکرکشی آمریکا به عراق را عربستان بر عهده گرفت،^۱ وابستگی دو جانبه‌ای بین این کشور و غرب پدید آورده و موجب تحکیم و تعمیق هر چه بیشتر روابط این کشور با آمریکا شده است.

عربستان با کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان و ژاپن نیز روابط نزدیکی دارد و از متخصصان و مستشاران این کشورها، در صنایع و آموزش و تربیت نیروهای نظامی خود استفاده می‌کند. حضور هفتاد هزار نفر از اتباع غرب و

۱ - این جنگ برای عربستان حدود ۶۰ میلیارد دلار هزینه در بر داشت و بالغ بر ۶۲۰ میلیارد دلار به اقتصاد جهان عرب به ویژه کویت و عراق، خسارت وارد کرد و هزینه‌های بسیاری بر دیگر کشورهای منطقه تحمیل کرد و رشد اقتصادی آنها را کند و موجب کسری بودجه کشورهای هم‌جوار نیز گردید. عربستان، ص ۴۶.

سرمایه گذاری‌های انبوه شرکت‌های غربی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی عربستان، نشانگر عمق روابط عربستان و جهان غرب به ویژه آمریکا می‌باشد. البته دو بمب گذاری تروریستی عوامل القاعده طی دهه ۱۹۹۰ در تأسیسات نظامی عربستان که منجر به کشته و مجروح شدن صدها نفر از اتباع آمریکا گردید، همچنین حوادث ۱۱ سپتامبر و متهم شدن «هیفاء الفیصل» همسر بندر بن سلطان، سفير عربستان در واشنگتن و دختر ملک فیصل به ارتباط با هواپیماربایان و متهم شدن محمد الفیصل برادر وزیر امور خارجه عربستان و رئیس بانک اسلامی با کمک شش میلیون دلاری به گروه القاعده در رسانه‌های غربی و حمایت بی دریغ آمریکا از اسرائیل و موضع گیری عربستان پس از حملات ددمنشانه پیشین اسرائیل به مردم مظلوم و بی پناه فلسطین، عواملی بودند که مدت کوتاهی موجب سردی روابط عربستان و آمریکا شدند ولی سردی روابط دیری نپایید و آمریکا که خروج سرمایه‌های سعودی را برای خود خطر بزرگتری از حادثه ۱۱ سپتامبر می‌دید و نیاز به مساعدت عربستان در ادامه حضور خود در منطقه خلیج فارس داشت، نگاه خود به عربستان را ملايم تر کرد.^۱

ه. تحولات منطقه‌ای

تحولات فراوان منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در سه دهه اخیر همانند فروپاشی نظام شاهنشاهی و ژاندارم منطقه خلیج فارس با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، برپایی و تثبیت نظام مستقل و مردم سالار جمهوری اسلامی، جنگ افغانستان، جنگ نفت یا جنگ عراق، جنگ اخیر ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی، حساسیت منطقه خاورمیانه و اهمیت سیاسی عربستان را افزایش داده است.

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۴۷.

و. عضویت و نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی

عضویت و نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، اهمیت سیاسی عربستان را افزایش داده است؛ عربستان به دلیل جایگاه دینی، اقتصادی و سیاسی پیش گفته، همچنین به علت کمک‌های مالی به سایر کشورها به ویژه کشورهای عرب و مسلمان، در اغلب سازمان‌های بین المللی، عربی و اسلامی، نفوذ و تأثیر دارد:

۱. اتحادیه عرب: اتحادیه عرب^۱ در اکتبر ۱۹۴۴ م = ۱۳۶۳ ق. توسط پنج کشور مصر، سوریه، لبنان، عراق و اردن به منظور دفاع مشترک از امت عرب، در شهر اسکندریه مصر تشکیل شد. سپس ۲۲ کشور عربی و از جمله عربستان به عضویت آن در آمدند. دبیرخانه اتحادیه عرب در قاهره و دبیر کل کنونی آن عمرو موسی وزیر خارجه سابق مصر است.

عربستان با توجه به ویژگی‌های خاص، همچنین به دلیل کمک‌های فراوان آن به کشورهای عربی و این اتحادیه، از نفوذ زیادی بر اتحادیه عرب برخوردار است. حضور دکتر احمدی نژاد ریاست جمهوری اسلامی ایران در نشست اخیر سران عرب در ۱۲ آذر ماه ۱۳۸۶ در دوحه قطر، زمینه توسعه روابط هر چه بیشتر اعضای آن را با جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است.

۲. سازمان کنفرانس اسلامی: سازمان کنفرانس اسلامی^۲ در سال ۱۹۶۹ میلادی = ۱۳۸۹ هـ پس از به آتش کشیدن مسجدالاقصی به دست صهیونیست‌ها، توسط کشورهای اسلامی تشکیل گردید. دبیرخانه دائمی آن، در شهر جده عربستان است و ۵۷ کشور اسلامی در آن عضویت دارند. این سازمان برای کمک به ایجاد تأسیسات زیر بنایی کشورهای اسلامی، بانک توسعه اسلامی را تشکیل داده است.

عربستان به دلیل میزبانی دبیرخانه کنفرانس، تأمین بیشترین سهم از بودجه آن، همچنین به دلیل تأثیر بر مواضع کشورهای اسلامی، نفوذ بسیار زیادی در این سازمان دارد.

۳. شورای همکاری خلیج فارس: شورای همکاری خلیج فارس یا مجلس التعاون الخلیجی (PGCC)^۱ شامل عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و عمان در سال ۱۹۸۱ میلادی ۱۴۰۲ ه. ق دو ماه پس از آغاز جنگ تحملی عراق بر ایران با نشست سران این کشورها در ابوظبی تشکیل گردید. تحولات مهم منطقه همچون تشکیل جمهوری اسلامی، اشغال افغانستان توسط شوروی و جنگ عراق زمینه تشکیل آن را فراهم آورد. هدف اولیه تشکیل این شورا، برخورداری از امکانات و حمایت متقابل در برابر ناآرامی‌های داخلی و تهدیدهای خارجی، تأمین ثبات و تحکیم امنیت در خلیج فارس، هماهنگی در سیاست خارجی و دفاعی اعلام شد. سپس همکاری‌های فزاینده اقتصادی، ایجاد بازار مشترک، هماهنگی در تدوین قوانین اجتماعی و فرهنگی و همسویی هر چه بیشتر در مواضع، وحدت گمرکی و پولی تا ۲۰۱۰ میلادی و همکاری‌های گسترده‌تر در دستور کار قرار گرفت.

عربستان به دلیل جایگاه، وسعت، جمعیت، قدرت، ثروت و ذخایر بیشتر و آسیب پذیری کمتر نسبت به دیگر کشورهای عربی خلیج، به قدرت برتر این شورا بدل شده و نقش محوری در تصمیمات آن ایفا می‌کند.

هسته اصلی نیروی نظامی مشترک این شورا که «درع الجزیره = سپر جزیره» نامیده می‌شود، را دو تیپ از ارتش عربستان سعودی تشکیل می‌دهد و ایجاد شبکه بزرگ دفاع هوایی برای پوشش کل منطقه نیز در دستور کار است.^۲

۴. سازمان ملل متحد: عربستان در سال ۱۹۶۵ به عضویت سازمان ملل متحد (U.N.O) در آمد^۱ و به دلیل جایگاه و مناسباتش با دیگر کشورهای عضو، از فعالیت و نقش نسبتاً خوبی در این سازمان برخوردار است. این کشور در سازمان‌های تابعه سازمان ملل متحد همچون یونیسف، یونسکو و سازمان بهداشت جهانی نیز عضویت دارد.

۵. جنبش عدم تعهد: عربستان یکی از اعضای نسبتاً فعال جنبش عدم تعهد (N.A,M)^۲ است، گفتنی است این جنبش، علی‌رغم اعضای بسیار زیاد و قدرتمند خود، از جایگاه بایسته خود در معادلات سیاسی برخوردار نیست.

۶. سازمان تجارت جهانی: عربستان سعودی با تلاش فراوان و پس از مذاکرات بسیار با دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، در سال ۲۰۰۵ به عضویت پذیرفته شد و در سال جاری به عضویت این سازمان در آمد.

۱ - سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف حفظ صلح و امنیت جهانی، گسترش روابط دوستانه بین ملت‌ها، همکاری برای حل مسائل بین‌المللی، اشتراک مساعی در امور مختلف و احترام به حقوق و آزادی‌های یکدیگر تشکیل شد. اساسنامه این سازمان را که مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱۱ ماده و یک ضمیمه هفتاد ماده‌ای می‌باشد، منشور ملل متحد می‌نامند. مرکز این سازمان، نیویورک است و شامل ۶ ارگان می‌باشد: ۱. مجمع عمومی ۲. شورای امنیت ۳. شورای اقتصادی و اجتماعی ۴. دادگاه بین‌المللی لاهه ۵. شورای قیومیت ۶. دبیرخانه شورای امنیت. این دبیرخانه دارای ۱۵ عضو و پنج عضو اصلی دارای حق و توی آن، آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه هستند. همچنین نیروهای حافظ صلح این سازمان مشهور به «کلاه آبی‌ها» هستند که تعدادشان همچنان رو به افزایش می‌باشد؛ طلوعی، محمود؛ فرهنگ، جامع سیاسی، نشر علم و سخن، ص ۵۴۵ - ۵۳۵.

۲ - عربستان سعودی، ص ۶۰

۳ - زمینه، فکر و طرح اولیه تشکیل جامعه‌ای از کشورهای غیر متعهد و غیر وابسته به دو بلوک غرب و شرق، در نشست سران کشورهای آسیایی و آفریقایی در سال ۱۹۵۵، در اندونزی مطرح گردید. هدف این جنبش، ایجاد وحدت میان کشورهای در حال توسعه و برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی آزاد و مستقل بود که اولین بار در سال ۱۹۶۱ و در نخستین نشست در بلگراد پایتخت یوگوسلاوی، به پیشنهاد رئیس جمهور آن تیتو «جنبس عدم تعهد» نام گرفت. همچنین نشست دوم آن در سال ۱۹۶۴، به زمامت جمال عبدالناصر در قاهره مصر برگزار شد و در سال ۱۳۷۱ کشورهای تازه استقلال یافته شوروی نیز به عضویت این سازمان در آمدند؛ فرهنگ جامع سیاسی، ص ۳۷۹.

۷. سازمان‌های دیگر: افزون بر سازمان‌های پیش گفته، عربستان سعودی عضو سازمان‌های اوپک، اوابک، گروه ۷۷، آژانس بین المللی انرژی اتمی، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه اسلامی و ... می‌باشد و در آنها نفوذ و تأثیر دارد.

۲. پیشینه سیاسی عربستان

در این بخش، پیشینه و وضعیت سیاسی عربستان در دوران باستان، دوران ظهور اسلام و دوران معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. دوران باستان

منطقه عربستان از نظر پیشینه سیاسی دارای تاریخی طولانی است و فراز و نشیب‌های بسیار زیادی را طی کرده است؛ هجرت حضرت ابراهیم^۱ به فرمان خداوند و باقی نهادن همسر و فرزندش حضرت هاجر و اسماعیل^۲ در این سرزمین، نقش و تأثیر زیادی در تحولات بعد بر جای گذاشت؛ زیرا با جوشش چشمۀ زمم، قبیله جرهم از رفت و آمد مرغان هوایی به پیدایش آب در آن حوالی بی‌برده، بدان منطقه کوچ کردند.^۳

با این دگرگونی طبیعی و سکونتی، وادی بدون آب و کشت مکه به تدریج آباد گردید و به صورت شهر درآمد. کم کم شهر مکه به سبب نزدیکی به دریای سرخ و واقع شدن بر سر راه ارتباطی با یمن، همچنین به علت داشتن ارتباط بازرگانی با شام و فلسطین، اهمیت زیادی یافت. برافراشتن بنیان‌های خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل علیہما السلام و سر دادن ندای توحید و فرا خواندن مردم به انجام مناسک حج توحیدی به فرمان الهی^۴، موقعیت استراتژیک و ویژه‌ای برای

۱ - برای تفصیل بیشتر به: آیت الله سبحانی، فرازهایی از زندگی پیامبر اسلام.

۲ - بقره: ۱۲۷.

منطقه حجاز در این سرزمین فراهم ساخت و کلیدداری کعبه و منصب سقایت حاجیان، موقعیت سیاسی افراد و قبایل را رقم می‌زد.

به دلیل سکونت پیش تر و بیش تر مردم در منطقه جنوبی شبه جزیره، پیشینه سیاسی بخش جنوبی از قدمت و تنوع بیشتری برخوردار است. در این بخش، از ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد، دولت معینیان به پایتختی قرنو و معاصر با آن، دولت سبائیان به پایتختی مأرب آغاز شد و تا ۱۱۵ ق.م ادامه یافت که از این دولت و فرمانروایی زنی بر آنان و جاری شدن سیل در میان آنان در دو آیه قرآن کریم سخن به میان آمده است.^۱ همچنین دولت قتبان به پایتختی تمَنَع در قرن ششم ق.م تا قرن دوم میلادی ظهرور و بروز یافت.

با سقوط سبائیان، دولت حمیریان را تشکیل دادند که پادشاهان آنان را تُبع می‌نامیدند و قرآن نیز به آنان در دو آیه اشاره فرموده است.^۲

حمله سردار رومی آلیوس گالیوس و تصرف نجد به قصد دست اندازی بر حکومت حمیریان اگر چه به دلیل عدم دسترسی به آب و مشکلات دیگر به عقب نشینی او انجامید، اما از یک سو زمینه تصرف حبسیان را فراهم آورد و از سوی دیگر زمینه ایجاد رابطه و راه یافتن مسیحیان در این شبه جزیره را هموار کرد تا آن که حمله پیاپی حبسیان، قسمتی از یمن را به تصرف آنان در آورد.

با ویرانی اورشلیم، تعدادی از یهودیان به عربستان پناهنده گشتد و ذنوواس پادشاه حمیری، در سده ششم میلادی، به دین یهود گروید و به قتل عام و آزار مسیحیان و سوزاندن آنها در آتش پرداخت که در سوره بروم تحت عنوان «اصحاب اخدود» بدان اشاره شده است: «**فُتِلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ**; مرگ بر آدم سوزان خندق، همان آتش مایه دار

۱- نمل: ۲۳ و سباء: ۱۵.

۲- دخان: ۳۷، ق: ۱۴.

^۱(و انبوه).»

حبشیان به نبرد با وی پرداخته و با کشتن ذونواس، حکومت حمیریان بر عربستان را خاتمه دادند.

پس از سیطره حبشیان بر عربستان، یکی از سرداران حبشی به نام «ابرهه»^۲ علیه حاکمیت دولت حبشه شورش نموده، دعوی استقلال کرد و به مدت ۳۵ سال یعنی از سال ۵۳۵ تا ۷۵۰ میلادی، حاکم مطلق العنان آن منطقه گردید و با ساختن معبد بزرگی در صنعا به ترویج مسیحیت پرداخت و با لشکری از پیل سواران برای ویران ساختن کعبه بدان هجوم برد ولی پروردگار کعبه، لشکریان مجهز و نیرومند او را به وسیله مرغانی کوچک که بر سپاهیانش سنگ ریزه افکندند، نایبود ساخت.

حمیریان با استمداد از انوشیروان پادشاه ساسانی امپراتوری ایران، مسروق فرزند ابرهه را شکست دادند و سردار ایرانی وهرز دیلمی و پس از او فرزندانش مرزبان، مانوشجان و باذان در آن منطقه فرمانروای یافتند. باذان هنگام بعثت رسول خدا {، با ایرانیان همراحت مسلمان شدند.

در قسمت شمالی شبه جزیره عربستان نیز شش قرن قبل از میلاد پس از سقوط دولت بابل، دولت نبطیان شکل گرفت و با از بین رفتن سبائیان بر اثر حمله اسکندر، قوت بیشتری یافت. افزون بر آنها، کشمکش‌های امپراتوری روم و ایران بر سر تصرف این سرزمین، فرو ریختن سد مأرب و کوشش همسایگان بر تصرف راه تجاری بُخور که باعث نابسامانی شد و در نتیجه مهاجرت مردم منطقه جنوبی به شمال را رقم زد و به تدریج توسط مهاجران البته با پشتیبانی دولت‌های مقتدر، دولت‌های غسانیان (تحت حمایت روم)، لخمیان (تحت حمایت ایران) و آل کنده (تحت حمایت حمیریان) به وجود آمدند.

۱- بروج: ۵ و ۴.

۲- فیل: ۵ - ۱.

در کنار و حتی همراه با حاکمیت این دولتها در شمال و جنوب، طبیعت و مقتضیات بیابان نشینی و صحراءگردی، نوعی از مناسبات قبیله‌ای را در این منطقه به وجود آورد که هر قبیله تحت ریاست «شیخ قبیله»، همراه دام‌های خویش در جست و جوی آب و مرتع به کوچ نشینی می‌پرداختند و در نتیجه نوعی قدرت سیاسی، حکومت پراکنده و ملوک الطوایفی و به عبارت بهتر ملوک القبایلی در عربستان را شکل داد و قدرت سیاسی منطقه، در مقام عمل میان قبایل و رؤسای آنها تقسیم شد. حتی در دوران معاصر نیز آثار و رسوبات حیات سیاسی قبیله‌ای در این کشور به چشم می‌خورد.

گذشت زمان و عدم بعثت پیامبری در این منطقه، زمینه رواج خرافات و بت پرستی در میان قبایل را فراهم ساخت و جز پیروان اندک حضرت ابراهیم { (حنفاء) و تعداد کمی که پیرو آیین یهود و مسیحیت بودند و روشنفکرانی که به پرستش اجرام آسمانی رو آورده بودند، بقیه قبایل عرب، بت پرست شده بودند و مناسک توحیدی حج، به سوت و کف زدن در کنار خانه کعبه^۱ و گاه طوف به صورت عریان بدل گشت و نظام قبیله‌ای همچنان بر آنان حاکمیت داشت.

ب. دوران ظهور اسلام

بعثت خاتم پیامبران حضرت محمد { و ظهور مکتب حیات بخش اسلام در قرن هفتم میلادی، دوران جدیدی از حاکمیت سیاسی را در این کشور پدید آورد. پیامبر گرامی اسلام { پس از تحمل سختی‌های فراوان در مکه، به مدینه مهاجرت نمود و با متحده ساختن قبایل متخاصم، اولین دولت اسلامی را تشکیل داد و نخستین حکومت فraigیر اسلامی را بنیان نهاد. تشکیل حکومت نبوی، شهر مدینه و عربستان را از اهمیت فرایندهای

برخوردار ساخت. این اهمیت بی بدیل تا زمان سه خلیفه نخستین؛ ابوبکر، عمر و عثمان ادامه یافت. اما امام علی^۱ که پایتخت خلافت اسلامی را به شهر کوفه انتقال دادند و در دوره امویان که پایتخت کشورهای اسلامی به شام و در دوره عباسیان که پایتخت به بغداد منتقل شد، به تدریج از اهمیت سیاسی در عربستان کاسته شد و حکمرانان آن از سوی بنی امیه و عباسیان منصوب می‌شدند.

اگر چه دست نشاندگان امویان (تا ۱۳۲ ه. ق) و سپس برگزیدگان بنی عباس بر عربستان حاکمیت داشتند، ولی هماره اعتراض، مبارزه و حتی جنگ بر ضد این دو خاندان در شهرهای مختلف عربستان وجود داشته است.^۱

در سال ۲۵۱ ه. ق یکی از سادات حسنی به نام «اسماعیل بن یوسف» فرصت درگیری میان مستعین و معترض عباسی را غنیمت شمرده، حجاز را تصرف کرد و پس از وی، برادرش «محمد بن یوسف» معروف به «اخضیر» در حجاز حاکم گردید. وی پس از حمله عباسیان به نجد رفت ولی پس از بیست سال دوباره بر حجاز تسلط یافت.

در سال ۲۵۴ ه. ق دولت حجاز تحت نفوذ دولت «طولونیه» مصر قرار گرفت. « Abbasian » در سال ۲۹۰ ه. ق. بار دیگر حجاز را در اختیار گرفتند و تا سال ۳۳۰ ه. ق با ضعف بسیار بر آن نظارت داشتند. در آن سال، بار دیگر حاکمان مصر (اخشیدیین) بر حجاز تسلط یافتند ولی اخضیرین با توسعه قدرت خود، دوباره بر حجاز حاکم شدند.

در سال ۳۵۰ ه. ق «قرامطه»، حاکمان مصر، به مدت نه سال سادات اخضری را کنار زده، خود بر آن تسلط یافتند، تا آن که در سال ۳۵۹ ه. ق حکومت

۱ - حماسه حسینی، قیام مردم مدینه بر ضد یزید و بیعت با عبد الله بن حنظله، تصرف حجاز توسط عبد الله بن زبیر در دوران امویان و قیام محمد بن عبد الله بن حسن بن علی مشهور به ذو نفس زکیه و برادرش ابراهیم و پس از مدت کوتاهی قیام حسین بن علی نواحی امام حسن بر ضد عباسیان نمونه هایی از آن است.

«فاطمیین» در مصر تشکیل گردید. حاکمیت فاطمیین تا سال ۴۶۳ و سپس حکومت «سلاجقه» تا سال ۶۵۰ و پس از آنان، سلطه «مماليک» تا سال ۹۲۳ بر حجاز ادامه یافت.

در بیشتر این دوران، نوادگان امام علی و امام مجتبی⁺ با نام‌های بنی موسی، بنو فلیته در مکه و نوادگان امام حسین^{} در مدینه حکومت می‌کردند که این دوران به دوران حکومت «شرف» شهرت یافته است.

با تشکیل دولت عثمانی و سلطنت آن بر مصر در سال ۹۲۳ هـ. ق حاکمیت در منطقه حجاز و دیگر مناطق عربستان، تحت نفوذ آنان قرار گرفت و «بنو قتاده» کارگزاران آنان در منطقه حجاز حکومت یافتند؛ در آن دوران، حاکمان جده از سوی مصر انتخاب می‌شدند و گاه بین آنان و حاکمان حجاز، اختلاف و درگیری پیش می‌آمد.^۱

۱ - شاکر، شبہ جزیره عرب، ص ۱۲۶ - ۱۰۰.

فهرست و جدول حاکمان حجاز از زمان بعثت بدین شرح است:^۱

کارگزاران	دولت	قا (ھ.ق)	از (ھ.ق)
	پیامبر گرامی اسلام {	۱۱	۳
	خلفای راشدین	۴۰	۱۱
	امویان	۱۳۲	۴۰
	عباسیان	۲۵۱	۱۳۲
	اخضیریون	۲۵۴	۲۵۱
	طولونیون	۲۹۳	۲۵۴
	عباسیان	۳۲۰	۲۹۳
	اخشیدیون	۳۳۵	۳۳۰
	اخضیریون	۳۵۰	۳۳۵
	قرامطه	۳۵۹	۳۵۰
بنوموسی - بنوهاشم	فاتمیون	۴۶۳	۳۵۹
بنوهاشم	سلجوقيان	۵۶۷	۴۶۳
بنوهاشم - بنوقتاده	ایوبیان	۶۵۰	۵۶۷
بنوقتاده	مماليک	۹۲۳	۶۵۰
بنوقتاده	عثمانیان	۱۳۳۵	۹۲۳
بنوقتاده	استقلال	۱۳۴۲	۱۳۳۵
	آل سعود	تاکنون	۱۳۴۲

ج. دوران آل سعود

بر اساس تسلط نظام قبیله‌ای در عربستان، حاکمان منطقه نجد و عسیر نیز به صورت ملوک الطوایفی، شهرهای مختلف نجد را اداره می‌کردند؛ آنان، گاه تحت نفوذ حاکمان حجاز و گاه زیر لوای امیران «صنعا» یعنی کشور کنونی یمن بودند. به دلیل عدم وجود حکومت یکپارچه در منطقه نجد، هر قبیله، شهر یا قریه‌ای که توانایی می‌یافت، بر ساکنان دیگر شهرها یورش برد، آنان را تحت نفوذ خود قرار می‌داد.

در چنین اوضاع سیاسی بود که طلبه جوانی به نام محمد بن عبدالوهاب پس از بازگشت از بصره و ایران، چون نتوانست در عیینه بماند، به درعیه رفت. در آن دوران حاکم درعیه «محمد بن سعود» بود. وی که با درگذشت پدرش سعود در سال ۱۱۴۰ ه. ق (۱۷۲۷ م) حکمران شهر درعیه شده بود، به تشویق برادرش شنیان و همسرش مُوضِه در سال ۱۱۵۷ ه. ق برابر ۱۷۴۴ میلادی با شیخ محمد بن عبدالوهاب، پیمان اتحاد منعقد کرد و دختر وی را به همسری خود برگزید و به اشارت او، ارتشی مجذوب از اعراب بادیه نشین تشکیل داد و دست اندازی و حمله به دیگر قبایل نجد را آغاز کرد.

خاندان آل سعود و مذهب «وهابیت»^۱ به تدریج در سه مرحله، حکومت خود را از منطقه کوچک درعیه به همه عربستان گسترش دادند:

۱- حکومت عربستان به دلیل انتساب به سعود، پدر محمد اولین حاکم این خاندان، حکومت «آل سعود» نامیده شد و این مذهب به علت انتساب به عبدالوهاب پدر شیخ محمد بنیان گذار این آیین «وهابیت» لقب گرفت در حالی که عبدالوهاب مخالف سرسخت این آیین بود. نسبت دادن یک طایفه یا اندیشه مذهبی به پدر بنیان گذار آن در زبان عربی مرسوم است؛ تاریخ البلاد العربية السعودية، ج ۱،

دولت اوّل سعودی (۱۲۲۹ - ۱۱۳۹ ق)

۱. محمد بن سعود (۱۱۷۹ - ۱۱۳۹ ق)

در پی حملات محمد بن سعود، به اطراف، از سال ۱۱۶۰ ه. ق ۱۷۴۷ م، دهام امیر ریاض و در سال ۱۱۷۸ ه. ق ۱۷۶۵ م، عُریعر امیر احساء و سپس حسن بن هبة الله امیر نجران به درعیه حمله کردند ولی محمد بن سعود، دو حمله نخست را دفع و با سومین پیمان صلح منعقد نمود. امیران حُرَيْمَلَاء و ضَرِيْه نیز گاه در پاسخ به تهاجمات، به درعیه، حمله می‌بردند. سرانجام محمد بن سعود در ۱۱۷۹ ه. ق. / ۱۷۶۵ بعد از چهل سال حکمرانی و جنگ، درگذشت و جای خود را به پسرش عبدالعزیز سپرد.

۲. عبدالعزیز بن محمد (۱۱۷۹ - ۱۲۱۸ ق)

عبدالعزیز با پشتیبانی محمد بن عبدالوهاب، کشور وسیعی پدید آورد؛ نخست در سال ۱۱۸۵ ه. ق = ۱۷۷۳ میلادی بر عشاير متحد نجد تاخت و آنان را در قریه حایر شکست داد. سپس سپاهیان امیر ریاض را در سال ۱۱۸۷ ه. ق = ۱۷۷۳ میلادی تار و مار کرد و پس از مرگ دهام، شهر ریاض را به تصرف آورد.^۱ در سال ۱۱۹۰ ه. ق / ۱۷۷۶ شهر ثَرَمَدَه و سال بعد سُدَيْر و وَشَم را تسلیم خود کرد و با امیر عیینه و مشایخ نجد، پیمان آشتی منعقد کرد و بیشتر قبایل آن منطقه را به عقیده وهابیت در آورد. او اراضی خرج و تهامه و شهرهای مجمعه و حرمه و بُرَیدَه را تصرف کرد و در جنگ با غالب بن مُساعد شریف مکه، به پیروزی رسید. وی با حمله به جبل شَمَرَ و حائل و قصیم، آن نواحی را نیز به تصرف درآورد.

۱- قلب جزیرة العرب ص ۳۲۸، صقر الجزيرة، ج ۱، ص ۶۴

این فتوحات، موجی از ثروت و رفاه را با خود به ارمغان آورد. افزون بر مکه، وی مدینه و طایف را نیز فتح و برابر فتوای وهابیون، مشاهد متبرکه و قبور ائمه را ویران کرد و پس از تصرف حجاز، بحرین و چند امارت ساحلی خلیج فارس را نیز تحت سلطه خود در آورد.

با تصرف منطقه عسیر، تهame، حجاز، عُمان، احساء، قطیف، زیاره و بحرین و وادی‌های اطراف، انگلیسی‌ها خاندان سعودی را به رسمیت شناختند و با سعودیان، رابطه دوستی برقرار کردند.

در اواخر امارت عبدالعزیز، در سال ۱۲۰۶ محمد بن عبدالوهاب در سن نود و یک سالگی - و به قول «بن بشر» مورخ نجدی در نود و هشت سالگی درگذشت. عبدالعزیز نیز در سال ۱۲۱۸ ه. ق ۱۸۰۳ م، در سن هشتاد و سه سالگی به دست مردی ناشناس کشته شد.^۱

۳. سعود بن عبدالعزیز «سعود کبیر» (۱۲۱۸-۱۲۹۱ هـ. ق)

سعود که به سال ۱۲۰۳ هـ. ق = ۱۷۸۸ میلادی به حکم ابن عبدالوهاب، به ولایت عهدی منصوب شده بود و در همه فتوحات سعودی حضور داشت، یازده سال بر عربستان سلطنت کرد.

با حملات پی در پی وهابیون، امرای عرب و شریف غالب، حاکم شکست خورده حجاز و سایر بزرگان با ارسال نامه‌هایی به «باب عالی» امپراتوری عثمانی را متوجه خطر روزافزون قدرت وهابیون ساختند.

دربار اسلامبول، محمد علی پاشا حکمران مصر را مأمور سرکوبی وهابیون کرد و لی قبل از رسیدن ارتش مصر به نجد، سعود در سن شصت و شش سالگی درگذشت. اگر چه پسرش ابراهیم به امارت رسید ولی به دلیل نزاع بین او و عمویش عبدالله بن عبدالعزیز بر سر جانشینی پدر، حکومت آل سعود ناتوان و

۱- صقر الجزیره، ج ۱، ص ۵۴

ضعیف گردید.

شکست و فروپاشی دولت آل سعود

محمد علی پاشا با اعزام ارتضی به فرماندهی پسرش طوسون پاشا در سال ۱۲۲۷ / ۱۸۱۲، مدینه و مکه را تصرف کرد و وهابیون را شکست داده، به جرم اهمال و سازش کاری با وهابیون، شریف غالب را معزول و زندانی کرد و برادرش سرور بن غالب را به مقام شریف مگه منصوب نمود.

طوسون روانه نجد شد و تا قلعه رس در دویست و هفتاد کیلومتری شمال شرقی مدینه پیش رفت ولی بر اثر مقاومت شدید وهابیون و دادن تلفات بسیار به پیشنهاد وهابیون، ترک مخاصمه را پذیرفت و به قاهره بازگشت. محمد علی پاشا، طوسون را عزل کرد و پسر دیگرش ابراهیم پاشا را گسیل داشت. وی پایتحت آل سعود را با خاک یکسان کرد و بیشتر علمای وهابی و امرای سعودی در نبرد با او کشته شدند.

۴. عبدالله بن سعود (۱۲۲۹ - ۱۲۲۳ ه. ق)

عبدالله بن سعود که با عزل برادر، خود به جای او نشسته بود، اعدام شد. به دستور ابراهیم پاشا، اموال و املاک خاندان سعودی و آل شیخ، ضبط گردید و برخی از امرای سعودی و فرزندان عبدالوهاب به قاهره تبعید شدند^۱ و بدین صورت سلطنت خاندان سعودی منقرض شد.

پیامدهای لشکرکشی به مصر

نفوذ فرهنگ غربی و باز شدن پای اروپاییان به عربستان، استقرار ارتضی انگلیس در بحرین در سال بعد (۱۲۳۶ / ۱۸۲۰) و برخاستن موج پان عربیسم در

۱ - صقر الجزیره، ج ۱، ص ۶۵

میان اعراب از پیامدهای این لشکرکشی بود.

سال‌های فترت (۱۲۳۴ - ۱۲۳۰ ه. ق)

ابراهیم پاشا حکمرانی نجد را به اسماعیل پاشا واگذار کرد و او از سوی خود افسری به نام خالد پاشا را که مردی خوشگذران، ستمکار و ضعیف بود، روانه نجد کرد. صحرانشینان نجدی با استفاده از ضعف خالد پاشا به جان هم افتاده، دوباره به غارتگری قبایل دیگر پرداختند.

دولت دوم آل سعود (۱۳۰۹ - ۱۲۳۵ ه. ق)

۵. مشاری بن سعود (۱۲۳۵ - ۱۲۳۵ ه. ق)

مشاری بن سعود تلاش برای برپایی مجدد حکومت آل سعود را پی گرفت. ابتدا حاکم در عیه به نفع وی کنار رفت، ولی پس از چندی با جمع آوری سپاهی به او حمله نموده، وی را دستگیر کرد.

۶. ترکی ابن عبدالله (۱۲۴۹ - ۱۲۴۰ ه. ق)

در سال ۱۲۳۵ ه. ق / ۱۸۱۹ م. ترکی^۱ پسر عبدالله بن سعود با تصرف ریاض و عارض، ارتش مصر را از این دو شهر بیرون راند و با همراه ساختن اعراب جبل شمّر و مطیر، در سال ۱۲۴۰ ه. ق دولت دوم خاندان آل سعود را بنیان نهاد.

در سال ۱۲۴۲ ه. ق / ۱۸۳۳ م. فیصل بن ترکی از مصر گریخته، به پدر پیوست و به یاری او احساء و قطیف را نیز گرفت و ترکان عثمانی را از وادی حنیفه بیرون راند. با انعقاد پیمان مشایخ قبایل شمّر و حائل با وی کار سعودیان رونق بیشتری گرفت. اما پسر عموهای ترکی به فرماندهی مشاری بر او تاختند و

۱ - از زمان ترکی بن عبدالله بن محمد بن سعود، امارت سعودی از اولاد عبدالعزیز به اولاد برادرش عبدالله منتقل شد و تا امروز در همین نسل باقی است.

ترکی را به قتل رساندند و مشاری در ریاض به امارت نشست.

۷. فیصل بن ترکی (۱۲۵۴ - ۱۲۵۰ ه. ق)

در سال ۱۲۴۹ ه. ق / ۱۸۸۷ م. فیصل پسر ترکی به کمک آل رشید، ریاض را باز پس گرفت و مشاری را به قتل رسانده، خود به جای او به تخت نشست. با اطلاع یافتن محمد علی پاشا حاکم مصر از این حادث، خورشید پاشا را به نجد اعزام کرد. وی ریاض را تصرف و فیصل بن ترکی را با جمعی از بستگانش دستگیر و به قاهره تبعید کرد.

۸. خالد بن سعود (۱۲۵۷ - ۱۲۵۴ ه. ق)

محمد علی پاشا، در سال ۱۲۵۴ / ۱۸۳۸ م خالد بن سعود را به جای فیصل منصب کرد. وی تا سال ۱۲۵۷ ه. ق حکومت کرد. اما اعراب بر وی شوریدند، خالد سال‌ها در عربستان سرگردان بود تا این که به سال ۱۲۷۸ ه. ق در جدّه درگذشت.^۱

۹. عبدالله بن ثنيان (۱۲۵۷ - ۱۲۵۹ ه. ق)

پس از سقوط خالد، عموزاده وی عبدالله بن ثنيان به مدت دو سال حکومت کرد. اعلام استقلال حکومت مصر از دولت عثمانی، فشار روس و انگلیس محمد علی پاشا را ناچار ساخت ارتش خود را از جزیره العرب فراخواند.

۱۰. فیصل بن ترکی؛ دوره دوم (۱۲۸۲ - ۱۲۵۹ ه. ق)

پس از فراخوانی لشکر مصر، فیصل بن ترکی فرصت را غنیمت شمرده، از

^۱ - بعضی سال وفات خالد بن سعود بن عبدالله را ۱۲۵۷ ه. ق. و محل فوت‌ش را مکّه نوشته‌اند. الأعلام زرکلی، ج ۳، ص ۳۳۷

قاهره به نجد آمد و برای دومین بار تا سال ۱۲۸۲ ه. ق در ریاض به حکومت پرداخت و در سال ۱۲۸۲ ه. ق درگذشت.

۱۱. عبدالله بن فیصل؛ دوره اوّل (۱۲۸۸ - ۱۲۸۲ ه. ق)

پس از فیصل، فرزندش عبدالله بر مسند قدرت نشست ولی با برادرش سعود بر سر جانشینی پدر کشمکش داشت. با همدمتی قبیله عجمان و سعود، عبدالله به ابن رشید و پاشا والی بغداد پناه برد و با کمک آنها به منطقه احساء حمله کرد.

۱۲. سعود بن فیصل (۱۲۹۱ - ۱۲۸۸ ه. ق)

با قدرت یافتن سعود، همچنان جنگ و درگیری میان سعود و عبدالله ادامه یافت. در این دوران، آل رشید برخی از شهرهای اطراف را تصرف کرد و شیخ کویت نیز دست اندازی هایی را به نجد آغاز کرد. ارتش عثمانی نیز در سال ۱۲۸۸ ه. ق به کمک کویتی ها، منطقه احساء و قطیف را تصرف کرده، آن را به بصره ضمیمه نمود. سعود در سال ۱۲۹۱ ه. ق درگذشت.

۱۳. عبدالرحمن بن فیصل؛ دوره اوّل (۱۲۹۱ - ۱۲۹۳ ه. ق)

پس از سعود، برادرش عبدالرحمن بن فیصل به حکومت ریاض دست یافت ولی با مخالفت فرزندان برادرش سعود مواجه شد، از برادرش عبدالله بن فیصل که در عتیبه اقامت داشت، تقاضای کمک کرد. عبدالله با سپاهی گران به ریاض آمد و با بیعت عبدالرحمن، عبدالله برای دومین بار قدرت را در دست گرفت.

۱۴. عبدالله بن فیصل؛ دوره دوم (۱۲۹۳ - ۱۳۰۷ ه. ق)

ملک عبدالله برای بسط قدرت خود، به قبایل منطقه مجمعه یورش برد ولی با حرکت سپاهیان آل رشید که با آن قبایل پیمان دفاعی داشتند، ملک عبدالله به

ریاض بازگشت. ولی بار دیگر در سال ۱۳۰۱ هـ. ق به منطقه مجمعه حمله کرد و لی با مقابله سپاهیان ابن رشید موافقه شده، ملک عبدالله به ریاض گریخت و با آل رشید به مصالحه پرداخت ولی فرزندان برادرش ملک سعود او را دستگیر و زندانی کردند.

ابن رشید به بهانه آزادسازی ملک عبدالله، ریاض را تصرف و برادرش عبدالرحمن را اسیر کرد و به حائل فرستاد و پس از مدتی، بر اساس تقاضای اسیران، آن دو را به ریاض بازگرداند. امیر عبدالله پس از بازگشت به ریاض، در سال ۱۳۰۷ هـ. ق در گذشت.

۱۵. عبدالرحمن بن فیصل؛ دوره دوم (۱۳۰۹ - ۱۳۰۷ هـ. ق)

عبدالرحمن پس از بازگشت به ریاض، با طرح قبلی با یاران خود به دیدار ابن سهبان امیر ریاض رفت و در حمله‌ای برق آسا، همراهان ابن سهبان را کشته، او را دستگیر و زندانی ساخت. با بیعت مردم ریاض با عبدالرحمن، وی برای بار دوم در ریاض قدرت یافت.

ابن رشید با اطلاع از تحولات، به مقابله برخاست و با تاکتیکی حساب شده، لشکریان عبدالرحمن را تار و مار ساخت و ریاض را محاصره نمود.^۱ عبدالرحمن با گریختن از ریاض، نخست به یکی از قبایل عجمان پناه برد، سپس به بیابان‌های «الربع الخالی» رفت. شیخ کویت ابتدا اقامت او را نپذیرفت ولی بعد از چندی با موافقت مقامات عثمانی، ده سال با عسرت بسیار در کویت اقامت یافت. عبدالرحمن در این ایام، یک بار برای پس گرفتن ریاض به عشاير قحطانی و آل رشید حمله برد، ولی شکست خورد.

۱ - صلاح الدین المختار، تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۸۵.

بدین سان دولت دوم سعودی نیز به دست خاندان آل رشید منقرض گشت. ابن رشید نیز به سال ۱۳۱۵ در حائل وفات نمود ولی حاکمیت آل رشید توسط جانشینان وی ادامه یافت.

دولت سوم آل سعود (۱۳۱۹ هـ. ق تا کنون)

۱۶. عبدالعزیز بن عبدالرحمن (۱۳۷۳ - ۱۳۱۹ هـ. ق)

عبدالعزیز بن عبدالرحمن که تجربه همراهی پدر در گریختن از ریاض و مهاجرت به بیابان‌های الریع الخالی، احساء و زندگی مرارت بار کویت او را آزرده ساخته بود و چشم طمع شیخ کویت به نجد، تلاش روس‌ها به تسلط بر راه دریایی هند، کوشش آلمانی‌ها برای اتصال راه آهن برلین به کویت، سعی انگلیسی‌ها برای بسط نفوذ در عربستان را می‌دید، در بیست سالگی و علی‌رغم مخالفت پدر و امیر کویت به همراه نوزده تن از خویشان و دوستان به سوی سرزمین نجد به راه افتاد و بیست نفر را با خود همراه کرد و با این جمع چهل نفری به سوی ریاض عزیمت کردند و در سال ۱۳۱۹ هـ. ق / ۱۹۰۱، با بیست و نه تن از یارانش که به شمشیر و تپانچه مسلح بودند با اقدامی غافل گیرانه، به قلعه ریاض که «المُصَمَّك» نام داشت، حمله و عجلان حاکم منصوب ابن رشید و تعدادی از محافظان قلعه را کشته و آن را تصرف کردند.

بدین ترتیب شهر ریاض روز چهارشنبه چهارم شوال ۱۳۱۹ هـ. ق برابر با دوازدهم ژانویه ۱۹۰۲ م به تصرف عبدالعزیز بن عبدالرحمن در آمد و تمامی اموال، سلاح‌ها، اسباب و شتران ابن رشید به دست این امیرزاده سعودی افتاد. با بیعت مردم ریاض با عبدالعزیز برای بار سوم سلطنت آل سعود در ریاض بر پا شد. عبدالعزیز ارتش عثمانی و سپاه آل رشید را در سال ۱۳۲۴ هـ. ق / ۱۹۰۶ که به مقابله آمده بودند، شکست داد و پس از غلبه بر آل رشید بر سراسر نجد استیلا یافت و حمله اعراب کویتی را که به تحریک شیخ مبارک الصباح و

عثمانی‌ها به جنگ وی آمده بودند، دفع کرد.

عبدالعزیز در سال ۱۳۳۰ ه. ق / ۱۹۱۲ از میان جوانان تندخو و شجاع صحرا، سپاهی با انصباط، تعلیم یافته و معتقد به وهابیت به نام «اخوان» که امروز گارد ملی (حرس وطنی) را نامیده می‌شوند، تأسیس کرد و با تکیه بر آن، قدرت خود را بسط داده، فتوحات بسیاری نمود.

او در سال ۱۳۳۱ ه. ق / ۱۹۱۳ استان احساء، قطیف، هُفوف و سراسر منطقه شرقی عربستان را از ترکان عثمانی گرفت و به تدریج تا سال ۱۳۳۹ ه. ق / ۱۹۲۱ اراضی شمالی عربستان را نیز به تصرف خود درآورد.

انگلستان به منظور دست یابی به اهداف استعماری و بسط نفوذ خود در جهان اسلام، از یک سو عبدالعزیز را به عنوان حکمران مستقل نجد به رسمیت شناخت و کمک مالی فراوانی هم به او نمود^۱ و از سوی دیگر به امیران مکه و عده تشکیل یک کشور پادشاهی بزرگ عربی را داد که کشورهای سوریه، عراق و فلسطین را در بر گیرد و همزمان طی اعلامیه مشهور «بالفور»، فلسطین را به یهودیان وعده نمود.

در این دوران «تی. ای. لورنس» که با آموختن فرهنگ و لهجه‌های مختلف زبان عربی و پوشیدن لباس عربی به لورنس عربستان شهرت یافته بود، به عنوان رایزن نظامی انگلستان برای رهبران عرب حجاز کار می‌کرد. حجاز در آن زمان تحت سلطه عثمانی بود و دولت عثمانی به دلیل اتحاد با آلمان، دشمن انگلستان محسوب می‌شد. در عربستان، در این دوران لورنس برای پیشبرد اقدامات نظامی انگلستان و منافع شخصی خود با بسیاری از رهبران عرب، روابط نزدیک برقرار کرده بود.

اکنون وقت آن بود که انگلستان، دولت ریاض و حجاز را به جان هم بیندازد؛

۱ - برای اطلاعات بیشتر ن. ک. : نجده فتحی صفوه، الجزیره العربيه فى الوثائق البريطانية.

لذا به عبدالعزیز پیشنهاد کرد که شریف حسین امیر مکه را از حجاز بیرون راند، شریف حسین نیز با غرور و نخوتی که داشت، از حج گزاردن مردم نجد جلوگیری کرد و بدین سان روابط ریاض و حجاز به تیرگی گرایید.

هاشمیان حجاز با وعده بریتانیا در مورد حکومت بر منطقه هلال خصیب، از خطر آل سعود غافل شده بودند و عبدالعزیز پس از گرفتن فتوا از شورای علمای وهابی مبنی بر محکومیت شریف حسین و شایستگی عبدالعزیز برای اداره امور حرمین در سال ۱۳۴۱ هـ. ق/ ۱۹۲۳ م مقدمات لازم برای تهاجم را تهییه و در سال ۱۳۴۲ هـ. ق/ ۱۹۲۴ م با لشکری بزرگ به حجاز حمله نمود و بعد از کشتارهای طائف و مدینه، ملک حسین، شریف مکه را که به نفع فرزندش علی کناره گیری کرده بود، شکست داد و شهر مقدس مکه و مدینه و سایر بلاد حجاز را تصرف کرد.

با توطئه تازه انگلیسی‌ها برای ایجاد و توسعه منازعات خونین میان اعراب، یگان‌هایی از ارتش اردن به حجاز فرستاده شد که بر منطقه معان - عقبه دست انداخت. در نوامبر ۱۹۲۵ م بریتانیا انعقاد پیمانی با اردن را به آل سعود تحمیل کرد که بر اساس آن، باید ریاض از دشتی که نجد و سوریه را به هم وصل می‌کرد، چشم پوشیده و آن را به اردن واگذار می‌نمود.

انگلستان در برابر کسب حق داوری در باره اختلافات مرزی نجد و عراق کمک مالی خود را به فرمانروای تازه حجاز، شریف علی قطع نمود.

سعودیان در سال ۱۹۲۶ م امیر حسن را از عسیر بیرون راندند و با جانشین او پیمان بستند اما پس از چهار سال منطقه عسیر را به حکومت خود ملحق کردند. پس از این تصرفات، نخست عبدالعزیز ابن سعود خود را «پادشاه حجاز و نجد» نامید ولی در تاریخ هفدهم جمادی الاولی سال ۱۳۵۱ / ۱۹۳۹ به موجب فرمانی اساساً نام کشور را به خاندان سعودی منتب کرد و کشور را «المملکة العربية السعودية» نام نهاد و پایتخت آن را شهر

ریاض قرار داد.

بعد از فتح حجاز، وی به فکر رهبری جهان اسلام و تشکیل وحدت اسلامی و وحدت عربی افتاد. بعد از جنگ‌های سختی که در سال ۱۳۵۳ ه. ق با حسن ادريسی فرمانروای تهame و امام یحیی حاکم یمن کرد، آن دو نیز عملًا مطیع ابن سعود شدند.^۱

کشف نفت، سرآغاز فصلی نوین: پیدا شدن نفت در منطقه شرقی عربستان که امتیاز استخراج آن را به کمپانی آمریکایی استاندارداویل و سپس شرکت «آرامکو» واگذار کرد، فصل نوینی را رقم زد.

از سال ۱۳۵۸ ه. ق / ۱۹۳۹ صدور نفت سعودی به کشورهای غربی آغاز شد و درآمد آن موجب آبادانی عربستان و ثروت بی کران سعودیان گردید.

ابن سعود با تکیه بر مذهب وهابیت و بر اساس آداب قبیله‌ای، به وسیله رؤسای قبایل صحراء‌گرد، آنها را در اختیار گرفت و با ازدواج با دختر سران قبایل، با آنان پیوند سببی ایجاد نمود و تعداد سی پسر و بسیاری دختر از زنان گوناگون باقی گذاشت و از این طریق حاکمیت خود بر عربستان را تضمین نمود. در شانزدهم محرم ۱۳۵۳ هجری برابر ۱۱ مه ۱۹۳۳ ميلادی عبدالعزیز با تصویب شورای علمای وهابی، پسرش سعود سوم را به عنوان ولی‌عهد اول و پسر دیگرش فیصل را به عنوان ولی‌عهد دوم و وزیر امور خارجه تعیین کرد. گفتنی است طبق وصیت ملک عبدالعزیز، پسرانش به ترتیب سن، به پادشاهی می‌رسند.

ملک عبدالعزیز در سال ۱۳۷۳ ه. ق برابر نهم نوامبر ۱۹۵۳ م. پس از ۵۴ سال حکومت بر عربستان، در شهر طائف درگذشت.

۱۷. ملک سعود بن عبدالعزیز (۱۳۸۴ - ۱۳۷۳ ه. ق)

پس از درگذشت عبدالعزیز، فرزند بزرگش ملک سعود سوم به سلطنت رسید؛

۱ - برای تفصیل بیشتر ن. ک. : ملوک العرب ریحانی، ج ۱، ص ۷۶ - ۳۹۲ و صقر الجزیره، ج ۳، ص ۴۵۳.

وی گرچه برادرش فیصل را به عنوان ولیعهد اول منصوب نمود، ولی با او در چگونگی فرمانروایی اختلاف و رقابت داشت.

وی در بحران مالی سال ۱۹۵۸ میلادی = ۱۳۷۸ هـ. ق به ناچار قوه مجریه را به فیصل سپرد، اما چندی بعد او را عزل کرد. ولی در سال ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ م بار دیگر فیصل عهده دار قوه مجریه گردید.

ملک سعود مدت یازده سال قدرت را در دست داشت، تا آن که امیر فیصل به هنگام سفر وی به خارج برای معالجه، با جلب نظر مجلس الاسرة المالکه (شورای سلطنتی خاندان سعودی)، در سال ۱۳۸۴ هـ. ق / ۱۹۶۴ م. برادرش را از سلطنت خلع نمود و خود زمام امور را به دست گرفت.

۱۸. ملک فیصل بن عبدالعزیز (۱۳۹۵ - ۱۳۸۴ هـ. ق.)

ملک فیصل سمت نخستوزیری و وزارت خارجه را خود بر عهده گرفت و برادرش خالد را ولیعهد اول و نایب نخست وزیر و برادر دیگرش فهد را ولیعهد دوم تعیین کرد و به دلیل دوراندیشی و حوصله وی و رشد قیمت نفت، عربستان رو به رشد اقتصادی و برقراری روابط دوستانه با همه دولتها نهاد.

اعزام سربازان سعودی برای مدد رسانیدن به اردن در جنگ اعراب و اسرائیل، در سال ۱۹۶۷ م، شرکت در تحریم نفتی اعراب بر ضد حامیان اسرائیل و تکرار این تحریم در جنگ‌های سال ۱۹۷۳ م از اقدامات او بود. ملک فیصل در سال ۱۹۷۵ میلادی به طرز مشکوکی به دست یکی از برادرزادگانش کشته شد.

۱۹. ملک خالد بن عبدالعزیز (۱۴۰۲ - ۱۳۹۵ هـ. ق.)

پس از کشته شدن ملک فیصل، برادرش خالد به پادشاهی رسید. ولی به دلیل بیماری و ضعف، بیشتر کارها را به ولیعهد خود امیر فهد واگذار نمود. او پس از هفت سال، بدون اقدام مهمی به سال ۱۴۰۲ هـ. ق در گذشت.

۲۰. ملک فهد بن عبدالعزیز (۱۴۲۶ - ۱۴۰۲ ق)

با مرگ خالد، برادرش فهد پادشاه عربستان شد. وی ریاست هیأت دولت و پست نخستوزیری را خود عهده دار گردید و برادرش امیر عبدالله را ولیعهد اول و برادر دیگرش امیر سلطان را ولیعهد دوم و وزیر دفاع و هواییمایی و برادرزاده اش سعود بن فیصل را به پست وزارت خارجه تعیین نمود.

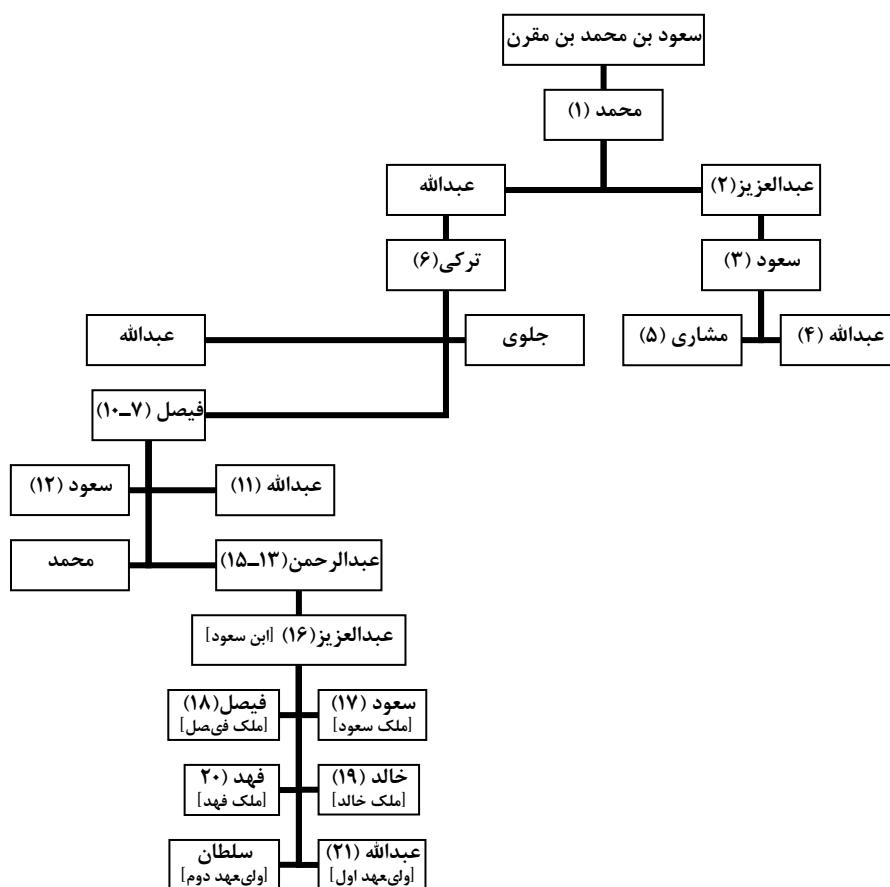
ملک فهد، عنوان «**جلالة الملك**» را از ابتدای نام خود حذف کرد و به جای آن لقب «**خادم الحرمين الشريفين**» را برگردید. مسجدالحرام و مسجد نبوی را توسعه بخشید و برای ترویج آیین وهابیت کوشش بسیار نمود و روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی با جهان غرب را صمیمیت بیشتری بخشید. او در تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و تأسیس اتحاد نظامی «**درع الجزیره = سپر جزیره**» پیشگام و در تقویت اتحادیه عرب تلاش بسیار نمود. وی در سال ۲۰۰۵ میلادی دار فانی را وداع نمود.

۲۱. ملک عبدالله بن عبدالعزیز (تا کنون - ۱۴۲۶ ق)

پس از سکته مغزی ملک فهد در سال ۱۹۹۵ م، امیر عبدالله عملاً زمام امور را به دست گرفت، وی پس از مرگ ملک فهد در سال ۲۰۰۵ میلادی به طور رسمی پادشاه کشور شد. وی برادرش امیر سلطان را با حفظ سمت پیشین، به ولیعهدی منصوب نمود.

نژادنامه خاندان سعودی

اینک نژادنامه آل سعود و فهرست کامل دولت‌های سه گانه سعودی با سالهای
و مدت حکومت هر یک تقدیم می‌شود:



شماره ۱ تا ۴ حاکمان دولت اول سعودی

شماره ۵ تا ۱۵ حاکمان دولت دوم سعودی

شماره ۱۶ تا ۲۱ حاکمان دولت سوم سعودی

حاکمان دوره اول آل سعود

۱. محمد بن سعود: ۱۱۳۹ الی ۱۱۷۹ ق. به مدت ۴۰ سال
۲. عبدالعزیز بن محمد: ۱۱۷۹ الی ۱۲۱۸ ق. به مدت ۳۹ سال
۳. سعود بن عبدالعزیز: ۱۲۱۸ الی ۱۲۲۹ ق. به مدت ۱۱ سال
۴. عبدالله بن سعود: ۱۲۲۹ الی ۱۲۲۳ ق. به مدت ۵ سال

حاکمان دوره دوم آل سعود

۵. مشاری بن سعود: ۱۲۳۵ الی ۱۲۳۵ ق. به مدت کمتر از یک سال
۶. تركی بن عبدالله: ۱۲۴۰ الی ۱۲۴۹ ق. به مدت ۱۰ سال
۷. فیصل بن تركی (دوره اول): ۱۲۵۰ الی ۱۲۵۴ ق. به مدت ۴ سال
۸. خالد بن سعود: ۱۲۵۴ الی ۱۲۵۷ ق. به مدت ۳ سال
۹. عبدالله بن ثنیان: ۱۲۵۷ الی ۱۲۵۹ ق. به مدت ۲ سال
۱۰. فیصل بن تركی (دوره دوم): ۱۲۵۹ الی ۱۲۸۲ ق. به مدت ۲۳ سال
۱۱. عبدالله بن فیصل (دوره اول): ۱۲۸۲ الی ۱۲۸۸ ق. به مدت ۶ سال
۱۲. سعود بن فیصل: ۱۲۸۸ الی ۱۲۹۱ ق. به مدت ۳ سال
۱۳. عبدالرحمن بن فیصل (دوره اول): ۱۲۹۱ الی ۱۲۹۳ ق. به مدت ۲ سال
۱۴. عبدالله بن فیصل (دوره دوم): ۱۲۹۳ الی ۱۳۰۷ ق. به مدت ۱۴ سال
۱۵. عبدالرحمن بن فیصل (دوره دوم): ۱۳۰۷ الی ۱۳۰۹ ق. به مدت ۲ سال

حاکمان دوره سوم آل سعود

۱۶. ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن: ۱۳۱۹ الی ۱۳۷۳ ق. به مدت ۵۴ سال
۱۷. ملک سعود بن عبدالعزیز: ۱۳۷۳ الی ۱۳۸۴ ق. به مدت ۱۱ سال
۱۸. ملک فیصل بن عبدالعزیز: ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۵ ق. به مدت ۱۱ سال
۱۹. ملک خالد بن عبدالعزیز: ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ ق. به مدت ۷ سال

۲۰. ملک فهد بن عبدالعزیز: ۱۴۰۲ الی ۱۴۲۶ق. به مدت ۲۴ سال

۲۱. ملک عبدالله بن عبدالعزیز: ۱۴۲۶ق. تا کنون

۳. دوران معاصر عربستان

سیمای نظام سیاسی معاصر عربستان به شرح ذیل است:

الف. قانون اساسی

این کشور قانون اساسی خود را قرآن معرفی می‌نماید، ولی در سال ۱۴۱۲ ه. ق = ۱۹۹۲ میلادی به فرمان ملک فهد دارای سه قانون اساسی، قانون مجلس شورا و قانون مناطق ایالتی شد.

قوانين سه گانه عربستان سعودی، در برگیرنده ۸۳ اصل است و در بند اول آن، چنین آمده است:

«ملکت عربستان سعودی، دولتی عربی، اسلامی و دارای استقلال کامل است و دین آن اسلام و قانون اساسی اش کتاب الله و سنت پیامبر و زبان رسمی آن عربی و پایتختش ریاض است.».

ب. ساختار سیاسی

۱- قدرت مطلقه پادشاه

پادشاه بالاترین مقام سیاسی و رئیس دولت و هیأت وزیران و نخست وزیر می‌باشد و قوه مقننه و قضائیه را نیز هدایت می‌کند.

در اصل پنجم در باره سیستم حکومتی عربستان چنین آمده است:

«سیستم حکومتی در مملکت عربستان سعودی، پادشاهی است و حکومت در فرزندان پادشاه بنیان گذار، عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل آل سعود و

فرزندانش موروثی است و با صالحین آنان برای حکومت بر مبنای کتاب الله و سنت پیامبر بیعت می‌شود.»

دیوان سلطنتی که دفتر اجرایی و شخصی پادشاه است و شامل دفتر مشاوران سیاست داخلی، خارجی، روابط بدویان، پژوهش‌های دینی، کمیته اخلاقیات عمومی و تشریفات می‌شود، در ریاض قرار دارد و دیدارهای عمومی با مردم و بار عام شاه نیز در آن مکان انجام می‌گیرد.^۱

۲- ولیعهد

یکی از برادران شاه به عنوان ولیعهد و نایب اول رئیس شورای وزیران انتخاب می‌شود و در غیاب شاه، ریاست جلسه هیأت وزیران را بر عهده دارد. پس از مرگ شاه، ولیعهد با تأیید شورای خانوادگی آل سعود به حکومت می‌رسد.

۳- شورای خاندان حاکم

مجلس خانوادگی آل سعود یا (مجلس الامارة المالکه) که اعضاش از وابستگان خاندان آل سعود، متفذان و ثروتمندان قبایل هستند، در تعیین مسائل کلی، ترسیم خطوط کلی و تعیین پادشاه نقش دارد. با رأی این مجلس، در سال ۱۹۶۵ م. ملک سعود تحت عنوان عدم لیاقت عزل و ملک فیصل به عنوان پادشاه نصب گردید، ولی در اغلب موارد نقش این مجلس، مشورتی بوده است.

۴- قوای سه گانه

عربستان دارای سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه است. در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است:

۱ - گودوین، عربستان سعودی، ص ۶۴

«قوای دولت بر سه قوه استوار است: قوه قضائیه، قوه مجریه و قوه مقننه؛ این سه قوه در انجام وظایف خود بر مبنای این قانون و دیگر قوانین، هماهنگی به عمل می‌آورند و پادشاه مرجع تمام این قوا می‌باشد.»

الف- قوه مقننه

اولین مجلس شورا به فرمان ملک فهد در سال ۱۹۹۲م با عضویت ۶۰ نفر تشکیل شد. دوره دوم در ۱۹۹۶م با عضویت ۹۰ نفر و دوره سوم با عضویت ۱۲۰ نفر و دوره اخیر با حضور ۱۵۰ نفر تشکیل شده است. این مجلس در دوره‌های اول و دوم صرفاً مشورتی بود، ولی در دوره سوم در مواردی به تصمیم‌گیری پرداخت. اعضای این مجلس به مدت چهار سال هجری قمری توسط پادشاه تعیین و مردم در انتخاب آنان نقشی ندارند.

«رئیس مجلس شورا و معاون و دبیر کل مجلس و برکناری آن به دستور پادشاه انجام می‌پذیرد و حقوق و وظایف آنان توسط فرمان پادشاهی تعیین می‌شود.»

این مجلس دارای یازده کمیسیون تخصصی است و هیأت رئیسه آن، شامل رئیس و معاونان کمیسیون‌های یازده گانه است. در صورت بروز اختلاف در مصوبات این مجلس مشورتی با مصوبات هیأت وزیران، تصمیم گیرنده نهایی، پادشاه است.^۱

ب- قوه قضائیه

وزارت عدل یا دادگستری در این کشور، در سال ۱۳۸۲ هـ. ق در زمان ملک فیصل تشکیل شد. وزیر دادگستری اغلب یکی از اعضای خانواده آل شیخ محمد

^۱ - اصل ۳، ۱۰، ۱۳ و ۱۷ قانون مجلس شورا.

بن عبدالوهاب است. در سال ۱۳۹۰ وزیر، به منصب قاضی القضاة نیز منصوب گردید.

این وزارتخانه شامل شورای عالی قضایی، دادگاه عالی استیناف، دادگاه‌های عمومی، دادگاه ویژه و دادگاه خاص می‌باشد.

۱- شورای عالی قضایی (مجلس القضاة الاعلى) : اعضای این دیوان، یازده نفرند که پنج نفر آن دائمی هستند و توسط شاه انتخاب می‌شوند. تمام دادگاه‌های کشور زیر نظر شورای عالی هستند و تجدید نظر در مورد مجازات اعدام و بریدن دست در این شورا صورت می‌گیرد. تصمیم دیوان عالی به عنوان رأی نهایی تلقی می‌شود و حکم صادره جهت اجرا به دایره مربوطه ارسال می‌شود.

۲- دادگاه عالی استیناف (محکمة التمييز) : اعتراض متهم نسبت به حکم صادره از دادگاه محلی، در مسائل گوناگون کیفری، حقوقی، جناحی و شخصی در دادگاه عالی استیناف بررسی می‌گردد. گاه همان نظر اوّلیه تأیید و گاه جهت بررسی و صدور حکم مجدد، به دادگاه محلی ارجاع می‌شود.

بررسی پرونده‌ها در دادگاه عالی بدون حضور هیچ یک از طرفین دعوا یا وکیل آنها صورت می‌پذیرد. در صورتی که به حکم صادره توسط دادگاه عالی نیز اعتراض شود، پرونده به دیوان عالی ارجاع داده می‌شود و آن دیوان، ظرف یک ماه پرونده را بررسی و حکم قطعی را صادر می‌نماید.

۳- دادگاه عمومی: در دادگاه عمومی یک قاضی که از طرف وزیر دادگستری نصب می‌شود، انجام وظیفه می‌کند. ولی پرونده‌های منجر به حکم رجم، بریدن دست و اعدام، با حضور سه قاضی بررسی می‌شود.

۴- دادگاه ویژه (محکمة الجوزيه) : این دادگاه، تحت نظر پادشاه است و از طرف وزیر دادگستری جهت رسیدگی به امور ویژه تشکیل می‌شود. یک قاضی دارد و کیفیت کار آن مثل دادگاه‌های عمومی است.

۵- دادگاه خاص (المحکمة الخاصة للاحوال الشخصية) :

این دادگاه به شکایات از حکمرانان، استانداران، پلیس یا دادگاههای محلی رسیدگی می‌کند.

طبق قانون این دادگاه باید در بررسی حقوق شاکیان و دعاوی، علنی، مستقل و بی‌طرف باشد، اما در عمل، فاقد استقلال و کاملاً تحت نفوذ است.
بر اساس قوانین عربستان، جرایمی همانند قتل، حمله به اسلام، زنا، تجاوز به عنف، سرقت مسلح، خرابکاری و از سال ۱۹۸۷ به بعد، قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام را به دنبال دارد.

اعتقاد و باور دینی، ترس از برخورد شدید پلیس و مجازات، آمار بزهکاری در عربستان را نسبت به میزان وقوع جرم در سایر کشورهای مدنی کاهش داده است و جرایمی همچون درگیری‌های خیابانی توأم با زد و خورد، قتل، آتش زنی، جعل و کلاهبرداری بسیار کم است.

همچنین رواج داوری‌های قبیله‌ای و حل و فصل دعاوی توسط رئیس و بزرگترهای قبیله و فضا و جو ترس حاکم بر مردم، موجب خلوت بودن دادگاههای عربستان شده است.

فقدان نظام حقوقی مدون و عدم تبیین حقوق شهروندی، اعمال نابرابر قانون در مورد بیگانگان و اتباع کشور، نفوذ و تأثیر حاکمان و متنفذان در صدور حکم، از مهم‌ترین چالش‌های سیستم قضایی عربستان است.

ج- قوه مجريه

پس از شاه که ریاست هیأت وزیران و پست نخست وزیری را بر عهده دارد، هیأت وزیران عالی ترین قدرت اجرایی می‌باشد.

هیأت وزیران: نخستین هیأت وزیران به فرمان ملک عبدالعزیز در سال ۱۹۵۳ میلادی = ۱۳۷۳ هـ. ق تشکیل شد. در سال ۱۹۹۳ ملک فهد نظام‌نامه

جدیدی برای هیأت وزیران مقرر نمود. اکنون هیأت وزیران ۴۰ عضو به شرح ذیل دارد:

۱. پادشاه: رئیس هیأت وزیران و نخست وزیر ۲. نایب رئیس اول: ولیعهد و وزیر دفاع و هواییمایی و بازرگانی کل ۳. وزیر کشاورزی و آب ۴. وزیر تجارت ۵. وزیر راه ۶. وزیر آموزش و پرورش ۷. وزیر دارایی و اقتصاد ملی ۸. وزیر خارجه ۹. وزیر بهداشت ۱۰. وزیر آموزش عالی ۱۱. وزیر صنعت و برق ۱۲. وزیر تبلیغات ۱۳. وزیر کشور ۱۴. وزیر دادگستری ۱۵. وزیر کار و امور اجتماعی ۱۶. وزیر نفت و معدن ۱۷. وزیر حج ۱۸. وزیر اوقاف و امور اسلامی ۱۹. وزیر پست و تلگراف و تلفن ۲۰. وزیر برنامه ریزی ۲۱. وزیر مسکن ۲۲. وزیر امور شهر و روستا ۲۳ - ۲۵ سه وزیر مشاور بدون وزارتاخانه. افرون بر آنان، رؤسای برخی از مؤسسات دولتی همچون رئیس سازمان جوانان، دیوان محاسبات عمومی، خدمات اجتماعی و رئیس هیأت رقابت و تحقیق و ... در هیأت وزیران شرکت می‌کنند.

اعضاي هیأت وزیران از سه دسته تشکیل یافته‌اند:

۱. **شاه و شاهزادگان** که وزارتاخانه و ارگان‌های مهم دفاع، خارجه، کشور و ... را در اختیار دارند.

۲. **تکنوکرات‌ها و تحصیل‌کرده‌های خارج** که مدیریت وزارتاخانه‌های تخصصی را بر عهده گرفته‌اند.

۳. **مذهبی‌های سنتی** که وزارت خانه‌های فرهنگی، آموزشی و قضایی را اداره می‌کند و اغلب از نوادگان محمد بن عبدالوهاب معروف به «آل شیخ» هستند.

محل تشکیل جلسه هیأت دولت در ریاض، کاخ «الیمامه» و در جده، کاخ «السلام» می‌باشد و پادشاه حق دارد تا ۳۰ روز بعد، مصوبات هیأت دولت را لغو کند.

استانداران یا امیران مناطق: پس از هیأت دولت، عالی‌ترین مقام اجرایی در هر منطقه = استان، استانداران و امیران مناطق سیزده‌گانه هستند که از سوی پادشاه منصوب می‌گردد و وظیفه اجرای سیاست کلی و امور اجرایی را بر عهده دارد و از اختیارات تام برخوردار است.

ج. سیاست داخلی

عربستان تا کنون از حزب سیاسی، آزادی بیان و انتخابات برای تعیین مسؤولان حکومتی برخوردار نبوده است. بلکه به گفته فیلیپ گودوین، جامعه عربستان و سیاست‌های آن حتی از دهه‌های پیش هم محافظه کارانه‌تر شده است.

راهبردهای اساسی سیاست داخلی این کشور، سعودی کردن مردم با ساختن یک ملت و ملیت به نام یک خاندان، نهادینه سازی آموزه‌های وهابیت، کنترل عملیات تروریستی و برقراری امنیت و جایگزینی کارگزاران سعودی به جای اتباع خارجی است.

حوادث یا چالش‌هایی همچون اشغال کعبه در سال ۱۹۷۹ م، کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ ه. ش، خفه شدن هزاران حاجی در تونل‌های مکه در حج سال ۱۹۹۰ م، نامه اعتراضیه علمای عربستان که در آن به نادیده گرفتن مسائل اسلامی، پنهان نگهداشتن زد و بندهای سیاسی خارجی، عدم آزادی بیان، آوردن مسیحیان و غیر مسلمانان به کشور برای حمله به کشور اسلامی (عراق) و برخورد نامناسب دولت با علمای مخالف حکومت، اعتراض شده بود، اعتراضات زنان به مقررات ممنوعیت رانندگی از چالش‌های سیاست داخلی این کشور است.

گفتگی است ملک عبدالله علی رغم ناخشنودی برخی از سنت گرایان مذهبی با تشکیل گروه گفتگوی ملی (الحوار الوطنی) با حضور برخی از روشنفکران، منتقدان، معترضان، عالمان شیعی و نمایندگان اقوام مختلف جامعه کوشیده

است فضای سنگین، بسته و خشن حاکم بر جامعه را تلطیف نماید. همچنین در خردادماه ۱۳۸۶ ه.ش. اولین همایش گفتگوی مذاهب اسلامی (الحوار الاسلامی) را برگزار نمود که امید می‌رود فضای تکفیر و مشرک خواندن مذاهب دیگر توسط وهابیون تندره را تا حدودی تغییر دهد.

همچنین در دو سال گذشته براساس تصویب هیأت دولت نیمی از اعضای شوراهای شهر را مردم انتخاب می‌کنند، ولی در انتخاب این عده نیز فقط مردان سعودی شرکت داشتند و زنان، حق^۱ حضور نیافتند.^۱

د. سیاست و روابط خارجی

راهبرد اساسی سیاست خارجی عربستان، همسویی با سیاست کشورهای غربی، گسترش روابط با دیگر کشورها، کمکهای مالی و فروش نفت ارزان به کشورهای آفریقایی و اسلامی، تلاش برای ترویج وهابیت و حمایت از طرفداران آن در کشورها، ساخت مسجد، تربیت و اعزام ائمه جماعات، چاپ و نشر گستره‌های قرآن و کتب مذهب وهابیت است.

گفتنی است عربستان با یمن بر سر منطقه نجران و جیزان^۲، با کویت و عراق بر سر مناطق بی طرف بینابین و با قطر بر سر قطع بزرگراه دوحه - ابوظبی^۳ دارای اختلافات مرزی بوده است که با تلاش گستره‌های از طریق گفتگو و پیمان‌های جدید^۴ بسیاری از موارد حل شده است. البته پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، رویکرد ملایم تری در سیاست‌های عربستان نسبت به همسایگان و کشورهای اسلامی پدید آمده است.

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۵۸.

۲ - این اختلاف در سال ۱۹۹۸ با اشغال جزیره دُؤیمه در دریای سرخ توسط سربازان یمن تشديد شد.

۳ - این اختلاف منجر به درگیری مرزی و اشغال پاسگاه الخفوس قطر توسط عربستان گردید.

۴ - به عنوان نمونه: بستن پیمان ۱۹۸۱ م با عراق.

در مورد فلسطین، عربستان در زمان ملک فیصل در تحریم نفتی اعراب شرکت نمود و به تدریج بیش از یک میلیارد دلار به کشورهای خطوط مقدم جبهه کمک کرد و پس از امضای معاهده کمپ دیوید، برای به تعليق در آوردن عضویت مصر در سازمان کنفرانس اسلامی تلاش بسیار نمود، ولی پس از کشته شدن ملک فیصل و صمیمیت بیشتر با آمریکا، به تدریج سیاست خود را تغییر داد و ملایم تر کرد. برآیند این ملایمت، طرح ۸ ماده‌ای ملک فهد بود که با طرح مذاکره با رژیم غاصب اسرائیل، به صورت ضمنی آن را به رسمیت شناخت. در این اواخر ملک عبدالله نیز طرحی برای خروج از بن بست مذاکرات به اصطلاح «صلح خاورمیانه» ارائه نمود، و در اثر حادثه تهاجم گسترده اسرائیل به غزه در اواخر دی‌ماه ۱۳۸۷، موضعی نامناسب اتخاذ نمود و مفتی کل عربستان نیز تظاهرات حمایت‌گرانه از مردم فلسطین را بی‌فائده و غیرمشروع دانست.

رابطه با جمهوری اسلامی

ارتباط ایران و عربستان سعودی، فراز و نشیب فراوانی طی نموده است که به آن اشاره می‌شود:

آغاز روابط ایران و عربستان سعودی: ۱۳۰۷ ه. ش.

گشوده شدن سفارت ایران در عربستان: ۱۳۰۹ ه. ش و تعطیلی آن در سال

۱۳۱۴

نصب سفیر ایران در مصر به عنوان سفیر آکرودیته در عربستان، درگیری حاجیان ایرانی با اتباع سعودی و اعدام یکی از حجاج ایرانی در حادثه‌ای دیگر به اتهام واهمی اهانت به خانه کعبه و قطع کامل ارتباط سیاسی: سال ۱۳۲۲ ه. ش. سفر هیأت حسن نیت عربستان و اشتغال دوباره سفیر ایران در مصر به صورت آکرودیته در عربستان: سال ۱۳۲۶ ه. ش.

انعقاد توافق نامه هایی میان دو کشور و همکاری در مسائل اوپک: ۱۳۲۷ ه. ش به بعد.

پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد روابط عادی: ۱۳۵۷ و سردی روابط بر اثر برگزاری اوّلین مراسم برائت.

تیره شدن و تنزل روابط تا سطح کاردار بر اثر شروع جنگ تحمیلی و حمایت عربستان از عراق.

بهبود اندک روابط به دلیل کمک به پایان دادن حادثه هوایی ربووده شده سعودی در تهران: سال ۱۳۶۳ ه. ش.

تیرگی روابط به علت اقدام عربستان در کاهش قیمت نفت: سال ۱۳۶۵ قطع یک جانبی روابط با ایران و به شهادت رساندن حدود ۴۰۰ تن از حجاج ایرانی در مراسم برائت: سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹ ه. ش.

فراهم آمدن زمینه بهبود روابط با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و موضع گیری عالی ایران در تجاوز عراق به کویت: ۱۳۶۹ ه. ش.

گشوده شدن سفارتخانه‌های دو کشور: فروردین سال ۱۳۷۰.

مرحله تنش زدایی و ایجاد روابط بهتر: از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶.

برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران و دیدار ملک عبدالله از تهران: سال ۱۳۷۶.

از آن پس انعقاد موافقت نامه‌ها، مسافرت رؤسای جمهوری اسلامی ایران به عربستان و دیدار امیر سلطان ولیعهد کنونی از ایران و دیدگاه مثبت ملک عبدالله و حضور ریاست جمهوری در نشست سران شورای همکاری در دوحه قطر به تاریخ ۱۲ آذرماه ۱۳۸۶ و ملاقات با ملک عبدالله، روز به روز روابط دو کشور را ارتقا بخشیده است.

ه. سیستم دفاعی عربستان

عربستان دارای چهار نیروی هوایی، دریایی، زمینی و نیروی دفاع هوایی و افرون بر آنها، دارای گارد ملی یا حرس وطنی و نیروهای شبه نظامی وزارت کشور است. فرماندهی گارد ملی را ملک عبدالله، پادشاه عربستان و وزارت دفاع و ریاست سازمان هوایپیمایی را امیر سلطان ولیعهد بر عهده دارد و نیروهای شبه نظامی تحت کنترل وزارت کشور عمل می‌کنند.

طبق آمار سال ۲۰۰۲ بودجه نظامی این کشور ۱۸ بیلیون دلار و سهم آن نسبت به کل بودجه، ۱۰٪ می‌باشد. برابر آمار موجود تعداد افراد نیروهای مسلح ۱۰۶۰۰۰ نفر شامل ۷۳۰۰۰ نیروی زمینی، ۱۱۰۰۰ نیروی دریایی، ۱۸۰۰۰ نیروی هوایی و ۴۰۰۰ نفر نیروی دفاع هوایی می‌باشند. گارد ملی نیز بیش از ۷۵۰۰۰ عضو (۵۵۰۰۰ عضو فعال و ۲۰۰۰۰ نیروی داوطلب از قبایل) دارد.^۱ این گارد در دهه‌های اخیر، نوسازی و به سلاح‌های سنگین و هلکوپتر مجهر شده است.

از نظر نظامی، عربستان به هفت منطقه فرماندهی تقسیم می‌شود:

۱. شمالی به مرکزیت تبوک
۲. جنوبی به مرکزیت ابها
۳. مرکزی به مرکزیت ریاض
۴. مدینه به مرکزیت مدینه
۵. غربی به مرکزیت جده
۶. طائف به مرکزیت طائف
۷. شرقی به مرکزیت ظهران.

درجات نظامی این کشور از عالی به پایین عبارت است از: فریق اوّل = ارتشد، فریق = سپهبد، لواء = سرلشکر، عمید = سرتیپ، عقید = سرهنگ تمام، مقدم = سرهنگ دوم، رائد = سرگرد، نقیب = سروان، ملازم اوّل = ستوان یکم، ملازم ثانی = ستوان دوم، ملازم ثالث = ستوان سوم و جندی = سرباز.

و. مؤسسات عمومی عربستان

- ۱- **دیوان محاسبات عمومی:** این دیوان در سال ۱۹۵۳ ه. ق (۱۳۷۳) به قصد نظارت بر اموال دولتی و چگونگی هزینه نمودن آنها و خدمات اجتماعی وزارتخانه‌ها تأسیس شد.
- ۲- **دیوان خدمات شهری:** این دیوان تدوین قوانین، سیاست گذاری و نظارت در مورد خدمات شهری را بر عهده دارد.
- ۳- **سازمان امور استخدامی:** این سازمان در سال ۱۹۶۴ م (۱۳۸۰) ه. ق. برای اصلاح اداری و کشوری و تحقیق در این امور به وجود آمد.
- ۴- **اداره آمار عمومی:** این تشکیلات که زیر نظر وزارت امور مالی و اقتصادی می‌باشد، به منظور آمارگیری جمعیتی و تنظیم اطلاعات تأسیس شد.
- ۵- **سازمان محیط زیست و هواشناسی:** این سازمان برای افزایش اطلاعات مطلوب آب و هوا برای نیروهای مسلح، مراکز مهم صنعتی هواپیمایی کشوری و نظارت بر امور جوئی، حفظ محیط زیست در کشور و بحر احمر و خلیج فارس، همچنین انتشار جزوات و نشریات در امور مذکور برای استفاده در دوایر دولتی و استفاده کارشناسان از این اطلاعات، تأسیس شده است.
- ۶- **هیأت عربی سعودی استاندارد (المواصفات والمقاييس):** این مؤسسه در سال ۱۹۷۲ م (۱۳۹۲) ه. ق برای کنترل تولید و مصرف، بنیان نهاده شده است.
- ۷- **مؤسسه عمومی مخارج و هزینه‌ها:** این تشکیلات برای بررسی خدمات عمومی و مطالبات و نیازهای آینده کشور و بر طرف ساختن موانع و مشکلات مربوط به عمران راهها و ساختمان‌ها به وجود آمده است.^۱

۴. وضعیت اقتصادی عربستان

در این بخش به سیستم اقتصادی، برنامه و محورهای توسعه اقتصادی و بخش‌های مختلف اقتصادی، حمل و نقل و ارتباطات و بودجه کشور اشاره می‌شود:

الف. سیستم اقتصادی

سیستم اقتصادی عربستان بر اساس نظام اقتصادی و تجارت آزاد است. عربستان جزو کشورهای تک محصولی و نفت محور است؛ زیرا فروش نفت٪ ۷۵ درآمد کشور،٪ ۴۰ تولید ناخالص داخلی و٪ ۹۰ درآمد حاصل از صادرات را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل دگرگونی‌های بازار نفت، تأثیر فوری و قطعی در اقتصاد این کشور دارد؛^۱ به عنوان نمونه کاهش شدید قیمت نفت در ۱۹۹۸ موجب کاهش کسری بودجه به مقدار ۱۲/۳ میلیارد دلار گردید. در برابر در سال ۲۰۰۲ با درآمد حاصل از فروش نفت با دستیابی به مبلغ ۱۷۸/۷۷۶ میلیارد دلار، رتبه بیست و یکم جایگاه اقتصاد جهانی را کسب نمود. در سال ۲۰۰۶ به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت، درآمد این کشور بر ۳۵۰ میلیارد بالغ شد.^۲

بر اثر فروش فراوان نفت و اجرای برنامه‌های اقتصادی، سرمایه این کشور به حدی رسیده است که بخش‌های اقتصادی داخلی، توان بهره برداری از آن را ندارند و به همین دلیل، در بانک‌های آمریکا و اروپا نگهداری می‌شوند. درآمدهای سرشار به دولت اجازه داده است تا سطح خدمات رفاهی، صنعت توریست و صنایع پتروشیمی را توسعه بدهد.٪ ۳۵ محصولات عمده داخلی این کشور به بخش خصوصی تعلق دارد.^۳

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۲۷.

۲ - برازش، عربستان سعودی، ص ۴۱.

۳ - گودوین، عربستان سعودی، ص ۱۲۴.

عربستان جزء محدود کشورهایی است که بدهی خارجی ندارد، بلکه سرمایه‌های انباسته اش در بانک‌های خارج، منبع درآمد عظیمی برای آن کشورها شده است. گفتنی است عربستان حدود ۱۸۰ میلیارد دلار بدهی داخلی به بانک‌ها، سرمایه داران و شرکت‌های خصوصی دارد.^۱

عربستان از سرمایه گذاری خارجی استقبال نموده و تسهیلات زیادی در اختیار سرمایه گذاران قرار داده است. از سوی دیگر این کشور به دلایل اقتصادی و تبلیغاتی، به سرمایه گذاری در خارج از کشور نیز پرداخته است. شرکت معروف «البرکه» در ۳۲ کشور جهان از جمله جمهوری‌های شوروی سابق، سرمایه گذاری و در کشورهایی چون هند، پاکستان، بحرین و نیجریه، بانک تأسیس نموده است.^۲

ب. درآمد سرانه، اشتغال و مسکن

برابر آمار رسمی ارائه شده در رسانه‌ها، در سال ۲۰۰۵، درآمد نفتی عربستان ۱۶۳ میلیارد دلار بوده است، در حالی که درآمد جمهوری اسلامی ایران از فروش نفت با دارا بودن بیش از سه برابر جمعیت عربستان (۶۸ میلیون نفر) تنها ۵۴ میلیون دلار برآورد شده است!!

در سال ۲۰۰۲ درآمد سرانه هر نفر به ۸/۵۳۰ دلار و رتبه سی و هشتم جهان افزایش یافت و در سال‌های بعد نیز اغلب، رشد داشته است.

اشغال در عربستان به طور متوسط سالانه ۸٪ افزایش داشته است، ولی وضعیت کار برای شهروندان سعودی از سامانه خوبی برخوردار نیست و نرخ بیکاری در عربستان حدود ۱۱٪ اعلام شده است؛ زیرا میزان فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها در عربستان با بازار کار همخوانی ندارند. بر اساس آمار رسمی نزدیک به یک سوم از جمعیت عربستان را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند که اکثر مشاغل

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۲۹.

۲ - فخری، عربستان، ص ۱۰۴.

مدیریتی و تولیدی را به خود اختصاص داده‌اند.^۱ در این کشور تولید ناخالص ملی از کشاورزی، ۵/۱ از صنعت، ۵۱/۴ و از خدمات، ۴۳/۵ به دست می‌آید و نیروی کار بر حسب نوع اشتغال ۴۰٪ دولتی، ۲۵٪ نفت و ساختمان، ۳۰٪ خدمات و ۵٪ کشاورزی اعلام شده است.^۲ دولت برای تأمین مسکن، تسهیلات و وام‌های مختلفی توسط «صندوق رشد مستغلات» به شهروندان می‌پردازد که با این وام‌ها تنها در طول برنامه چهارم بالغ بر ۸۷۰۰ واحد مسکونی ساخته شده است.

ج. برنامه، بودجه و رهیافت‌های توسعه اقتصادی

عربستان تا سال ۲۰۰۵ میلادی، هفت برنامه توسعه اقتصادی پنج ساله را به اجرا در آورده و هم اکنون (۲۰۱۰ - ۲۰۰۵) نیز در حال اجرای هشتمین برنامه اقتصادی خود می‌باشد.

هنوز حدود ۹۰٪ از بودجه حدود صد میلیارد دلاری سالانه این کشور به رغم توسعه و تحول بسیار زیاد اقتصادی، به نفت متکی است.^۳ محور و رویکردهای توسعه در سال‌های اخیر، توسعه بخش صنعت، کشاورزی و معدن و افزایش سهم آنها در سیستم اقتصادی بوده است، هر چند کمبود آب و رشد سریع جمعیت، خوداتکایی در زمینه میزبانی حاجیان و رونق اقتصادی حاصل از برگزاری مراسم حج و بازار پر فروش کالا در آن ایام نیز مورد توجه است.

جذب سرمایه گذاری خارجی نیز از رویکردهای توسعه در این کشور است و دولت توانسته است در مدت سه سال، ۱۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کند. اگر چه پس از یازدهم سپتامبر و نالمنی داخلی از رغبت دولتهای دیگر

۱ - آشنایی با عربستان، ص ۵۶.

۲ - گودوین، عربستان سعودی، ص ۱۲۵.

۳ - آشنایی با عربستان، ص ۲۶.

برای سرمایه گذاری در عربستان کاسته شد، ولی همچنان ادامه دارد. خصوصی سازی در دهه اخیر از رونق چشمگیری برخوردار بوده است و چون بیشتر شهروندان و سرمایه داران سعودی توان ریسک در جهان تجارت را ندارند و سود سرمایه گذاری در بانک‌ها نیز ناچیز است، مردم سرمایه گذاری در بازار بورس را بهترین راه کسب درآمد می‌دانند. مؤسسه‌های اقتصادی این کشور نیز از طریق بورس به جذب سرمایه‌های مردم می‌پردازند، ولی بازار بورس در عربستان به بازار بورس امارات وابسته و به همین دلیل ناپایدار، متغیر و آسیب‌پذیر است.^۱

د. بخش‌های مختلف اقتصادی

اقتصاد عربستان، دارای بخش‌های مختلفی است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱- انرژی

عربستان با برخورداری از ۰.۲۶٪ ذخایر نفت جهان و ۴/۳۳٪ نفت اوپک و ۵/۲ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی و تولید ۹/۵ میلیون بشکه نفت، بزرگترین تولید کننده نفت و پنجمین صادر کننده گاز است. نخستین امتیاز کشف و تولید نفت در ۱۹۳۳ میلادی به شرکت استاندارد اویل کالیفرنیا واگذار شد و با پیوستن شرکت‌های استاندارد اویل نیوجرسی، تکزاکو و سرکنی موبیل اویل به آن، شرکت «آرامکو» تشکیل شد و تولید نفت از سال ۱۹۴۸ و تولید گاز از سال ۱۹۹۰ همچنین تولید مواد پتروشیمی، پروپان، بوتان و بنزین طبیعی را در دست گرفت.

۱- آشنایی با عربستان، ص ۳۰.

با ملی شدن نفت در سال ۱۹۷۵، آرامکو همچنان به عنوان شرکت مشاور باقی ماند و در دیگر امور اقتصادی و اجتماعی عربستان نیز نقش و دخالت یافت. برابر برآورد ۱۹۹۶ تولید و مصرف برق این کشور ۹۵ میلیارد کیلو وات ساعت بوده که تماماً با سوخت فسیلی تولید می‌شده است. دولت عربستان، جایگزینی گاز طبیعی به جای نفت در صنایع، تولید برق، شیرین کردن آب شور دریا را در دستور کار قرار داده است و استفاده از انرژی اتمی در آینده را نیز مورد بررسی قرار داده است.

۲- معادن

با تصویب قانون معدن در سال ۱۹۷۲ م = ۱۳۹۲ ه.ق. حضور شرکت‌های فرانسوی، انگلیسی، کانادایی و سوئیسی و شرکت‌های مشترک برای کشف معادن هموار شد و کشف ذخایر عظیم طلا، سنگ آهک، سنگ گچ، سنگ مرمر، خاک رس، نمک، هیدروکسید الومینیوم، سنگ آهن، مس، سرب، قلع، نقره و اورانیوم و بهره برداری از ۴۵۰۰ معدن، بر درآمد اقتصادی عربستان افزود. گفتنی است در سال‌های اخیر، دولت نیز شرکت بزرگی در زمینه معادن راه اندازی کرده است.

۳- صنایع

وزارت صنایع با ایجاد ۱۴ شهر صنعتی به مساحت ۹۲ میلیون متر مربع و بهره برداری از آنها، به توسعه صنعت همت گماشته و در خداداده ۱۳۸۷ شهرک بزرگ و مجهر اقتصادی ملک عبدالله را افتتاح نموده است؛ توسعه پالایشگاه‌ها، تأسیس و گسترش صنایع پتروشیمی و مواد شیمیایی به ویژه در جده، جبيل و ینبع، افزایش مراکز صنعتی تولید آهن و فولاد و کارخانه‌های بزرگ سیمان، بهبود و توسعه صنایع سبک و مصرفی مثل چرم سازی، مبل سازی و لوازم خانگی از اقدامات رو به افزایش دولت سعودی است.

جذب سرمایه گذاری خارجی و خصوصی در ایجاد صنایع و کارخانجات، تأسیس صندوق «توسعه صنعتی عربستان SIDF» برای جلب مشارکت و حمایت از بخش خصوصی، حمایت از صنایع کوچک، واگذاری وام با شرایط بسیار آسان، از رهیافت‌های اساسی عربستان برای رشد و توسعه صنعتی است.

مهم ترین شرکت صنعتی عربستان، دو شرکت سابک^۱ (sabic) و سمارک هستند که در زمینه جذب سرمایه گذاران خارجی، تولید، پالایش و بازاریابی پتروشیمی، مواد شیمیایی، آهن، فولاد و پلاستیک و ... فعالیت دارند. تولیدات این کشور در بازار کشورهای اروپایی، آمریکا، ژاپن و هنگ کنگ عرضه می‌شود.

پس از آن دو، شرکت صنعتی «وطنی»، صافولا، پترومین و آرامکو بخش اعظم تولیدات صنعتی را بر عهده دارند.

۴- کشاورزی

عربستان علی رغم کمبود بارندگی و آب و زمین‌های غیر قابل کشت، با صرف بودجه فراوان، توسعه راههای روتاستایی، پرداخت ۵۰٪ قیمت ماشین‌های کشاورزی، دادن وام و کمک‌های بلاعوض به کشاورزان و پرداخت سوبسید و یارانه تولید و خرید تضمینی گندم و جو، زمین‌های زیر کشت را افزایش و در سال ۱۹۸۵ در زمینه گندم به خودکفایی رسیده است و حتی در سال ۱۹۹۲ میلیون تن و در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۲/۸ میلیون تن مازاد گندم خویش را به جهان صادر کرده است.

همچنین تولید میوه و سبزیجات، گوجه فرنگی، انگور و خرما و لبندی را نیز افزایش داده و برخی از آنها را به کشورهای عربی منطقه صادر نیز کرده است. دامداری این کشور رو به رشد و کارخانجات و صنایع وابسته به کشاورزی و

۱- تنها میزان سوددهی شرکت سابک در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۲۲۹۵ میلیون ریال سعودی بوده است.

دامداری همچون کارخانه بسته بندی مرغ، کنسرو سازی، روغن زیتون، آرد و روغن سویا در حال افزایش است.^۱ گفتنی است برای تأمین آب کشاورزی، استخراج آب‌های زیرزمینی و شیرین کردن آب دریا مورد توجه جدی قرار گرفته است.

۵- گردشگری و جهان‌گردی

در دوران‌های گذشته، درآمد مربوط به میزبانی حج، سود قابل ملاحظه‌ای برای دولت داشت و در اقتصاد عربستان پس از نفت، جایگاه دوم را داشت ولی با خصوصی سازی و با عنایت به این که صدور روادید برای حج و عمره مجانی است و دولت تنها از هر حاجی مبلغ ۴۴۴ ریال بابت اجر الخدمات دریافت می‌کند،^۲ سود ارائه خدمات، حمل و نقل، غذا، مسکن و خرید سوغات، بیشتر عاید بخش و شرکت‌های خصوصی می‌شود. برابر اعلام رسمی، پیش‌بینی سود دولت در سال ۱۳۸۶ از این بخش، تنها کمی بیش از سه میلیارد دلار است.^۳

گردشگری و جهان‌گردی در عربستان به سه بخش عمده تقسیم می‌شود:
الف. شرکت کنندگان در مراسم و مناسک حج ب. بازدید کنندگان تجاری ج. جهان‌گردان داخلی. اخیراً گردشگری داخلی نیز به منظور جلوگیری از عزیمت بی‌رویه شهروندان به خارج از کشور، مورد تشویق حکومت واقع شده است و شورای عالی گردشگری در حال هزینه کردن در این زمینه است.^۴

۱ - عربستان، ص ۱۰۵ - ۱۱۲.

۲ - آشنایی با مقررات عربستان، ص ۲۴.

۳ - آشنایی با عربستان، ص ۲۸.

۴ - فخری، عربستان، ص ۱۱.

۶- حمل و نقل

حمل و نقل و ارتباطات ریلی، جاده‌ای و هوایی عربستان به شرح ذیل است:

الف- راه آهن

نخستین شبکه راه آهن در سال ۱۹۵۱ میلادی تأسیس شد و اکنون حدود ۱۳۹۲ کیلومتر امتداد دارد. این شبکه بیشتر در حمل کالاهای وارداتی به ریاض و انتقال فرآورده‌های نفتی بندر دمام به خارج فعالیت دارد و سالیانه بیش از ۳۵۰/۰۰۰ نفر را نیز جابه جا می‌کند. احداث شبکه سراسری به مسافت ۳/۸۷۸ کیلومتر در دست مطالعه است.

ب- جاده‌ها و اتومبیل

عربستان با افزایش و توسعه جاده‌ها و اتوبان‌ها بر اساس برآورد سال ۱۹۹۶، دارای ۱۶۱/۶۱۱ کیلومتر جاده شامل ۶۹/۰۱۰ کیلومتر جاده اصلی و ۹۲/۶۰۱ کیلومتر جاده فرعی می‌باشد.

تا سال ۲۰۰۰ میلادی ۵/۱ میلیون دستگاه وسیله نقلیه در عربستان به ثبت رسیده است. در زمان حج، سندیکای ماشین داران یا «النقابة العامه للسيارات»، تأمین وسائل نقلیه حجاج را بر عهده دارد.

ج- فرودگاه‌ها

عربستان غیر از فرودگاه‌های نظامی، دارای ۲۷ فرودگاه است که فرودگاه‌های ملک عبدالعزیز در جده، ملک خالد در ریاض، ملک فهد در ظهران، هفوف در احساء، فرودگاه منطقه شرقیه و فرودگاه مدینه، فرودگاه‌های بین المللی هستند.^۱

شرکت هواپیمایی عربستان، «ال سعودیه» نام دارد و در سال ۲۰۰۰ با در اختیار داشتن ۱۰۶ فروند هواپیمای بوئینگ و ایرباس و ۲۵/۰۰۰ کادر و ۱/۱۰۰ خلبان و کمک خلبان، بیش از ۲۵ میلیون مسافر و ۳۳۵ میلیون تن کالا را جا به جا نموده است. این کشور، برای خرید هواپیماهای جدید نیز قراردادهایی با آمریکا منعقد کرده است.

۷- مخابرات و ارتباطات

این کشور تا سال ۲۰۰۳ دارای ۳/۵۰۲/۶۰۰ خط تلفن ثابت و ۷/۲۳۸/۲۰۰ تلفن همراه مورد استفاده بوده است.^۱

۸- بانک‌های داخلی، سرمایه و کمک‌های خارجی

بانک‌های مهم داخلی عربستان عبارتند از: ۱. بانک الجزیره ۲. بانک الریاض ۳. بانک عربی وطنی ۴. بانک سرمایه گذاری عربستان ۵. بانک المتحد ۶. بانک الراجحی(خصوصی) ۷. بانک عربستان و آمریکا ۸. بانک عربستان و انگلیس ۹. بانک عربستان و هلند ۱۰. بانک عربستان و فرانسه.

عربستان از بنیان گذاران بانک توسعه اسلامی و یکی از اعضای مهم بانک عرب برای توسعه آفریقا است؛ این کشور ۸۹۸ میلیون دلار به بانک جهانی و ۴۴/۹ میلیون دلار به بانک آسیا و از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۸ میلادی بیش از ۵/۳۸ میلیارد دلار به ۵۹ کشور مختلف جهان وام پرداخت نموده است.

عربستان به عنوان دومین کشور وام دهنده جهان معرفی شد و در سال ۱۹۷۸ میلادی به عضویت هیأت مدیره «صندوق بین المللی پول» درآمد و با

افرایش سهمیه خود تا مرز ۱/۷۴ میلیارد دلار از سال ۱۹۸۱ حضور این کشور در هیأت مدیره ثبیت شد.

این کشور با اختصاص ۰٪۲/۵ از تولید ناخالص داخلی برای کمک به توسعه کشورهای دیگر، کمکهای بلاعوض بسیاری به دولتهای خط مقدم جبهه نموده است. (مثلًا ۱۰۰ میلیون دلار به بازسازی لبنان، ۲۰۸ میلیون دلار به فلسطینیان و کشورهای آسیب دیده از سوانح طبیعی)

گفتنی است این کشور در سال‌های ۱۹۸۹ م = ۱۴۱۰ ه. ق. برای اجرای پروژه نظامی «الیمامه» ۳۱۷ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۱ میلادی = ۱۴۱۲ ه. ق برای تأمین هزینه لشکرکشی آمریکا علیه عراق، ۷ میلیارد دلار استقراض نموده است. به علاوه ۱۰٪ سرمایه گذاری عربستان از طریق دریافت وام‌های میان مدت تأمین شده است و شرکت نفتی مشترک آرامکو نیز برای توسعه فعالیت‌های خود ۱/۵ میلیارد دلار وام چهار ساله و ۹۰۰ میلیون دلار وام ده ساله دریافت نموده است.^۱

۹- مبادلات تجاری، صادرات و واردات

مبادلات تجاری و پروژه‌های مشترک عربستان با دیگر کشورهای جهان با آمریکا، ژاپن، انگلستان، آلمان، ایتالیا، چین، فرانسه، سوئیس، کره جنوبی، سنگاپور، هند و ترکیه بوده است.

عربستان به دلیل وضعیت نامساعد آب و زمین، بیشترین واردات را در بخش مواد غذایی دارد. بر اساس آمار سال ۲۰۰۴ میلادی، صادرات این کشور ۱۱۳ میلیارد دلار و واردات این کشور ۳۶/۲۱ میلیارد دلار کالا شامل ۲۲٪ مواد غذایی، ۱۸٪ مواد شیمیایی و بقیه، فلزات و مواد متفرقه بوده است.

۱- عربستان، فخری، ص ۹۸-۱۰۱

در گذشته حدود ۹۴٪ صادرات این کشور نفت بود، اما با توسعه صنعت پتروشیمی، از سال ۲۰۰۰ میلادی سهم نفت به ۶۷٪ تقلیل یافت و ۱۷/۱٪ صادرات را کالاهای پتروشیمی و ۱۵/۹۹٪ بقیه را مواد غذایی، حیوانات زنده، مواد کشاورزی و شیمیایی تشکیل می‌دهد.

مبادلات تجاری عربستان و ایران تحت تأثیر عوامل سیاسی، فراز و نشیب فراوانی داشته است و در سال ۲۰۰۵ به ۲۵۰ میلیون دلار رسیده است. کالاهای صادراتی ایران به عربستان، قالی، قالیچه پشمی، پسته، کیف و کفش، مصالح و سنگ‌های ساختمانی، سیمان، انواع میوه، نوشابه و آب معدنی، خاویار، مواد شوینده، مبل و مصنوعات چوبی، صنایع آلومینیوم، اتومبیل و قطعات یدکی بوده است و کالاهای وارداتی ایران از عربستان، بیشتر مواد پتروشیمی و شیمیایی نظیر اوره، متانول، پلی اتیلن، دی اکسید تیتانیوم، بوتان مایع، بنزین هواپیما، کولر گازی، نخ و الیاف پلی استر می‌باشد.

چکیده فصل

عربستان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، عوامل دینی، سیاسی، اقتصادی، تحولات سه دهه اخیر منطقه‌ای و عضویت و نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی از اهمیتی رئوپلیتیک و جایگاهی استراتژیک برخوردار است.

پیشینه سیاسی عربستان را می‌توان به چهار دوران؛ باستان، ظهور اسلام، دوران شکل گیری حکومت آل سعود و دوران معاصر تقسیم نمود. در دوران باستان گرچه دولت‌هایی در بخش شمالی و جنوبی وجود داشت، اما مناسبات قبیله‌ای حاکم بود، اسلام، قبایل را متحد کرد و حکومت واحدی پی‌افکند. آل سعود پس از پیمان با محمد بن عبدالوهاب با طی فراز و نشیب‌های بسیار و تجربه دو بار سقوط، دولت سوم خود را توسط عبدالعزیز بن عبدالرحمن شکل داد و از آغاز تاکنون، ۲۱ پادشاه از این خاندان حکومت یافته‌اند.

نظام کنونی عربستان، پادشاهی مطلقه بوده و شورای خاندان حاکم یا «جلس ا لاسرة المالکه» در تعیین پادشاه نفس دارد. کشور دارای قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضاییه تحت نظر پادشاه است. هیأت وزیران آن دارای ۴۰ عضو است.

عربستان که در پی سعودی سازی ملت و نهادینه سازی وهابیت است، تا کنون از حزب سیاسی، آزادی بیان و انتخابات برخوردار نبوده است. ملک عبدالله با تشکیل گروه «گفتگوی ملی» و راه انداختن انتخاب نیمی از اعضای شوراهای شهر توسط مردان، گام‌های نخستین تمرین دموکراسی سازی در این کشور را

برداشته است. هم اکنون به دلیل بروز حوادث خشنونت بار، برقراری امنیت و کنترل عملیات تروریستی مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

همسویی با سیاست غرب، گسترش روابط و ترویج آموزه‌های وهابیت در دیگر کشورها از راهبردهای اساسی سیاست خارجی آل سعود است.

عربستان افزون بر چهار نیروی زمینی، هوایی، دریایی و دفاع هوایی، دارای گارد ملی(حرس وطنی) و نیروهای شبه نظامی است.

سیستم اقتصادی عربستان بر اساس تجارت آزاد بنا شده است و خصوصی سازی را دنبال می‌کند. اقتصاد این کشور تاکنون تک محصولی و متکی به نفت بوده و دولت که توانسته است در مدت سه سال اخیر، ۱۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب نماید، در حال اجرای هشتمین برنامه اقتصادی است. عربستان با ۱۱۳ میلیارد دلار صادرات و ۳۶/۲۱ میلیارد واردات، از تراز مشبت بازرگانی برخوردار است.

پرسش‌ها

۱. چه عواملی عربستان را از جایگاه و اهمیت سیاسی برخوردار کرده است؟
۲. عربستان در چه سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی عضویت و نفوذ دارد؟
۳. دولت‌های منطقه شمالی و جنوبی شبه جزیره عربستان دوران باستان را نام ببرید.
۴. عامل سقوط دولت اول و دوم سعودی چه بود؟
۵. بنیان گذار دولت سوم سعودی که بود و تاکنون چند نفر از فرزندانش حکومت یافته‌اند؟
۶. هیأت دولت از سه دسته و گرایش تشکیل شده است، آنها را بنویسید.
۷. راهبردهای اساسی سیاست داخلی و خارجی عربستان کدام است؟
۸. وزیری‌های سیستم اقتصادی عربستان را بنویسید.
۹. بخش‌های مختلف اقتصادی عربستان را نام ببرید و بخش جهانگردی و گردشگری آن را تشریح کنید.
۱۰. درآمد نفتی عربستان و جمهوری اسلامی را مقایسه کنید؟

برای مطالعه بیشتر

۱. آشنایی با عربستان، عبدالله نصیری، نشر مشعر.
۲. تاریخ تحلیلی اسلام، سید جعفر شهیدی.
۳. دلیل المملكة العربية السعودية ، وزارت الاعلام فى المملكة العربية السعودية .
۴. شناخت عربستان، علی محمدی آشنانی، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
۵. عربستان، محمد فخری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۶. عربستان سعودی، ویلیام گودوین، ترجمه فاطمه شاداب.
۷. عربستان سعودی، محمد رضا برازش.

فصل سوم

وهابیت و عربستان

اهداف فصل سوم

۱. شناخت پیشینه تاریخی و زمینه‌های فکری وهابیت
۲. شناخت بنیان گذار وهابیت و مخالفان او
۳. شناخت آموزه‌های اعتقادی وهابیت
۴. شناخت آرای فقهی وهابیت
۵. شناخت تاکتیک، روش و ابزارهای تبلیغ وهابیت
۶. ارائه راهکارهای مقابله

وهابیت و عربستان

برخی، وهابیت را به دلیل ارائه نکات بدون سابقه، یک آیین ابداعی و ذوقی از سوی محمد بن عبدالوهاب و گروهی آن را نوعی پیشینه گرایی «سلفی گری» و احیای افراطی و خشن مذهب حنبلی دانسته‌اند. به گفته آنان، محمد بن عبدالوهاب خیال می‌کرد که با مذهب خود، توحید خالص و بیزاری از شرک را به وجود آورده است و گمان می‌کرد مردم از شش صد سال پیش در ضلالت بوده‌اند و او، دین حقیقی را تجدید کرده است!!^۱

در برابر، گروهی، وهابیت را پدیده‌ای سیاسی برخاسته از اهداف استعمار انگلستان برای شکستن اقتدار و از بین بردن گستردگی و وسعت امپراتوری عثمانی و تجزیه آن، همچنین برای بر هم زدن یکپارچگی امت اسلامی و ایجاد تفرقه مداوم در آن معرفی کرده‌اند؛ صاحبان این نگرش برای اثبات دیدگاه خود، به دلایل و شواهدی همچون تضاد شدید میان وحدت امت اسلامی و قدرت و گستردگی جمعیت و دولت بزرگ عثمانی از یک سو با منافع نامشروع انگلستان از سوی دیگر، تماس‌های مستر همفر با محمد بن عبدالوهاب و تشویق‌های مکرر وی برای آشکار سازی مذهب خود، حمایت انگلستان از حکومت آل سعود و فریب دادن شرفای حجاز، درگیری‌های آغازین حکومت وهابی با دولت عثمانی،

۱ - دحلان، احمد بن زینی؛ سرگذشت وهابیت، ترجمه ابراهیم وحید دامغانی، دوم، نشر گلستان کوثر، ۱۳۷۸، تهران، ص ۱۶.

برخوردگاهی خشن و تفرقه افکنانه وهابیت با دیگر مذاهب اسلامی استناد جسته‌اند.^۱

در این فصل به پیشینه تاریخی، زمینه‌های فکری، معرفی بنیانگذار، آموزه‌های اعتقادی، آرای فقهی و روش، تاکتیک و ابزارهای نوین ترویج وهابیت اشاره و در پایان پیشنهادهایی برای مقابله ارائه می‌شود.

۱. پیشینه تاریخی و زمینه‌های فکری

پیامبر گرامی اسلام { بعد از آن که اسلام را بنیان نهاد، با فراخواندن مسلمانان به وحدت، جامعه اسلامی را متحد و یکپارچه ساخت؛ اما پس از رحلت آن حضرت، مسائل سیاسی و سیس آموزه‌های اعتقادی و فقهی موجب پیدایش مذاهب مختلف گردید؛ نخست در مورد جانشینی پیامبر { دو رأی و اندیشه شکل گرفت:

۱. گروهی از بزرگان صحابه همچون ابن عباس، سلمان، ابوذر و مقداد و عده‌ای از مردم با استناد به واقعه غدیر خم و تصریح پیامبر { در موضع متعدد، حضرت علی { را خلیفه و جانشین پیامبر می‌دانستند. صحابان این اندیشه، «شیعه» نامیده شدند، البته واژه «شیعه» به معنای «پیرو» در روایاتی از سوی رسول خدا { پیش از آن به کار رفته بود و این نامگذاری از آن احادیث سرچشمه گرفته است.

۲. در برابر، عده‌ای با استناد به شورای سقیفه و بیعت مردم؛ ابی‌بکر، عمر، عثمان و امام علی { را خلیفه پیامبر { معرفی نمودند. دارندگان این رأی بعدها خود را «أهل سنت و جماعت» نامیدند.

۱ - برای اطلاعات بیشتر ر.ک. خاطرات مستر همفر، عمدہ الاستعمار، خیری حماد، تاریخ نجد، سنت جون فیلبی، خاطرات حاییم وایزمن، وهابیت، نقد و تحلیل، همایون همتی.

پذیرش حکمیت از سوی امام علی^۱ در جنگ با معاویه موجب مخالفت، کفر دانستن و شکل گیری گروه دیگری به نام «خوارج» شد که اینک جز اندکی از فرقه اعتدال یافته آن یعنی «اباضیه»، منقرض شده‌اند.^۱

افزون بر عوامل سیاسی پیش گفته، از نیمه دوم قرن اوّل هجری، مسائلی چون جبر و اختیار، قضا و قدر، حادث یا قدیم بودن کلام الهی و صفات خداوند مورد بحث و گفتگو واقع شد؛ در این گونه مباحثت، شیعیان از سخن و هدایت اهل بیت پیامبر⁺ پیروی می‌نمودند ولی در میان اهل سنت، مذاهب کلامی متفاوتی پدید آمد؛ ابتدا طرز تفکر عقل مدارانه‌ای به وجود آمد که با تأمل و تفکر در مسائل اعتقادی به بحث و اظهار نظر می‌پرداختند. دارندگان این طرز تفکر بعدها «معتزله» نامیده شدند. در خلال این مباحثات، گروه‌های دیگر کلامی مانند جهمیه و... نیز به وجود آمدند.

در برابر گفتگوهای کلامی و روش عقل مدارانه فوق، عده‌ای از محدثان که به «أهل حدیث» معروف گشتند، به مخالفت برخاسته، پرسش را بدعت و هر گونه اندیشه و تفکر و بحث کلامی در مورد عقاید را ناروا دانسته، تنها معیار شناخت حق را «حدیث» معرفی نمودند.

در رأس این محدثان می‌توان از عثمان بن سعید دارمی و احمد بن حنبل نام برد که در رد فرقه‌های کلامی معتزله و جهمیه دست به قلم برد، با تأکید بر لزوم حدیث گرایی و تکیه بر ظاهر متون روایی، هر گونه تحلیل و تأمل عقلانی و خردورزی در احادیث را ممنوع اعلام نمودند.

گفتنی است در میان خلفای عباسی، تنها مدافعان حنبليان، متوکل عباسی بود که هدایایی برای احمد بن حنبل فرستاد و با اهل حدیث، همدلی و همراهی بسیاری نمود.

۱ - مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی، کلام و عرفان، ص ۲۵.

بعدها ابوالحسن اشعری از معتزله جدا شد و مکتب کلامی «اشاعره» را بنیان نهاد. از آن پس اهل حدیث به دو گروه تقسیم شدند:

۱- حنبلیان که همچنان هر گونه مباحثه و گفتگوی کلامی در زمینه اعتقادات را حرام و ناروا می‌دانستند.

۲- اشعریان که گفتگوهای کلامی را جایز می‌دانستند، ولی بر پیروی از ظواهر روایات در مسائل اعتقادی تأکید می‌ورزیدند.^۱

أهل حدیث به تدریج، گستره کار خود را توسعه دادند و در زمینه فقه نیز بسیاری از مردم به احمد بن حنبل گرویدند. از سوی دیگر در کنار مکتب فقهی حنبلیه، سه مکتب فقهی؛ حنفی، مالکی و شافعی نیز پدید آمد. مالک بن انس، همچون حنبلیه بحث‌های عقلی در اصول دین را ناروا و ممنوع اعلام نمود، ولی ابوحنیفه در مکتب فقهی خود با تکیه بر قیاس و رأی، به استنباط احکام فقهی می‌پرداخت. بدین روی مورد شدیدترین حملات اهل حدیث قرار گرفت.

به تدریج «اشعریان» به ویژه با حمایت حاکمان عباسی، از نظر کلامی بر اندیشه‌های دیگر غلبه یافتند و حنبلیان به ضعف و سستی گراییدند و کم کم از نظر فقهی نیز طرفداران خود را از دست دادند.

در اواخر قرن چهارم هجری قمری «بربهاری» رئیس حنبلیان بغداد با تکیه بر ظواهر آیات و روایات، بار دگر عقاید تجسم گرایانه‌ای چون استقرار خداوند بر فراز کرسی و دیده شدن در روز قیامت را زنده ساخت و از نظر فقهی، زیارت قبور را منع کرد و نوحه گری بر امام حسین { را ناروا خواند.^۲

اظهار چنین مطالبی، خشم علماء و مردم را برانگیخت و موجب صدور اطلاعیه‌ای از سوی خلیفه «الراضی» در نادرستی عقاید و توبیخ یاران او گردید. برابر نوشته ابن الجوزی از آن پس، وی در خانه زنی پنهان شد و در همانجا مرد

۱- همان، ص ۵۶ نیز عدل الهی شهید مطهری، ص ۱۰ - ۲۵.

۲- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۶ ص ۲۴۸.

و بدون اطلاع مردمان او را در همان مکان غسل دادند و به خاک سپرdenد.^۱ حنبلیان به تدریج از میان رفتند تا آن که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم «ابن تیمیه»^۲ و سپس شاگردش «ابن قیم جوزیه»^۳، آرا و نظریات برپهاری را احیا کردند و مجدداً عقاید اهل حدیث را با شدت بیشتری ترویج دادند.

ابن تیمیه همچون پیشینیان خود با جمود بر ظواهر متون دینی در مورد صفات خداوند، تجسم گرایانه سخن می‌گفت. به همین جهت با مخالفت سختی از سوی دیگر عالمان مسلمان مواجه گردید و در جلسه‌ای در حضور علماء و پس از شنیدن استدلال ایشان، حرف خود را پس گرفت و توبه نمود. ولی پس از چندی، رأی فقهی او که زیارت را امری ناپسند اعلام کرد، بار دیگر خشم همگان را برانگیخت و به دلیل مخالفت عمومی و شکایت فرقه‌های مختلف اسلامی، به دستور ملک ناصر به زندان افتاد. به گفته ابن الردى: «ابن تیمیه به جهت قول به تجسيم زنداني شد». ^۴ وی در زندان از دنیا رفت.^۵

پس از درگذشت وی، بار دگر نهضت سلفی گرایی و رأی و اندیشه حنبلیان رو به افول گذاشت تا آن که در قرن دوازدهم هجری محمد بن عبد الوهاب با بنیان نهادن آیین بدعت آمیز «وهابیت»، آن افکار را احیا نموده، شدت بخشید و تحقق آن در جامعه عربستان را پی گرفت و با شدت عمل، زمینه تشکیل دولت وهابی - سعودی را فراهم ساخت و با بستن پیمانی با امیر درعیه محمد بن سعود

۱- ابن تیمیه، منهاج السنّة النبویه، ج ۶ ص ۳۲.

۲- احمد بن عبدالحليم معروف به ابن تیمیه به سال ۶۶۱ در شهر حران شام متولد شد و به سال ۷۲۸ قمری درگذشت. جمع بسیاری از اندیشمندان اهل سنت همچون صفی الدین ارمی، شهاب الدین حلبی، کمال الدین زملکانی، شمس الدین ذهبی، یافعی، ابن حجر هیتمی، ملاعلی قاری حنفی و... از مخالفان و منتقدان سرسخت او هستند. طبیعی، نجم الدین؛ فرقه‌ای برای تفرقه، ص ۲۱-۱۳.

۳- محمد بن ابی بکر زرعی حنبلی معروف به ابن قیم متوفای ۷۵۱ ق از شاگردان و احیاگران افکار ابن تیمیه.

۴- تتمة المختصر، ج ۲، ص ۳۶۳.

۵- رحله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۵۷.

جد آل سعود و اعمال زور، خود رهبری مذهبی و ابن سعود، رهبری سیاسی را بر عهده گرفت.

حکومت وهابی آل سعود با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های بسیار و تجربه دو بار سقوط، در سومین بار ثبیت شد و هم اکنون در عربستان زمام امور را در دست دارد.

۲. بنیانگذار وهابیت

محمد بن عبدالوهاب در آغاز قرن دوازدهم هجری به سال ۱۱۱۱ هجری^۱ در شهر «عینیه» در سرزمین نجد متولد شد. پدرش عبدالوهاب از علمای مذهب حنبی و قاضی آن شهر بود.^۲

محمد بن عبدالوهاب از کودکی نزد پدر به تحصیل و مطالعه مذهب حنبی پرداخت و به تدریج شیفته افکار ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه گردید و تحت تأثیر افکار آنان، خرده گیری‌های خود را نسبت به عقاید و اعمال مذهبی مردم آغاز نمود!

در اوان جوانی به مکه و مدینه شتافت و توصل مردم به پیامبر { در حرم نبوی را به صراحة انکار نمود. پس از بازگشت به سرزمین نجد، به بصره رفت، مدتی کوتاه در آن جا سکنی گزید و در آن شهر با مستر همفرا جاسوس انگلستان که

۱- روحانی، حبیب؛ چهره واقعی وهابیت، ص ۷. یا سال ۱۱۱۵، سبحانی، جعفر؛ آیین وهابیت، ص ۳۴.

۲- به گفته برخی از مورخان، نیاکان عبدالوهاب از یهودیان دوغی تزکیه بوده و نام جد اعلای وی شولمان قرقوزی بوده است که پس از عزیمت به شام و تغییر نام خود به سلیمان مورد شناسایی و حمله قرار گرفته و به مصر گریخته و سپس با طرد از این کشور، به مکه و سپس به نجد و شهر عینیه رفت و در آنجا سکونت گزیده و بومی شده است. دادی مهاجر تهرانی، سپیده فریبا، عربستان سعودی و جناح‌های سیاسی، به نقل از ناصر السعید.

خود را در میان کشورهای اسلامی، مسلمان و با نام محمد (ص) معرفی می‌نمود،^۱ آشنا شد.^۲

به هر حال پسر عبدالوهاب در شهر بصره، مخالفت خود را با بسیاری از عقاید و اعمال مذهبی مردم آشکار ساخت. این اقدام باعث گردید مردم حضور وی در شهر را برنتافته، او را از دیار خود برانند.

پس از رانده شدن از بصره، عده‌ای از تاریخ نگاران از سفر وی به ایران به ویژه از اقامت طولانی وی در اصفهان و شیراز گزارش‌هایی ارائه نموده‌اند.^۳ مستر همفر نیز که در خاطرات خود به این سفر اشاره نموده است، مدعی است که سفر به ایران به توصیه وی صورت پذیرفته است.^۴

برخی پس از اخراج از بصره، ورود او را به شهر «زبیر» گزارش نموده‌اند که پس از آن به شهر «احسا» رهسپار گردید و به سال ۱۱۳۹ قمری به شهر حریمله که به تازگی پدرش بدان منتقل شده بود، عزیمت کرد و تحصیلات دینی خود را نزد پدر پی گرفت؛ در طی این دوران که او افکار خود را ابراز می‌داشت، هماره میان او و پدر و اساتید دیگرش، نزاع و جدال جریان داشت؛ زیرا وی بر انکار عقاید و اعمال مذهبی مردم اصرار داشت و پافشاری می‌نمود! و آنان بطلان نظریات وی

۱ - منبع این مطالب، خاطرات مستر همفر است که در ابتدا در مجله اشیبیگل منتشر و سپس به عربی و هم اکنون به فارسی ترجمه شده است.

۲ - به گفته مستر همفر، وی جوان مغوروی بود که خود را مجتهدی آگاه تر از امامان چهارگانه اهل سنت می‌دانست و برای هیچ یک از مذاهب اهل سنت و حتی دیدگاه‌های خلفای اولیه، اصالتی قائل نبود و زمینه بسیار مناسبی برای ایجاد مکتبی جدید داشت و من با تشویق او به احیای دوباره دین اسلام!! و جعل خواهی دروغین مبنی بر این که پیامبر تو را به آشکار ساختن عقایدت فراخوانده است، برانگیختم. خاطرات مستر همفر، ترجمه علی کاظمی، کانون نشر اندیشه اسلامی، ص ۶۸ - ۴۰.

۳ - عبداللطیب ششتی در پایان کتاب «تحفه العالم» تأليف ۱۲۱۶ قمری، عبدالرزاق دنبی در کتاب «مآثر سلطانیه» از ص ۸۲ به بعد، محمد تقی سپهر در «ناسخ التواریخ» ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۱۹، میرزا ابوطالب اصفهانی در «سفرنامه» و لوتروپ استودارد آمریکایی به سفر وی به ایران اشاره کرده‌اند. فقهی، وهابیان، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۴ - خاطرات مستر همفر، ص ۸۰.

را با استدلال، برای مردمان بازگو می‌نمودند، به همین روی، کاری از پیش نبرد. در سال ۱۱۵۳ هـ ق پدرش عبدالوهاب چشم از جهان فرو بست و با از میان رفتن این مانع بزرگ، وی دعوت و فراخوانی به عقاید خویش را علنی تر ساخت! پس از پدر، برادرش سلیمان بن عبدالوهاب به مخالفت برخاست و دو کتاب به نام «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» و «فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبد الوهاب» در نقد وی نگاشت و در مقدمه کتاب نخستین، ضمن بر Shermanden صفات کسی که رهبری دینی را بر عهده می‌گیرد، چنین نوشت: «امروز مردم به کسی مبتلا شده‌اند که خود را به قرآن و سنت منتبه نموده و از دانش‌های آن استنباط می‌کند و به مخالفان خود نیز اعتنا نمی‌کند و وقتی از او خواسته می‌شود که سخنانش را به اهل علم عرضه کند، سر باز می‌زند؛ بلکه بر مردم واجب می‌سازد که سخن او را بپذیرند. هر کس مخالفت بورزد، نزد او کافر شمرده می‌شود. این در حالی است که در او یک ویژگی از ویژگی‌های اهل اجتهاد نیست، نه! قسم به خداوند یک دهم آن صفات را نیز واجد نیست در عین آن که بسیاری از نادانان، کلام او را پذیرفته‌اند. پس «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَأْجِعُونَ»... خدایا! آن گمراه را هدایت کن و او را به حق بازگردان.»^۱

افزون بر برادر، دیگر اندیشمندان و علمای اهل سنت نیز با وی مخالفت کرده و در نقد وی، کتاب‌هایی منتشر ساختند.^۲

محمد بن عبدالوهاب با تبلیغ گسترده آیین خود، جمعی از مردم حريمله را با خود همراه ساخت و کم در سرزمین نجد شهرت یافت! و برای گسترش افکارش با برخی از طرفدارانش به زادگاه خود شهر «عینیه» رهسپار گردید؛ عثمان بن حمد حاکم آن روز شهر عینیه در ابتدا وی را گرامی داشت و حتی به

۱- شیخ سلیمان بن عبدالوهاب، الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه، چاپ سوم، مکتبه ایشیق، استانبول، ترکیه، ۱۹۷۹ میلادی، ص ۴.

۲- سرگذشت وهابیت، ص ۱۴ - ۱۵.

دستور او، مقبره زید بن خطاب برادر عمر بن خطاب از شهدای جنگ یمامه را تخریب نمود^۱، ولی پس از دریافت نامه‌ای توبیخ آمیز از امیر «احسا» که فعالیت و اقدامات محمد بن عبد الوهاب را ناروا دانسته بود، وی را نزد خود خواند تا اذرا وی را از اقامت در شهر بخواهد.

محمد بن عبد الوهاب در سخنانی طمع برانگیز، او را به یاری خود دعوت نمود، اما سخنانش سودمند نیفتاد. به ناچار به سال ۱۱۶۰ هجری قمری از شهر عینیه خارج و به شهر «درعیه» رهسپار گردید؛ امیر درعیه محمد بن سعود جد آل سعود به توصیه همسرش به دیدار وی شتافت و در پایان مذاکرات، توافق شد محمد بن عبدالوهاب رهبری مذهبی و محمد بن سعود، رهبری سیاسی و حکومت را بر عهده گیرد.

پس از آن محمد بن عبدالوهاب با نگارش نامه به رؤسا و قضات سرزمین نجد، همگان را به اطاعت از خود فراخواند و محمد بن سعود را به تجهیز سپاهی گران تشویق نمود. هر کس به او می‌گروید باید سرش را می‌تراشید^۲ و هر کس عقاید او را نمی‌پذیرفت و از پیروی وی سر باز می‌زد، همانند کافران محارب به قتل رسیده، اموالش تصاحب می‌شد و به عنوان غنیمت جنگی محسوب می‌گردید.^۳ شهرهای اطراف به تدریج مورد حمله قرار گرفت و تصرف آنها در دستور کار قرار گرفت. بدین سان سرزمین نجد، یمن و حجاز، مورد یورش قرار گرفت و تصرف شد.

اگر چه محمد بن عبد الوهاب در سال ۱۲۰۶ هجری قمری در اواخر امارت عبدالعزیز، در سن ۹۱ یا ۹۸ سالگی چشم از جهان فرو بست، اما حاکمان آل سعود با استناد به اندیشه و فتوای وی، در سالروز خجسته عید غدیر در هجدهم

۱- وهابیان، ص ۱۲۱.

۲- وهابیان، ص ۱۲۷، سرگذشت وهابیت، ص ۳۳.

۳- سبحانی، جعفر؛ مع الوهابیین، ص ۱۶.

ذی حجه سال ۱۲۱۶ هجری قمری، با سپاهی متشکل از بیست و پنج هزار نفر به شهر کربلا حمله نموده و بسیاری از مشتاقان زیارت قبر سالار شهیدان را که از ایران، ترکیه و سرزمین‌های عربی به آنجا عزیمت نموده بودند، به قتل رسانده، به غارت نمودن حرم امام حسین { و سوزاندن صندوق قبر حبیب بن مظاہر پرداختند.

حملات مکرر به نجف اشرف به دلیل عنایات الهی و آمادگی و مسلح شدن مردم به دستور آیت الله کاشف الغطا، ناکام ماند.

در سال ۱۲۱۸ هجری قمری پس از تصرف مکه، گنبد و بارگاه‌هایی که در جنة المعلی و ... وجود داشت، تخریب گردید و در سال ۱۳۴۴ ضریح امامان بقیع + در شهر مدینة النبی منهدم شد و جز حرم پیامبر گرامی اسلام {، مقبره‌ای پا بر جا نماند!

۳. آموزه‌های اعتقادی وهابیت

وهابیون، نه تنها فقط خود را، موحد کامل و بر کنار از هرگونه شرک دانسته!! بلکه خود را تنها منادی توحید در جهان و اساس مسلک خود را نشر توحید به ویژه توحید الوهیت (توحید عبادی) معرفی می‌کنند!! آنان دیگر فرقه‌های اسلامی را نسبت به توحید الوهیت، یا اساساً جاهل دانسته یا عقایدشان را آمیخته به شرک معرفی می‌کنند و به طور خاص و ویژه، بر اساس تعصب و عناد، بدون مراجعه به مطالب و شنیدن و فهم افکار ناب شیعی، شیعه را تکفیر و مورد هجوم انواع اتهامات قرار می‌دهند.

آن چه موجب تأسف شدید است و رسالت پیروان مکتب اهل بیت + را بسیار سنگین ساخته، نشر عقاید غلط و تجسم گرایانه در مورد خداوند متعال و صفات متعالی اوست که تحت عنوان دیدگاه اصیل توحید اسلامی معرفی و به دلیل اشتیاق فطری و جهل ناآشنایان نسبت به توحید ناب اسلامی، پذیرفته می‌شود و

یا با ترس از تکفیر و یا با جبر و خشونت بر آنها تحمیل می‌گردد!!
الف. توحید

خدایی که وهابیت و رهبران فکری آن، به گمان خود پرچم توحید او را برافراشته‌اند، دارای جسم و جهت و قابل اشاره است و از اعضا و جوارح و دست و صورت برخوردار می‌باشد و هم اکنون بر روی عرش استقرار یافته و در روز قیامت نیز با چشم سر دیده می‌شود!!

بنیانگذار این تجسیم و تشیبیه در اصول اعتقادی، احمد بن حنبل است که خدا را دارای جهت و بر روی عرش خود مستقر دانسته و انکار این عقیده را در حد ارتداد معرفی می‌کند.^۱

حتی فرزند او عبدالله بن احمد بن حنبل نیز به سندش از عمر بن خطاب نقل می‌کند: «هر گاه خداوند بر کرسی خود می‌نشیند، صدایی همانند صدای زین شتر هنگام سوار شدن شخص سنگین بر آن شنیده می‌شود!!!»^۲
ابن تیمیه نیز می‌گوید: «بسیاری از اهل اسلام درباره خالق معتقدند: او جسمی است که شبیه سایر اجسام نیست و حنابله و تابعین آنها بر این اعتقادند.»^۳

ابن تیمیه در کتاب الفتاوی می‌گوید: «آنچه که در قرآن و سنت ثابت شده و اجماع و اتفاق پیشینیان بر آن است، حق می‌باشد. حال اگر از این امر لازم آید که خداوند متصف به جسم بودن شود، اشکالی ندارد؛ زیرا لازمه حق نیز حق است.»^۴
ابن تیمیه تصريح می‌کند: اکثر اهل سنت بر اثبات رؤیت خدا اتفاق دارند و اجماع گذشتگان بر آن است که ذات احادیث را در آخرت می‌توان با چشم دید

۱ - طبیعی، نجم الدین؛ رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، انتشارات امیر العلم، ج ۱، ص ۲۲.

۲ - کتاب السنة، ص ۷۹.

۳ - بیان تلبیس الجهمیة، ج ۱، ص ۲۵.

۴ - الفتاوی، ج ۵، ص ۱۹۲.

ولی در دنیا نمی‌توان دید، ولی درباره پیامبر { اختلاف است که آیا او، خدا را در این دنیا دیده است یا خیر؟^۱

ابن تیمیه در برابر آیه شریفه سوره انعام که به صراحت، دیدن خداوند را به طور کلی نفی نموده، می‌فرماید: «لَاتُدِرِكُهُ الْابْصَارُ وَ هُوَ يُدِرِكُ الْابْصَارَ، دیدگان او را ادراک نمی‌کنند ولی او دیدگان را ادراک می‌کند».^۲ به توجیهی شگفت آور دست یازیده می‌گوید: «ممکن است رؤیت باشد، بدون آن که ادراک صورت گیرد.»^۳

ابن تیمیه آشکارا خداوند را دارای جهت و قابل اشاره می‌داند و در این اعتقاد، به ظاهر آیات و اخبار بسیاری استدلال می‌کند.^۴ وی کتاب رساله حمویه را برای اثبات این مطلب نوشته که خداوند در روی عرش و بالای آسمان‌ها است و می‌توان با انگشتان دست به او اشاره نمود و گاه نیز می‌خندد!! به اعتقاد وی هر کس معتقد نباشد خدا بر فراز عرش و در بالای آسمان هاست، باید او را توبه داد و اگر توبه نکرد، باید او را کشت!^۵

او گام را فراتر نهاده، به استناد برخی از آیات، خداوند را دارای اعضا و جوارحی همچون دست و صورت می‌داند، ولی به استناد آیه شریفه: «لَيَسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، چیزی مانند او نیست و اöst شنوای بینا.»^۶ لطف کرده، می‌گوید: اعضا و جوارح یا بالای عرش بودن خداوند، مثل دست و پا و صورت و بالای صندلی بودن مخلوقات نیست!! او تأویل

۱- منهاج المنتظم السنة النبوية، ج ۲، ص ۲۵۰.

۲- انعام: ۱۰۳.

۳- منهاج المنتظم السنة النبوية، ج ۲، ص ۲۷۸ - ۲۴۰.

۴- منهاج المنتظم السنة النبوية، ج ۲، ص ۲۴۰، الفتاوى الكبرى، ج

۵- ص ۵۴.

۶- جموعه الرسائل، رساله عقيدة الحموي، ج ۱، ص ۴۲۹.

۷- شوری: ۱۱.

این گونه آیات و جستجوی فهم مقصود آنها را کار متكلّمین و متأثّر از بیگانگان و ناپسند می‌داند!^۱

ابن قیم جوزیه شاگرد وی، نیز می‌گوید: «قرآن و سنت متواتر و اجماع صحابه و ائمه اسلام و اهل حدیث و ... بر این عقیده‌اند که خداوند متعال در روز قیامت با چشم سر به طور عیان رؤیت می‌شود؛ همان گونه که ماه شب چهارده و خورشید هنگام ظهر را می‌توان دید.»^۲

شگفت انگیزتر این که نماد تبلیغی وهابیت، دکتر فقاری به فرافکنی پرداخته و شیعه را متهم به تجسم نموده، می‌گوید: «اصل افکار تجسم و مذهب آن از شیعه سرچشمه گرفته است. ابن تیمیه اولین کسی است که این را به اثبات رسانده و گفته: اول کسی که در اسلام قائل به جسمانیت خداوند شده، هشام بن حکم می‌باشد.»^۳

ب. نبوت

ابن تیمیه، انبیا را پس از مبعوث شدن به نبوت آن هم فقط در موارد تبلیغ احکام، معصوم می‌داند.^۴ وی احادیث بسیاری را که در مورد زیارت قبر پیامبر {وارد شده، تضعیف و تخطیه نموده، به صراحة می‌گوید: «هر کس معتقد باشد، وجود پیامبر پس از وفات همانند وجود او در زمان حیات است، اشتباه عظیمی مرتکب شده است.»^۵

وی سیره صحابه را در زیارت قبور و به ویژه نزدیک شدن به قبر پیامبر را

۱- همان، ص ۴۲۹.

۲- هادی الارواح الى بلاد الارواح، ص ۳۰۵.

۳- اصول مذهب الشیعه، ج ۱، ص ۵۲۹؛ منهج المنظم السنّة النبوية، ج ۱، ص ۲۰.

۴- ابن شاكر، ج ۱، ص ۷۹.

۵- الرد على الأخنائي، ص ۵۴.

کافی نمی‌داند! وی حتی مشاهده قبر پیامبر را ممنوع دانسته، می‌گوید: دلیل دیگری، لازم است.^۱

به نظر ابن تیمیه، اگر کسی از زیارت قبر پیامبر، قصد دعا و سلام نداشته باشد، بلکه منظور او طلب حاجت از پیامبر باشد و برای این منظور در نزد قبر مطهر، صدای خود را بلند کند، چنین کسی رسول خدا را اذیت کرده و به خدا شرک آورده و به خود ستم روا داشته است.^۳ و اگر کسی بگوید: یا رسول الله! و یا نام‌های دیگر از این قبیل را بر زبان جاری سازد و قصد او از این خطاب‌ها، دفع شر یا جلب خیر باشد و اموری را در نظر بگیرد که جز خداوند کس دیگری قدرت انجام آن را ندارد، چنین کسی مشرك و ریختن خونش جایز و تصرف در اموال او مباح می‌باشد.^۴

ابن تیمیه هر روایتی را که مخالف عقاید اوست، مجعلوں معرفی می کند ولی برای اثبات آرای خود به هر حدیث و نوشته‌ای تمسک می جوید. وی تمام احادیث بیانگر اسباب نزول در مورد آیاتی که در فضایل اهل بیت وارد شده‌اند، همچنین روایات نبوی در این مورد را رد می کند، ولی به گونه‌ای مداوم از دشمنان آنها تمجید کرده و برای فضایل معاویه و عدم جواز سب و لعن یزید، دست به قلم می برد و کتاب می نویسد و در آنها یزید را از اتهام حمل سر مقدس امام حسین به شام و زدن حوب ب لب و دندان می اسما ک حضرتش، تبئه می کند.^۴

گفتنی است در مورد صحابه، وهابیون به تناقض عجیبی گرفتار آمده‌اند؛ از یک سو برخی از صحابه را کافر می‌دانند؛ بر اساس نوشته محمد بن عبد الوهاب: «گروهی از صحابه با آن که نماز می‌گزارند و در رکاب پیامبر جهاد نموده زکات

^١- الرد على الاخنائي، ص ١١٤ - ٩٩.

٢- الجواب الباهر، ص ٥٠

^٣-جزيرة العرب في قرن العشرين، ص ٣٣٩.

^٤ - رأس الحسين، ص ٢٠٧ و الوصيye الكبير، ص ٥٣ به نقل از ابن تيميه في صورته الحقيقة، ص ٢٤ - ٢٠.

می‌دادند و روزه می‌گرفتند، در عین حال کافر و از اسلام دور بودند.»^۱ و از سوی دیگر، عایشه، طلحه، زبیر و معاویه را در جنگ با امام علی، تبرئه کرده و کسانی چون یزید بن معاویه را با آن همه جنایت بی سابقه می‌ستایند.^۲ وهابیون از رهبران فکری گذشته خود همچون احمد بن حنبل و ابن تیمیه نیز پیشی گرفته‌اند. شیخ رضوان العدل شافعی مصری می‌گوید: «بعد از ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم ظهرور کرد، او خط ابن تیمیه را دنبال کرد و بر آن، حرف‌های سخیف و قبیحی را اضافه نمود. او رئیس طایفه وهابیه است، خداوند آنان را قبیح گرداند...»^۳

به عنوان نمونه، در حالی که احمد بن حنبل هیچ یک از اهل قبله را به دلیل انجام گناه کبیره و صغیره کافر نمی‌داند، مگر تارک نماز را! ابن تیمیه نیز می‌گوید: کسی که موافقان خود را دوست بدارد و با مخالفان خود دشمن باشد و در جماعت مسلمین، تفرقه ایجاد کند و کسانی را که در مسائل فکری و اجتهادی با او مخالفند، کافر و فاسق شمارد و جنگ با آنان را مباح داند، خود از اهل تفرقه و اختلاف است^۴، بن باز مفتی پیشین آل سعود می‌گوید: «کسی که منکر رؤیت خداوند متعال در آخرت است، پشت سرش نمی‌توان نماز گزارد و او نزد اهل سنت و جماعت، کافر است.»^۵

بیان دیگر آموزه‌های اعتقادی و نقد و بررسی مطالب پیش گفته، نیازمند تألیف کتاب مستقلی است و فرصت و مجال دیگری می‌طلبد.^۱

۱- ر. ک. الرسائل العملية النسبع و رسالۃ کشف الشیهات، ص ۱۲۰.

۲- ر. ک، وهابیت در ترازوی نقد.

۳- روضة المحتاجین لمعرفة قواعد الدين، ص ۳۸۴.

۴- مجموعه فتاوی این تیمیه، ج ۳، ص ۳۴۹.

۵- فتاوی بن باز، رقم ۲۸۸۷.

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۳۵ و ۲۳۶ و آیت الله سبحانی، آیین وهابیت و محمدی آشنا، علی؛ وهابیت در ترازوی نقد، ابراهیمی، محمد حسین؛ تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، قروینی، علامه سید محمد حسن؛ فرقه وهابی و پاسخ شیهات آنها، فقیهی، وهابیان و...

۴. آرای فقهی وهابیت

وهابیون چنین می‌پندارند که بناسازی، تعمیر و زیارت قبور، برگزاری نماز در کنار قبور، توسل و تبرک جستن، طلب شفاعت، نذر و برگزاری مجلس بزرگداشت انبیا و اولیای الهی، پرستش آنها محسوب شده و شرک و حرام است و مسلمانان به خاطر انجام این گونه اعمال، مشرک و در صورت عدم توبه مستحق قتل هستند!!

الف. تحریم بناسازی و تعمیر و ترمیم قبور

از دیدگاه ابن تیمیه و وهابیون، ساختن بنا بر فراز قبر پیامبران و اولیای الهی و تعمیر قبور آنان حرام و تخریب آن واجب است! دلیل آنان برخی از روایاتی است که «تسویه» قبور را مطلوب می‌داند و یا ساختن بنا بر آن را مکروه معرفی می‌کند!^۱

ب. تحریم ساختن مسجد، روشن نمودن چراغ، برگزاری نماز و دعا نزد قبور

در دیدگاه فقهی آنها، روشن نمودن چراغ، ساختن مسجد برای نماز و خواندن دعا در کنار مزار اولیای الهی حرام است! دلیل آنان پاره‌ای از روایات است که در آنها توصیه شده، قبور انبیا و صالحان را مسجد قرار ندهید.^۱

۱- ابن قیم الجوزیه، زاد المعاد الی هدی خیر العباد، ص ۶۶۱
۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۸ و سنن نسائی، ج ۳، ص ۷۷.

ج. تحریم سفر برای زیارت قبور و ممنوعیت زیارت قبور برای زنان وهابیون زیارت قبور را عبادت قبور نامیده، سفر نمودن برای زیارت قبور انبیا و اولیای الهی را حرام می‌دانند و در این فتوا به روایاتی از ابو هریره که سفر را تنها به سه مسجد توصیه می‌کند، تمسک جسته‌اند. آنان اعتقاد به همانندی وجود پیامبر در زمان حیات و پس از وفات را خطایی بزرگ معرفی می‌کنند.^۱

د. تحریم توسل و تبرک جستن به آثار اولیای الهی

نzed وهابیون، توسل به انبیا و اولیای الهی، عملی شرک آمیز و حرام است. آنان گاه توسل به ذات اولیا را ممنوع ولی توسل به مقام، دعا و شفاعت آنها را جایز و گاه توسل در حال حیات را مجاز می‌دانند و بعد از وفات را منع می‌کنند!!^۲

ه. تحریم ندا، استمداد و درخواست حاجت از غیر خدا

از دیدگاه مذهب وهابیت، هر گونه ندا، استمداد، استغاثه و کمک خواستن از غیر خداوند، عبادت کردن آنان و در نتیجه حرام و موجب شرک است!

و. تحریم درخواست شفاعت از اولیای خداوند

آنان گرچه اصل شفاعت را پذیرفته‌اند، ولی شفاعت خواستن از انبیا و اولیای الهی را شرک و حرام می‌دانند.

ز. تحریم سوگند به غیر خداوند

وهابیون سوگند به غیر خداوند را پرسش و عملی شرک آمیز و حرام می‌دانند!

۱- ر.ک: الرد على الالحانى، ابن تيمية.

۲ - مکارم شیرازی، ناصر؛ شیعه پاسخ می‌گوید، هشتم، ناصر مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۶ق، ص ۲۴۴.

ح. تحریم مجالس بزرگداشت یاد اولیای الہی

وهابیون برگزاری هر گونه مجلس بزرگداشت میلاد یا مجلس سالگرد رحلت و سوگواری پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت+ و گریه بر مصائب آنان و اطعام مردم در این مجالس را بدعت و حرام می‌دانند!

ط. تحریم نذر برای غیر خداوند

نزد وهابیون نذر و ذبح گوسفند برای غیر خداوند، عملی شرک‌گونه و حرام است!

۵. وهابیت در دوران معاصر

وهابیت در دوران معاصر با تکیه بر درآمدهای کلان نفتی و مجهر شدن به مراکز علمی - پژوهشی نوین و با برخورداری از پیشرفته ترین امکانات چاپ و نشر و با بهره برداری از فناوری و تکنولوژی‌های اطلاعات، طرح و برنامه و تاکتیک‌های جدیدی در پیش گرفته که بدان اشاره می‌شود:

الف. حوزه‌های دینی

حوزه‌های علمیه وهابیت، به تدریج به شکل دانشگاه درآمده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

دانشگاه اسلامی مدینه منوره: این دانشگاه که اکنون به یک مرکز اسلامی جهانی تبدیل شده، دارای پنج دانشکده شریعت، تبلیغ و اصول دین، قرآن و مطالعات سیاسی، روایات شریفه و مطالعات اسلامی و زبان عربی است.

دانشگاه ام القراء مکه: این مرکز علمی، دارای دانشکده‌های تعلیم و تربیت، مطالعات و کتابداری است و کتابخانه مجهر آن بیش از ۵۰/۰۰۰ جلد

کتاب دارد و بیش از ۲۰/۰۰۰ دانشجو از سراسر جهان در آن به تحصیل اشتغال دارند.

گفتنی است در این دو دانشگاه، دانشجویان خارجی همراه دانشجویان داخلی، با هزینه دولت عربستان و با دریافت کمک هزینه تحصیلی، به تحصیل، اشتغال دارند و پس از بازگشت به کشورشان، به تبلیغ وهابیت می‌پردازند. البته دانشگاه ملک سعود ریاض، با ایجاد دانشکده آداب و دانشگاه ملک عبدالعزیز جده با ایجاد دانشکده تربیت در مدینه نیز به گونه‌ای در این امر سهیم هستند.

ب. رهبران مذهبی

رهبران مذهبی وهابیت، نقش مهمی در مسائل مختلف این کشور دارند. در دوران معاصر، آنان دارای گرایشات گوناگون بوده‌اند و بر یک گونه و یک نظر نیستند؛ قشر سنتی آنها، تندره و مدافع سیاست و عملکرد حکومت است. در کنار آنان، روحانیون جوان و بنیادگرایی به وجود آمده‌اند که به عنوان جناح غیر رسمی، خود را احیاگر واقعی سلفی گری و وهابیت می‌دانند و از سیاست‌های دولت به ویژه در مورد ارتباط با جهان غرب انتقاد می‌کنند. عبدالله العبیکان، سفر الحوالی، سلمان العودة، الشعیبی، شیخ طریری و... نماد این طرز تفکر هستند. آنان پس از جنگ دوم خلیج فارس، نامه سرگشاده موسوم به «مذکرة النصيحة» را به پادشاه نگاشته و منتشر ساختند.

افزون بر آن، اخیراً گرایشات اعتدالی در میان روحانیون وهابی، رو به افزایش نهاده است و برخی از آنان بدفهمی نسبت به آموزه‌های اعتقادی و فقهی دیگر مذاهب اسلامی و تکفیر و مشرک خواندن آنها را برنتافته، به انتقاد از تندریوها مذهبی وهابیت پرداخته‌اند.

به عنوان نمونه می‌توان از «یوسف بن علوی» با نگارش کتاب «مفاهیم یجب ان تصحح؛ مفاهیمی که باید بازنگری و تصحیح شود»^۱ و شیخ حسن بن فرحان مالکی با نگارش کتاب «د اعیة و لیس نبیاً؛ محمد بن عبدالوهاب اصلاح طلب بود نه پیامبر!» نام برد. هر چند این کتب و صاحبان آن توسط قشر سنتی، مورد هجوم قرار گرفته و تکفیر شدند.

نمونه دیگر دکتر حمزه المزینی از متفکران معاصر سعودی است که با انتقاد و تفرقه افکنانه، خواندن نوشته اخیر شیخ سلمان العوده در روزنامه «الجزیره»، تکفیر شیعیان را اقدامی بر خلاف خواسته ملک عبدالله مبنی بر ایجاد همبستگی میان گروههای مختلف دانسته و از وی و دیگران خواسته که از به کار بردن واژه «الرافضی» برای شیعیان خودداری کنند.^۲

رهبری دینی عربستان در سازمان‌های ذیل، نهادینه شده است:

۱- خاندان آل شیخ

بر اساس توافق نخستین، رهبری مذهبی و اداره وزارت و سازمان‌های آموزشی، مذهبی و فرهنگی و قضایی در اختیار شیخ محمد بن عبدالوهاب، فرزندان و نوادگان وی می‌باشد؛ بدین رو طایفه آل شیخ دارای موقعیت و جایگاه خاصی در رهبری دینی وهابیت و عربستان می‌باشند.

۲- هیأت علمای بزرگ [هیئت کبار العلماء]

در رأس مؤسسه‌های دینی عربستان، «هیأت علمای بزرگ» قرار دارد. این سازمان که در سال ۱۳۷۳ قمری در زمان ملک فضیل تأسیس شد و اکنون

۱ - برای اطلاعات بیشتر به میقات حج، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۵۸، ص ۱۵۱ - ۱۷۴.

۲ - میقات حج، شماره ۱۶ پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۷۵.

مرکب از ۲۱ تن از علمای برجسته عربستان می‌باشد. وظیفه اصلی این سازمان صدور فتوی در مسائل مذهبی و سیاسی است. ریاست این سازمان که به حکم پادشاه منصوب می‌گردد، مفتی کل کشور «مفتی المملكة» نامیده می‌شود. اکنون مفتی کل و رئیس این سازمان، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل الشيخ است که از سال ۱۳۲۰ پس از مرگ بن باز، توسط ملک فهد به این سمت منصوب شده است.

۳- امامان جمعه و جماعت و مبلغان

در عربستان، بیش از ۶ هزار نماز جمعه و در اغلب ۳۰ هزار باب مسجد جامع و معمولی آن، نماز جماعت برگزار می‌گردد. در این مساجد، حدود ۹۰ هزار امام جماعت و مؤذن به انجام وظیفه مشغول هستند. افزون بر امامان جمعه و جماعت، پژوهشگران و مبلغان وهابیت نیز برای تعمیق فضای دینی کشور از کلیه وسایل و امکانات اطلاع رسانی بهره برداری نموده و به ترویج وهابیت در کشورهای مختلف می‌پردازند.

۶. مراکز و سازمان‌های وابسته

در تشکیلات حکومتی عربستان، سازمان‌هایی همچون وزارت حج، اوقاف و ... برای انجام امور مذهبی تأسیس شده و به انجام امور دینی می‌پردازند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. وزارت حج

وزارت حج عربستان که مسؤول تنظیم و هماهنگی مسائل حج است، برای اداره امور مختلف حجاج، چندین اداره تأسیس نموده که انتخاب و تغییر رؤسای

آنها از اختیارات وزیر حج می‌باشد:

۱. مؤسسه مطوفین: این مؤسسه در سال ۱۴۰۵ ه. ق برای ادامه خدمات رفاهی به حجاج به فرمان ملک فهد و تصویب هیأت وزیران، تأسیس شد. وظایف این مؤسسه، مدیریت امور استقبال، اسکان، نظم، ستاد هدایت گمشده‌گان، اداره درمان بیماران، بعثه‌ها، گذرنامه، حمل و نقل حاجیان برای رفتن به منا و عرفات، نظافت و مفروش کردن چادرها، تأمین آب آشامیدنی و جمع آوری زباله است.

۲. مكتب اهلبة الادلاء: این دفتر کلیه وظایف مؤسسه مطوفین در شهر مدینه منوره را بر عهده دارد.^۱

۳. النقابة العامة للسيارات = سندیکای ماشین داران زمان حج: تأمین وسایل نقلیه حجاج و حمل و نقل حاجیان را انجام می‌دهد.

۴. مكتب الوکلاء الموحد: ایجاد رابطه بین حجاج و بعثه‌های حج با سه مؤسسه مطوفین، مؤسسه راهنمایان و سندیکای ماشین داران و هماهنگی برنامه‌های رفت و برگشت حجاج به کشورهای خود و نقل و انتقالات بین شهری حجاج و حل و فصل مشکلات بعثه‌ها و حجاج و دریافت حق خدمات مؤسسه مطوفین و سندیکای اتوبوس داران و پرداخت آن به مؤسسات فوق بر عهده این دفتر می‌باشد.

۵. معهد خادم الحرمين الشريفين لابحاث الحج: این تشکیلات که برابر تصویب هیأت وزیران در سال ۱۴۰۱ ه. ق برای جمع آوری اطلاعات، پژوهش، حفظ محیط زیست و ارائه مشاوره فنی به شورای عالی حج تأسیس گردید، زیر نظر وزیر کشور و رئیس شورای عالی حج اداره می‌شود و دارای بخش‌های عمران و مهندسی، بهداشت و محیط زیست، امور اداری و انسانی، اطلاعات و خدمات علمی، امور تبلیغات و امور مالی می‌باشد.

۱ - آشنایی با مقررات عربستان، ص ۲۲ - ۳۱.

مراسم و جشن‌های رسمی در زمان حج

در زمان حج، مراسم رسمی گوناگونی صورت می‌پذیرد:

۱. در سال‌های گذشته روز یکم ذی حجه و در چند سال اخیر چند روز جلوتر یعنی در ۲۵ یا ۲۶ ذی حجه هر سال به دعوت امیر مکه مکرمه و با حضور دو نفر از هر کشور اسلامی، بعد از طلوع آفتاب، مراسم شستشوی کعبه مقدسه با گلاب، توسط امیر مکه به نیابت از پادشاه، انجام می‌پذیرد.
۲. عصر روز پنجم ذی حجه، پادشاه به منظور گستراندن محبت در میان نمایندگان کشورهای اسلامی، رؤسای کشورها و رؤسای بعثه‌های حج، آنها را برای صرف شام به دیوان ملکی قصرالسلام در جده دعوت می‌کند.
۳. روز یازدهم ذی حجه بعد از نماز مغرب، وزیر حج، رؤسای بعثه‌ها را تحت عنوان «اللندوَة الاسلامیة السنویة الكبری» جهت صرف شام، به قصر دیوان ملکی در منا دعوت می‌کند.
۴. روز چهاردهم ذی حجه، وزیر حج ساعت ۲۱ رؤسای بعثه‌ها را تحت عنوان «الحفل السنوی» برای گزارش خدمات و تسهیلات عربستان برای حجاج دعوت می‌کند. در این مراسم، رؤسای بعثه‌ها از خدمات دولت عربستان و نیز از شخص وزیر حج تشکر می‌کنند.^۱

ب. سازمان رابطه العالم الاسلامي

این سازمان با پذیرش عضویت نمایندگی از بیشتر کشورهای اسلامی در ریاض با بودجه سالانه‌ای بالغ بر دویست میلیون ریال سعودی تشکیل گردید و در بیشتر کشورهای جهان، شعبه دارد. ارائه آموزش‌های اسلامی، توزیع کتب اسلامی و قرآن، آموزش زبان عربی،

۱ - طالقانی، دکتر سید عبدالوهاب؛ مقررات عربستان، نشر مشعر، ص ۳۴ - ۳۶.

کمک به مؤسسات اسلامی و مبارزه با کمونیسم، مهم ترین وظایف این سازمان است و مبارزه فکری و عقیدتی با تشیع و سیاست با جریان‌های اسلامی - انقلابی همچون جهاد اسلامی و حزب الله، استراتژی تبلیغی این سازمان است.

جمع‌قده اسلامی، شورای عالی جهانی مساجد، سمینار زیربنایی تربیت اسلامی، جالس قاریه المساجد و سازمان جوانان اسلامی از مؤسسات وابسته به این سازمان هستند.

این سازمان در دهه اخیر، مبالغ هنگفتی صرف ترویج اسلام و هبای، نشر و حفظ قرآن، کمک به مؤسسه‌های ارشاد و سازمان‌های خیریه، ایجاد بیمارستان، درمانگاه، احداث هزاران مسجد و صدها مرکز اسلامی، مدرسه و دانشگاه در جهان کرده است و هزینه ایجاد انسستیوی جهان عرب در پاریس را پرداخت نموده است.

ج. سازمان امر به معروف و نهی از منکر

سازمان امر به معروف و نهی از منکر به منظور دعوت مردم برای برگزاری نمازهای جماعت و جمعه، نظارت بر رعایت شؤون اسلامی و حجاب بانوان و جلوگیری از فعالیت مراکز غیر شرعی تشکیل شده است.

این سازمان نقش پلیس منکرات را ایفا می‌کند و با گشت زنی مأموران خود که به «مطوع» شهرت دارند، با موارد غیر مشروع برخورد می‌کند. افراد این سازمان به دلیل برخوردهای تن و عملکرد خشن، مقبولیت اجتماعی ندارند و عامه مردم از آنان ناخرسند هستند.

د. مجتمع چاپ قرآن ملک فهد

این مجتمع که زیر نظر وزارت اوقاف است، در سال ۱۴۰۵ ه. ق در زمینی بالغ بر ۲۵۰/۰۰۰ متر مربع افتتاح شد و به چاپ متن، ترجمه و تفسیر قرآن، نشر سیره نبوی و مجموعه آثار ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب و تکثیر نوار قرائت

قرآن می‌پردازد.

این مرکز، قرآن کریم را در بیست نوع مختلف در اندازه‌های بزرگ، متوسط و کوچک چاپ می‌کند و متوسط تولید سالیانه آن ۱۰۰۰۰۰ نسخه است. همچنین این مرکز نوار شش قرائت را تکثیر کرده و تفاسیری در سه حجم و ترجمه‌هایی به زبان‌های زنده دنیا و کتب سیره نبوی و مجموع فتاوی این تیمیه را به چاپ رسانده است.

افزون بر آن، این مرکز به برگزاری دوره‌های تجوید نیز می‌پردازد.

۵. کارگاه بافت پرده کعبه

این کارخانه که برای هر سال یک پرده از حریر خالص طبیعی می‌بافد و با نخ‌های نقره طلا فام آن را تزیین می‌کند، در سال ۱۳۴۶ ه. ق به فرمان ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن ایجاد گردید و در سال ۱۳۹۷ ه. ق برای بار دوم تجدید بنا شد و توسعه یافت و ماشین آلات نساجی آن نوسازی و مدرن گردید.

۶. نهادهای دیگر

افزون بر سازمان‌های پیش گفته، اداره تحقیقات علمی و مذهبی و صدور فتاوی و دعوت و ارشاد، جمعیت حفظ قرآن، ریاست عام امور حرم مکی و حرم نبوی، سازمان رسیدگی به وضع اقلیت‌های اسلامی در کشورهای غیر اسلامی نیز به انجام امور مذهبی می‌پردازند و زیر نظر دستگاه مذهبی وهابیت، اداره می‌شوند.

۷. هدف، روش، تاکتیک و ابزارهای تبلیغی وهابیت

هدف

وهابی‌سازی امت اسلامی و ترویج مذهب حنبی.

پیش فرض‌ها

- الف. برداشت‌های خود در اصول و فروع را عین اسلام و قرآن پنداشتن و اعتقاد تجسم‌گرایانه خود را ملاک ارزیابی اعتقادات دیگر مسلمانان قراردادن.
- ب. هر گونه مخالفت با وهابیت را عین کفر و شرک و ضلالت و بدعت و مستحق قتل دانستن! البته ضعف منطق و خطأ و اشتباه و برداشت نادرست وهابیون از واژه هایی همچون شرک، مشرک، الله، شفاعت، دعا و بدعت در قرآن و روایات سبب شده که همه مسلمین را به جز پیروان عقاید خود مشرک بشمرند و حکم کفر آنها را صادر کنند.^۱
- ج. کافر و مشرک پنداشتن تشیع و لازم دانستن مبارزه گسترده و ابراز دشمنی صریح و مخدوش جلوه دادن آموزه‌های اصیل و مترقی آن.

پیشینه

نشر آموزه‌های وهابیت از ابتدای شکل گیری آغاز شد. ولی پیشینه ترویج آن در ایران و در میان شیعیان این سرزمین، به سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ برمی‌گردد که دست نشاندگانی همانند حکمی زاده، جزوہای به نام «اسرار هزار ساله» را که گزیده‌ای از افکار وهابی‌ها بود، در ایران منتشر ساختند. بلاfacile کتاب «کشف الاسرار» در رد آن به رشته تحریر درآمد. پس از وی احمد کسری، کتاب «شیعی گری» را با همین هدف شوم نوشت که مرحوم حاج سراج انصاری کتاب «شیعه چه می‌گوید؟» را در پاسخ آن نگاشت.

در سالیان اخیر وهابی‌ها فعالیت‌های بسیاری را در مناطق جنوبی ایران به خصوص در استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و کردستان برای گسترش آیین خویش دنبال می‌کنند که به لطف خداوند تاکنون ناکام بوده است.

۱ - وهابیت بر سر دو راهی، ص ۱۲۱ - ۸۳

برآیند و پیامد آموزه‌ها

اقدامات طالبان در افغانستان، ترورهای سپاه صحابه و ملت اسلامیه در پاکستان و حملات تروریستی در عراق و عربستان و دیگر مناطق جهان که به مخدوش کردن چهره تابناک اسلام انجامیده است، برآیند و پیامد آموزه‌های این مکتب است.

تشدید این گونه فعالیت‌های تروریستی، کار را به جایی رساند که هیأت کبار العلما را مجبور ساخت تا در تاریخ ۱۴۱۹/۴/۲ با صدور بیانیه‌ای، افراد را از تکفیر و کشتن دیگران، تحت این عنوان منع نموده و اسلام را دین محبت و دوستی، گفتگوی منطقی و حکیمانه و به دور از خشونت گرایی معرفی کنند.^۱

زمینه گسترش

نیاز و شوق فطری انسان نسبت به توحید و جذابیت آن برای مسلمانان و تکیه فربیکارانه وهابیت بر برآوردن این نیاز از یک سو و عدم تولید سخنرانی، کتب و نوشته‌های توحیدی متناسب با طیف گسترده و سطوح مختلف مخاطبان از سوی حوزه‌های علمیه شیعه از سوی دیگر، زمینه جولان دادن و فعالیت جریان وهابیت را فراهم آورده است، به گونه‌ای که افزون بر استفاده از دلارهای نفتی، کمک مالی بسیاری از دیگر مسلمانان را تحت عنوان «کمک به گسترش توحید» جمع آوری و هزینه می‌کنند!!

روش‌ها

وهابیت برای رسیدن به هدف خود از روش، تکنیک و ابزارهای کهن و نوین بسیاری استفاده می‌کند که به مهم ترین آنها اشاره می‌شود:

^۱ - وهابیت بر سر دو راهی، ص ۱۶۹ - ۱۸۰.

- الف. در فهم قرآن و روایات:** ۱. جمود بر ظواهر آیات و روایات ۲. برداشت نادرست از برخی از واژه‌های قرآنی و روایی همچون عبادت، بدعت، توسل و شرك و... ۳. گسترش و تعمیم یا محدود و تضییق نمودن محتوا و مصاديق آیات و روایات بدون استناد به هیچ دلیل.
- ب. در تبیین مطالب:** ۱. قیافه حق به جانب گرفتن ۲. برای منفعل ساختن مخالفان، با حالت تهاجمی، طلبکارانه و از موضع اسلام با دیگران سخن گفتن.
- ج. در برخورد با مخالفان:** ۱. تحقیر و توهین و مخالفان خود را با الفاظی همچون جاهل، اعداء الله، اعداء التوحید خواندن ۲. تهمت زدن و متهم ساختن به امور مختلف مثل تهمت به شیعه در عقیده به تحریف قرآن، پرسش و عبادت اهل بیت^۱، تخلف گسترده از سنت و سیره رسول خدا {، تکیه در اظهار مکنونات قلبی، لابالی بودن و ... ۳. تکفیر و اهل بدعت و ضلالت شمردن دیگر مسلمانان^۲. فتوای صریح به جواز قتل دیگران.
- د. در اقدامات عملی:** ۱. عدم پذیرفتن مناظرات و گفتگوهای منطقی و مباحثات خردورزانه و استدلالی ۲. إعمال خشونت مذهبی و انجام اقدامات تروریستی و قتل و ترور مخالفان.

تاكتیک‌ها

- ۱. تکیه بر توحید برای ذبح نبوت و امامت:** در اندیشه ناب توحیدی اسلامی، هیچ چیز و هیچ کس، از هیچ گونه اختیار و اراده استقلالی در برابر خداوند برخوردار نیست.^۱ بر این اساس، تمام شئون معجزه و کرامت انبیا و اولیای الهی، تجلی اراده خداوند و یکی از مجاری فیض و رحمت و نشانه‌ای از نشانه‌های

۱- انسان: ۳۰.

اوست^۱، به همین جهت قرآن کریم، به هیچ وجه جدا ساختن پیامبران از خداوند را بر نمی‌تابد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ يُرِيدُونَ أَن يُفْرِقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ يَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نُكْفُرُ بِبَعْضٍ وَ يُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»؛ کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می‌گویند؛ ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم، می‌خواهند میان این دو، راهی برای خود اختیار کنند.^۲ قرآن کریم، رفتن نزد پیامبر و استغفار آن حضرت را موجب برخورداری حتمی از مغفرت الهی می‌داند^۳ و سر بر تافتن از آن را نشانه نفاق معرفی می‌کند؛ «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوَا يَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رُسُولُ اللَّهِ لَوْلَا رُؤُوسُهُمْ وَ رَأْيَتُهُمْ يَصْدُونَ وَ هُمْ مُسْتَكِبُرُونَ»؛ و آن گاه که به آنان گفته می‌شود به نزد رسول خدا بیایید تا پیامبر برای شما استغفار کند، سرهای خویش را برگردانده استکبار می‌ورزند.^۴

آری باید توجه داشت که ولایت تکوینی انسان کامل که بر اثر بندگی خداوند حاصل می‌شود، یکی از مسائل مربوط به انسان و استعدادهای ویژه انسانی است که فقط به اذن و اراده خداوند ظهرور و بروز می‌یابد.^۵ در قرآن نمونه‌هایی از آن، همچون زنده ساختن مردگان، شفای بیماران بدون علاج، ایجاد صورت پرندگان و دمیدن جان در آن به اذن خداوند در مورد حضرت عیسی^۶ و انجام آعمال خارق العاده بر اساس اطلاع از حقایق امور توسط حضرت خضر بیان شده است.^۷

۱- هود: ۶۴ و

۲- نساء: ۱۵۰ .

۳- نساء: ۶۴

۴- منافقون: ۵

۵- مطهری، مرتضی؛ ولا و ولایت ها، ص ۶۸

۶- مائده: ۱۱۰ .

۷- کهف: ۸۲ - ۷۱

بر اساس این پیوند ناگسستنی است که انکار فرو فرستادن وحی به انسان، تنها انکار نبوت نیست؛ بلکه قدر ناشناسی از خداوند است: «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقًّا قَدِرَهُ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ؛ وَ آنِّي گاه که گفتن: «خدا چیزی بر بشری نازل نکرده»، بزرگی خدا را چنان که باید نشناختند».^۱ همچنان که نپذیرفتن رسالت پیامبران، انکار آیات الهی است: «فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لِكُنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحُدُونَ؛ در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند، ولی ستمکاران، آیات خدا را انکار می‌کنند.»^۲

در برابر این آموزه‌های اساسی قرآنی، وهابیت نه تنها بین خدا و پیامبران و اولیای الهی جدایی افکنده، بلکه آنها را در مقابل خدا قرار داده، به اسم نشر توحید، توجه به جایگاه انسان کامل و ولایت تکوینی او بر نظام الهی را، شرک و پرستش معرفی می‌کند! آنها معجزه و کرامت پیامبران و اولیای الهی را دقیقاً بسط و تجلی قدرت الهی ندانسته، گویا میان آثار آنها و تجلی اراده خداوند، نوعی جدایی و تفکیک وجود دارد و نافهمیده، اعتقاد به ولایت مأذون پیامبران و اولیای الهی را شرک و خرافه می‌خوانند! آنان ندانسته با جدا پنداشتن علل و اسباب و مجاری فیض الهی، خود به نوعی شرک خفی مبتلا هستند! به راستی آیا آنها نمی‌دانند نه تنها هیچ آدم عاقلی، پیامبر یا امامان را پرستش نمی‌کند و اصلاً به فکر هیچ مسلمانی چنین مطلبی خطور نمی‌کند، بلکه در نگاه همه مذاهب اسلامی به ویژه شیعه، اولیای الهی، بندگان محض و مخلص خداوند هستند که به اذن او، گاه تجلی اراده و مجرای ارائه فیض الهی می‌شوند و به هیچ وجه، هیچ اراده استقلالی در آنها فرض ندارد.

به فرموده شهید مطهری، اگر چه وجود وسائل و نسبت دادن تدبیر و امور به

.۹۱- انعام:

.۳۳- انعام:

غیر خداوند ولی به اذن و اراده خداوند، مانعی ندارد: «فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا؛ و (فرشتگانی) که کار (بندگان) را تدبیر کنند.»^۱ ولی «ادب اسلامی اقتضا می‌کند که ما خلق و رزق و احیاء و اماته و امثال اینها را به غیر خدا نسبت ندهیم؛ زیرا قرآن می‌کوشد که ما از اسباب و وسائل عبور کنیم و به منبع اصلی اینها دست یابیم و توجهمان به کارگزار کل جهان باشد که وسائل نیز آفریده او و مجری امر او و مظهر حکمت او می‌باشند.»^۲

بدین سان باید با فهم شمول و گسترش اراده الهی بر همه نظام هستی، معجزات انبیا و کرامات اولیای الهی را یکی از مجاری فیض و یکی از مصاديق اراده الهی دانست نه آن که یا راه افراط را پیش گرفت و اولیای الهی را دارای استقلال دانست و یا آن که چون وهابیون راه تفریط را پیمود و حتی توجه غیر استقلالی به آنان را شرک نامی‌د.

۲. فریقتن مسلمانان با استناد آموزه‌های خود به آیات گزینشی و برداشت نادرست و مغالطه‌آمیز از آنها بدون توجه به مفاد آیات دیگر و یا تطبیق نابجای این آیات و روایات: وهابیون کلیه آرای کلامی و فقهی خود را به یک آیه یا روایت استناد می‌دهند، بدون آن که دلالت آن آیه را بر مدعای خود اثبات کنند. آنان حتی از اشاره به آیات و روایات دیگر که به صراحة یا به ظاهر بر ضد رأی آنها دلالت می‌کند، چشم می‌پوشند!!

تطبیق آیات، به طور نا به جا هم یکی از تاکتیک‌های آنها است. مثلاً تطبیق آیه شریفه: «إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ؛ البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی.»^۳ بر رسول خدا و اهل بیت پیامبر، برای اثبات این که آنها پس از

۱- نازعات: ۵.

۲- مظهری، ولاء و ولایت ها، ص ۶۴ - ۶۵

۳- نمل: ۸۰

مرگ دیگر صدایی را نمی‌شنوند!^۱ یا تطبیق آیات بسیاری که در مورد بت پرستان و مشرکان نازل شده بر مسلمانان! بلکه آنها گام را فراتر گذاشته، چنین می‌گویند: «مشرکان زمان ما از مشرکان عصر پیامبر {که آن حضرت با آنها جنگید، بدترند! به دو دلیل: اولاً مشرکان زمان پیامبر، تنها در حال آرامش به غیر خدا متولّ می‌شوند ولی هنگامی که گرفتار بلا، مثلاً گرفتار امواج خروشان دریا می‌شوند، خالصانه خدا را می‌خوانند: **فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا تَجَّأْهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ**; و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند، خدا را پاکدلانه می‌خوانند، ولی چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد به نگاه شرک می‌ورزند.^۲ ولی مشرکان زمان ما در هر دو حال به غیر خدا متولّ می‌شوند، هم در رفاه و هم در بلا! ثانیاً: مشرکان جاهلیت، سنگ و چوبی را می‌پرستیدند که مخلوق و مطیع خدا است! ولی مشرکان عصر ما، افراد فاسق را می‌پرستند.^۳ به این ترتیب خون و مال و ناموس آنها مباح تر است!^۴

۳. جانداختن رهبران فکری خود: جا انداختن رهبران فکری خود همچون ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب به عنوان شیخ الاسلام و شیخ حدیث در میان اهل سنت، یکی از شگردهای جدید وهابیون است. این تلاش که با چاپ و احیای کتب و ترویج آثار و عقاید آنان همراه است، در حالی صورت می‌پذیرد که این رهبران، همواره هدف انتقاد علمای بزرگ اهل سنت واقع شده‌اند، ذهبي، آرای ابن تیمیه را غلط و بدعت اعلام آمیز دانسته و شوکانی از بخاری نقل می‌کند که او را تکفیر کرده و گفته است: هر کس ابن

۱ - وهابیت بر سر دو راهی، ص ۱۰۵.

۲ - عنکبوت: ۶۵

۳ - ظاهراً مقصود آنها بعضی از سران صوفیه هستند.

۴ - شرح کشف الشبهات، ص ۱۰۰.

تیمیه را شیخ الاسلام بخواند، کافر است!^۱ ابن بطوطة او را دارای اختلال عقلانی و سفیه شناسانده^۲ و معاصرانش به خاطر عقیده به تجسم او را به زندان افکنده‌اند.

۴. احیا، چاپ و نشر ده‌ها میلیون کتاب علیه عقاید و روش فقهی

تشیع و توزیع گسترده و رایگان آنها با هدف بدین نمودن دیگران و به تردید افکندن شیعیان و زدن تهمت‌های آشکار به زبان‌های مختلف به ویژه اخیراً که کتب بسیار زیادی به زبان فارسی و با به کار گرفتن روش‌های ملايم تر و استفاده از گفتمان رایج و ارجاع به کتب شیعی، به ترویج و تبلیغ دیدگاه‌های وهابی می‌پردازند.

۵. تأکید بر اجتهاد برای تحمیل دیدگاه‌های خود بر دیگر اهل سنت:

یکی از تاکتیک‌های جدید وهابیت برای ترویج تعصبات اهل حدیث و تحمیل دیدگاه‌های حنابله و خودشان بر دیگران و مبارزه با اعتقادات و فتاوی دیگر عالمان و اندیشمندان اسلامی از شیعه و سنی، آن است که می‌گویند: ما نباید مقلد دیگران، بلکه باید پیرو دلیل باشیم و خود به اجتهاد بپردازیم، آن گاه مقلدانه رأی ابن تیمیه را ارائه و تحمیل می‌کنند!!

۶. گرفتن ژست روشنفکری برای پوشاندن نقاط ضعف و چالش‌های

اساسی خود: بدون تردید، خشونت فوق العاده، تحمیل عقیده، تعصب شدید و افراطی، عدم آشنایی به ارزش‌های فرهنگی، جمود و مخالفت با هر پدیده نوین، ضعف منطق و برداشت‌های مغالطه آمیز آنان از آموزه‌های اسلامی و تضاد شعارها با عملکرد، یعنی ادعای مبارزه با شرک از یک سو و دوستی بلکه صمیمیت هر چه بیشتر حکومت وهابیت با مشرکان جهان از سوی دیگر، وهابیت را به پایان عمر و

۱ - صرح محمد البخاری الحنفی المتألف ۸۴۳ بتبديعه ثم تکفيره ثم صار يصرح في مجلسه: ان من اطلق القول على ابن تيميه انه شيخ الاسلام فهو بهذا الاطلاق كافر، الغدير، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲ - وكان في عقله شيء؛ الرحله، ص ۹۵.

راه خویش نزدیک کرده است.^۱ اما تاکتیک جدید آنها این است که با گرفتن ژست‌های روشنفکر مآبانه همچون مبارزه با خرافات، پرهیز از تقلید پیشینیان و پرهیز از مرده پرستی و... بر ضعف‌های اساسی خود سرپوش نهند!

ابزارها

۱. مباحثات مغالطه‌آمیز کوتاه برای القای مطالب خود.
۲. تدوین، چاپ و نشر کتب و مقالات؛ اخیراً ایجاد و القای شبهه در میان حاجیان به وسیله نشر کتب و جزوای فارسی مورد توجه خاصی قرار گرفته است و با موضوعات و عنایتی همچون «دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب»، «عقیده اهل سنت و جماعت»، «آموزش نماز»، «پناهگاه توحید»، «درس‌های عقیدتی بر گرفته از حج»، «خویشاوندی بین ابوبکر صدیق و امام صادق»، «ماجرای غدیر خم و رابطه آن با اصل امامت»، «گفتگویی آرام و دوستانه» و «ازدواج مجدد» در تیراز بسیار زیادی چاپ و توزیع می‌شود.
۳. تولید و توزیع و استفاده گسترده از نوار کاست، سی دی و فیلم‌های آموزشی و اینترنت برای گسترش افکار خود.
۴. تشکیل و نفوذ در سازمان‌های بین المللی اسلامی همچون رابطه العالم الاسلامی و ...

۸. راهکارهای مقابله

برای مقابله اساسی با تبلیغات گسترده و برنامه‌ریزی شده وهابیت بای‌د امور ذیل را مورد توجه و عمل قرار داد:

^۱ - وهابیت، بر سر دو راهی، ص ۱۵.

الف. گرفتن پرچم گسترش و آموزش توحید از دست وهابیون

گرفتن پرچم گسترش و آموزش توحید از دست وهابیون با نمایان ساختن و تأکید بیشتر بر چهره توحیدی تشیع از طریق شناساندن توحید ناب اهل بیت+ به جهانیان. با توجه به تشدید فضای تکفیر و مشرک خواندن مخالفان، باید استراتژی شیعه از گفتمان دفاع از توسل، تبرک، شفاعت، زیارت و عزاداری به گفتمان تهاجمی در مورد توحید و شناساندن دیدگاه ناب اهل بیت+ در زمینه توحید، تغییر یابد.

اکنون حوزه‌های علمیه و فرزندان و تربیت شدگان شایسته آن در ایفای رسالت بزرگ خود، باید با استفاده از منابع غنی شیعه، معارف ناب توحیدی نبوی و ولوی تشیع را به جهانیان معرفی کنند و آموزه‌های صحیح پیامبر و اهل بیت او در این زمینه را به همگان بشناسانند. آری باید برای گوش‌ها، سخنرانی و برای عقل‌ها، خوارک فکری و برای دل‌ها، خوارک معرفتی مناسبی در زمینه معرفی توحید ناب شیعی فراهم و تقدیم کرد و گرنه دشمنان، از این عرصه‌های خالی، سوء استفاده کرده و می‌کنند.

بدون شک این استراتژی، بهترین راه مبارزه بنیادین با وهابیت است؛ زیرا مشت آنان را باز کرده و توخالی و ناصحیح بودن عقاید جمود گرایانه آنان در مورد توحید را ثابت می‌کند و حربه و پرچم «مبارزه برای توحید» را از دست آنان خواهد گرفت.

ب. چاپ و نشر گستردۀ قرآن با آرم جمهوری اسلامی

چاپ و نشر گستردۀ قرآن با آرم جمهوری اسلامی و ارسال و اهدای آن به کشورهای اسلامی، اعتقاد تشیع و اهتمام جمهوری اسلامی به ایمان و عمل به قرآن کریم را اثبات می‌کند و تبلیغات سوء متهم سازی تشیع به تحریف قرآن را خنثی می‌کند.

ج. چاپ و نشر و توزیع گستردہ و رایگان جزوہ‌های کوچک

چاپ و نشر و توزیع گستردہ و رایگان جزوہ‌های کوچک به زبان‌های مختلف، مشتمل بر بیان آموزه‌های توحیدی و دعاها متأثر از اهل بیت و اهدای آن به برادران اهل سنت و توده عمومی وهابیت، مقابله فرهنگی مناسبی است که باشد در دستور کار قرار گیرد.

د. بر عهده گرفتن مسؤولیت شناساندن، ترویج و تبلیغ سنت نبوی

یکی از راهکارهای مقابله، بر عهده گرفتن مسؤولیت شناساندن، ترویج و تبلیغ سنت نبوی و طلب کردن پیروی از سنت آن حضرت از همه مسلمانان است؛ متأسفانه اکنون سنت نبوی از طریق امامان چهارگانه اهل سنت و افرادی چون ابن تیمیه و ابن قیم در میان مسلمانان اهل سنت ارائه می‌گردد و با کمال تأسف در طول زمان در برخی از موارد که سنت خلفای راشدی، خلفای اموی و عباسی، به جای سنت نبوی، جایگزین و تثبیت شده است و هم اکنون به نام سنت نبوی یا سنت صحابه و تابعین، تقدیس می‌شود و مورد عمل قرار می‌گیرد و هر گونه تخلّف از آنها، بدعت معرفی می‌شود، در حالی که خود آنها بدعت است!!

بدون شک مسؤولیت جداسازی سنت نبوی از سنت‌های اموی و عباسی که جایگزین سنت نبوی شده‌اند و معرفی سنت صحیح نبوی از بیان اهل بیت آن حضرت، بر دوش شاگردان مکتب امام صادق { است. بی گمان، اگر روحانیت تشیع، گفتمان تبیین سنت نبوی را در پیش گیرد، یکی از امتیازات و برجستگی‌های بی بدیل شیعه را روشن خواهد ساخت و سخنانش نزد حقیقت جویان اهل سنت، مسموع و مطلوب بوده و از بهترین راه‌های مقابله با اتهامات وهابیت است.

ه. بر جسته و فرهنگ‌سازی آیات مورد استناد در آموزه‌های شیعی

برجسته و فرهنگ سازی آیات مورد استناد در آموزه‌های شیعی و نشر آنها به طرق مختلف و مستند ساختن دیدگاه اعتقادی و فقهی شیعی به منابع معتبر اهل سنت با گردآوری، تلخیص برخی از کتب پیشین و تدوین جزوای نوین با این روش، یکی از راههای مقابله است.

و. برگزاری نشست‌های مشترک با علمای اهل سنت داخل و خارج کشور

برگزاری نشست‌های مشترک با علمای اهل سنت داخل و خارج کشور و باز کردن باب مراوده علمی و پاسخ‌گویی به شبهه افکنی‌های وهابیت برای تنوير افکار و مصنون سازی آنها در برابر پروژه وهابی‌سازی، راهی است که باید مورد توجه جدی قرار بگیرد.

ز. دعوت رسمی و برگزاری نشست‌های مشترک با وهابیون داخل و خارج کشور برای معرفی حقیقت شیعه به آنها

دکتر عصام العماد در نشست «بررسی ریشه‌های انحراف وهابیت در شناخت شیعه»، شناساندن مذهب شیعه به وهابیت را بر اساس ساختمان فکری و متناسب با ساختار عقیدتی آنان نسبت به شیعه دانست؛ به گفته‌وی، «اول باید توحید از دیدگاه شیعه را برای وهابیون تبیین کنیم و ثابت کنیم که مفاهیم توحیدی شیعه از قرآن گرفته شده، سپس ثابت کنیم که احکام دینی ما از قرآن و سنت است، بعد ثابت کنیم که اهداف ما اهداف اسلامی است، بعد ثابت کنیم که منابع مذهب شیعه، همین کتاب و سنت است. سپس بیان کنیم که امامت به مفهوم شیعه، همان مفهوم قرآنی آن است و بعد از این مرحله بیان کنیم که هویت ما هویت اسلامی است و اگر این روند صورت گیرد، ثابت می‌شود که پیدایش شیعه از زمان رسول خدا { بوده و در این هنگام است که هدایت وهابی‌ها

بر اساس ساختار فکری خود آنها صورت می‌گیرد.»^۱

ح. سامان‌دهی تبلیغ داخل و خارج کشور

سامان‌دهی تبلیغ داخل و خارج کشور برای آموزش آموزه‌های قرآن، سنت نبوی و معارف اهل بیت و فراخواندن مردم کشور به آن، یکی از راه‌های اساسی مقابله با وهابیت است.

ط. روشنگری منطقی و مبارزه عملی

روشنگری منطقی و مبارزه عملی سنجیده با کارهایی که بهانه به دست وهابیون و جریان‌های مشابه آن می‌دهد، همانند مذاهی‌های غلوگایانه و کاربرد تعابیر غلوآمیز، اظهار بندگی نسبت به اهل بیت، نخستن به مزارها و ارشاد کردن افراطی گرایان و بازگرداندن آنها به راه صحیح و تبدیل توسل به یک مکتب انسان ساز و تربیت کننده^۲ و هدایت و راهنمایی حجاج و معتمران به طور خاص و بازداشت آنان از اعمالی همچون طلبی‌دن و برداشتن خاک بقیع، بستن نخ و پارچه به شبکه‌های آن، نماز زیارت گزاردن در کنار بقیع با امکان اقامه آن در مسجد نبوی، راهی است که وهابیون را از بهانه‌جویی بازداشته، خلع سلاح می‌کند.

۹. تذکر اساسی

با عنایت به آن که هدف، استراتژی، شیوه و تاکتیک شیعه و روحانیون و مبلغان فرهیخته آن، ابراز دشمنی، غلبه بر حریف، مقابله به مثل و تندخوبی و خشونت در برابر مخالفان و دشمنان نیست؛ بلکه هدف، انجام خالصانه رسالت الهی، یعنی تعلیم صحیح دین الهی، تبیین آموزه‌های قرآنی، آموزش سنت و سیره

۱ - افق حوزه، چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۸۶، شماره ۱۸۲، ص ۵

۲ - حسینی نسب، سید رضا؛ شیعه پاسخ می‌دهد، نشر مشعر، نهم، ۱۳۸۲، قم، ص ۲۴۸.

نبوی و شناساندن معارف ناب اهل بیت مکرم آن حضرت و مبارزه با بدعتها و پیراستن چهره تابناک اسلام از آرایه هایی است که در اثر مرور زمان پدید آمده اند و روش این پرچم داران، هدایت مردم، ارائه حقیقت البته با گفتمان تهاجمی در مسأله توحید و سنت و از موضع دعوت و مطالبه نسبت به توحید و پیروی سنت، با اخلاقی نیکو و گفتاری نرم و مستدل و منطقی است، برای موفقیت در عرصه مقابله با وهابیت، روحانیون عزیز باید خود را برای این رسالت الهی آماده سازند و اقدامات ذیل را در دستور کار خود قرار دهند:

الف. شناخت دقیق مبانی و آموزه های وهابیت و کثری و انحرافات آن به طور مستند و شناساندن چالش های آن به جامعه اسلامی اعم از سنی و شیعه.

ب. بازشناسی فرایند متهم ساختن تفکر ناب شیعی و مجهز شدن افراد و گروه هایی برای پاسخ گویی فوری به کتب و جزو اشکالات جدید آنان در عرصه مطبوعات، سخنرانی و سایت های اینترنتی.

ج. حفظ آیات مورد نیاز، توسط روحانیون، بر جسته و فرهنگ سازی آیاتی که مطالب مورد اختلاف را به صورت جامع ارائه می کند و از استنادهای گزینشی و یک سو نگری وهابیون باز می دارد.

د. تسلط یافتن روحانیون بر سنت و سیره نبوی بر اساس بیان اهل بیت و فرا گرفتن مستندات آن در کتب معتبر اهل سنت.

چکیده فصل

وهابیت، پدیده‌ای سیاسی یا نوعی پیشینه گرایی و یا مذهبی ابداعی در قرن دوازدهم است که تفکر اشعری، آموزه‌های اهل حدیث به ویژه مذهب حنبلی و سلفی گرایی متعصبانه افرادی همچون برباری، ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه، پیشینیه تاریخی و زمینه فکری آن را شکل داده است. محمد بن عبدالوهاب بنیان گذار آن علی رغم مخالفت پدر، برادر و عالمان سنی و حنبلی، با پیمان بستن و اتحاد با آل سعود در پرتو شمشیر، حکومت وهابیت را پی افکند.

تجسم گرایی در مورد خداوند متعال به دلیل جمود بر ظاهر آیات و روایات و دوری از هر گونه جستجوی معنای حقیقی، مرده و بدون حیات برزخی پنداشتن پیامبر و اولیا، منحصر دانستن عصمت انبیا به بعد از بعثت، آن هم فقط در مورد تبلیغ دین، از آموزه‌های اعتقادی وهابیت است و عبادت و پرستش پنداشتن هر گونه زیارت، ترمیم قبور و نمازخواندن کنار آن، توسل، استمداد، شفاعت خواهی، تبرک، نذر، سوگند و برگزاری مجالس بزرگداشت انبیا و اولیای الهی و شرك خواندن و تحریم آنها از آرای فقهی وهابیون می‌باشد.

فرافکنی و نسبت دادن مطالب دروغ به مخالفان، جعلی خواندن روایت مخالف عقیده خود و کنار نهادن گفتار و فتاوی بزرگان اهل سنت تحت عنوان اجتهاد، انکار فضایل اهل بیت و فضیلت تراشی برای افرادی همچون معاویه و فتوا به عدم جواز لعنت یزید از روش‌های وهابیون در طرح مباحث علمی و مناظرات است. چنان که اهدای قرآن و توزیع بسته‌های آموزشی به زبان‌های گوناگون در میان

حاجیان و معتمران، برپا ساختن مراکز ارشاد و صدور فتوا، بهره برداری رهبران مذهبی از سایتهاي اينترنتي به طور فعال و روز آمد، از اقدامات عملی است که برای گسترش افکار وهابیت از آن استفاده می شود.

جمود بر ظواهر آيات و روایات، برداشت نادرست از برخی از واژه‌های قرآنی و روایی، گسترش افکار و تعمیم یا محدود و تضییق نمودن بدون دلیل محتوا و مصادیق آيات و روایات، حالت تهاجمی، قیافه حق به جانب گرفتن، از موضع اسلام با دیگران سخن گفتن، تحقیر و توهین و تهمت به مخالفان و تکفیر و فتاوی صریح به جواز قتل آنها و عدم پذیرفتن مناظرات و گفتگوهای منطقی و إعمال خشونت مذهبی و قتل و ترور مخالفان از شیوه‌های وهابیون است.

تکیه بر توحید برای ذبح نبوت و امامت، فریften مسلمانان به وسیله استناد به آيات گزینشی و برداشت نادرست و تطبیق نا به جای آيات و روایات، جا انداختن رهبران فکری خود همچون ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب به عنوان شیخ الاسلام و شیخ حدیث، احیا، چاپ و نشر دهها میلیون کتاب علیه عقاید و روش فقهی تشیع و توزیع گستردۀ رایگان آنها، تأکید بر اجتهاد برای تحمیل دیدگاه‌های خود بر دیگر فرقه‌های اهل سنت، گرفتن ژست روش‌نگری برای پوشاندن نقاط ضعف و چالش‌های اساسی خود، از تاکتیک‌های وهابیت معاصر است.

انجام مباحثات مغالطه آمیز کوتاه، تدوین، چاپ و نشر کتب و مقالات به ویژه به زبان فارسی، تولید و توزیع و استفاده گستردۀ از نوار کاست، سی دی و فیلم‌های آموزشی و اینترنت برای گسترش، تشکیل و نفوذ در سازمان‌های بین المللی اسلامی از ابزارهای تبلیغی آنان است.

در برابر، گرفتن پرچم گسترش و آموزش توحید از دست وهابیون و شناساندن توحید ناب اهل بیت به جهانیان، چاپ و نشر گستردۀ قرآن با آرم جمهوری اسلامی و تدوین جزووهای کوچک به زبان‌های مختلف مشتمل بر بیان

آموزه‌های توحیدی و دعاهای مؤثر اهل بیت، بر عهده گرفتن مسؤولیت شناساندن، ترویج و تبلیغ سنت نبوی، برجسته و فرهنگ سازی آیات مورد استناد در آموزه‌های شیعی، سامان دهی تبلیغ داخل و خارج کشور برای آموزش آموزه‌های اساسی قرآن، سنت و معارف اهل بیت، روش‌نگری منطقی و مبارزه عملی سنجیده با کارهایی که بهانه به دست وهابیون می‌دهد، راههای مقابله با وهابیت هستند.

مبلغان دینی برای انجام رسالت الهی خویش باشد به دور از تندي و ابراز دشمنی، با اخلاقی نیکو و گفتاری مستدل، با حفظ آیات مورد نیاز در استدلال و با شناخت دقیق سنت نبوی بر اساس بیان اهل بیت و آگاهی از مستندات آن در کتب اهل سنت خویش را برای مقابله آماده سازند.

پرسش‌ها

۱. آیا وهابیت یک پدیده سیاسی است یا احیای جنبش اهل حدیث و حنبلی گرایی یا مذهب ساختگی و ابداعی؟ استدلال کنید.
۲. زمینه‌های فکری و پیشینه تاریخی وهابیت را بنویسید.
۳. بنیان گذار وهابیت کیست؟ نخستین مخالفان وی چه کسانی بودند؟
۴. آموزه‌های اعتقادی وهابیت پیرامون توحید، نبوت و صحابه را بنویسید.
۵. آرای فقهی وهابیت را نام ببرید.
۶. هدف اساسی، تاکتیک و ترفندهای ترویجی وهابیت را بنویسید.
۷. راه‌های مقابله با وهابیت را بنویسید.
۸. برای موفقیت در عرصه مقابله، چه اقداماتی باید توسط خود روحانیون صورت پذیرد؟

برای مطالعه بیشتر

۱. آیت الله سبحانی، جعفر؛ آیین وهابیت.
۲. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر؛ شیعه پاسخ می‌گوید و وهابیت بر سر دو راهی.
۳. ابراهیمی، محمد حسین؛ تحلیلی نو بر عقاید وهابیان.
۴. اسداللهی، سید محمد؛ وهابیت توطئه استکبار.
۵. دحلان، احمد بن زینی؛ سرگذشت وهابیت، ترجمه ابراهیم وحید دامغانی.
۶. رضوانی، علی اصغر؛ خدا از دیدگاه وهابیان.
۷. سلیمان بن عبدالوهاب النجده، الصواعق الالهیة فی الرد علی الوهابیة، سوم.
۸. طبیسی، شیخ نجم الدین؛ رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت و روافد الایمان الی عقاید الاسلام و فرقه‌ای برای تفرقه.
۹. فقیهی، علی اصغر، وهابیان.
۱۰. قزوینی، علامه سید محمد حسن؛ فرقه وهابی و پاسخ شباهات آنها.
۱۱. مستر همفر، خاطرات، ترجمه علی کاظمی.
۱۲. محمدی آشنانی، علی؛ وهابیت در ترازوی نقد.
۱۳. مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ابن تیمیه فی صورته الحقيقة.

منابع و مأخذ

١. قرآن کریم.
٢. ابراهیمی، محمد حسین؛ تحلیلی نو بر عقاید وهابیان.
٣. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، دار صادر، بی تا، بیروت.
٤. ابن بطوطة، رحله؛ تحفة الناظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار، مؤسسة الرسالۃ، بیروت، بی تا.
٥. ابن تیمیه فی صورته الحقيقیه، گروه مؤلفان، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۹۹۴ م.
٦. ابن تیمیه، الرد علی الاخنائی، مطبعه سلفیه، مصر، بی تا.
٧. ابن تیمیه، منهاج السنۃ النبویة ، تحقیق: دکتر محمد رشاد سالم ، جامعہ امام محمد بن سعود الاسلامی^۴، مکتبة جامعۃ عربستان، سال ۱۴۰۶ ق، ۱۹۸۶ م.
٨. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب.
٩. ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق: رضا تجدد، مکتبة اسدی و جعفری تبریزی، بی تا، تهران.
١٠. ابو عیسی محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دار الفکر، بی تا، بیروت.
١١. اخنائی، قاضی؛ المقاله المرضیه فی الرد علی الوهابیه، بی تا، بی جا.

۱۲. ازرقی، محمد بن عبدالله بن احمد؛ اخبار مکه و ما جاء فيها من الاثار، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ و نشر بنی اد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
۱۳. اسداللهی، سید محمد؛ وهابیت توطئه استکبار.
۱۴. آغابرگ طهرانی، ملامحسن، الذریعة الى تصانیف الشیعہ، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، بی تا، قم.
۱۵. امینی، محمد هادی؛ تاریخ مکه، ترجمه محسن آخوندی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۷۶، تهران.
۱۶. البتنونی، محمد لبیب، الرحلۃ الحجازیہ، مکتبه الثقافۃ الدینیہ، ۱۳۲۸، ۱۹۱۰، قاهره. (ترجمه شده: هادی انصاری، سفرنامه حجاز، مشعر، ۱۳۸۱، تهران).
۱۷. البدر، عبدالرزاق، عبدالمحسن، درس‌های عقیدتی بر گرفته از حج، ترجمه عبدالله حیدری، اوّل، ۱۳۸۱، مدینه منوره.
۱۸. برازش، محمد رضا، عربستان سعودی، آفتاب هشتم، اوّل، ۱۳۸۵، مشهد.
۱۹. البلادی، عاتق بن غیث، قلب الحجاز، دار مکه للنشر والتوزیع، مکه مکرمه، چاپ اول، ۱۴۰۵ / ۱۹۸۵.
۲۰. جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۶.
۲۱. جمعی از استادی ملک سعود، در اسارت تاریخ الجزیره العربية، ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴.
۲۲. حافظ وھبی، جزیرة العرب فى القرن العشرين، چاپ مصر، سوم، ۱۳۷۵ / ۱۹۵۶.
۲۳. حجازی، صادق علی، البعثات الخارجیه للمملکة العربية السعودية، مطبوعات نادی مکة الثقافی، اوّل، ۱۴۰۳ هـ.
۲۴. حسینی نسب، سید رضا؛ شیعه پاسخ می‌دهد، نشر مشعر، نهم، ۱۳۸۲، قم.

٢٥. دحلان، احمد بن زینی؛ سرگذشت وهابیت، ترجمه ابراهیم وحید دامغانی، نشر گلستان کوثر، دوم، ۱۳۷۸.
٢٦. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، اول، میراث ماندگار، ۱۳۸۶.
٢٧. دلیل الفنادق، معهد خادم الحرمين الشریفین لأبحاث الحج، مکه مکرمہ، چاپ اول، ۱۴۲۲ / ۲۰۰۱.
٢٨. دلیل المملكة العربية السعودية، وزارت اعلام عربستان سعودی، ۱۹۹۶.
٢٩. دولت آبادی، حسن؛ فرهنگ محیط زیست، اول، مؤسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲، تهران.
٣٠. رضوانی، علی اصغر؛ خدا از دیدگاه وهابیان، مسجد مقدس جمکران، اول، ۱۳۸۵، قم.
٣١. الريحانی، امین؛ ملوك العرب، بيروت، ۱۹۲۴.
٣٢. زرکلی، خی‌الدین، الاعلام (قاموس تراجم لشهر الرجال و النساء)، دارالعلم للملايين، بيروت، چاپ نهم، ۱۹۹۰ م.
٣٣. سبحانی، جعفر؛ آیین وهابیت، مؤسسه دار القرآن الکریم، اول، ۱۳۶۴، قم.
٣٤. سبحانی، جعفر؛ فرازهایی از زندگی پیامبر اسلام، نشر مشعر، ۱۳۸۱.
٣٥. سلیمان بن عبدالوهاب النجاشی، الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه، مکتبه ایشیق، استانبول، ترکیه، ۱۹۷۹ میلادی، سوم.
٣٦. شاکر، محمود؛ شبه جزیرة العرب، المكتب الاسلامی، بيروت، ۱۴۰۶ هـ. ق
٣٧. شرف الدین، احمد حسین؛ المدن و الاماكن الأثرية فی شمال و جنوب الجزيرة العربية، ریاض، مطباع الفرزدق التجاریه، ۱۴۰۴ هـ. ق

۳۸. شهیدی، سید جعفر؛ تاریخ تحلیلی اسلام، هشتم، نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۶۷.
۳۹. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱ - ۲، مکتبة الداوری، ۱۹۶۶م، قم.
۴۰. طالقانی، سید عبدالوهاب؛ مقررات عربستان، نشر مشعر، دهم، ۱۳۸۴.
۴۱. طبیسی، حاج شیخ نجم الدین؛ رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، جلد اول، دوم و سوم، امیرالعلم، دوم، قم.
۴۲. طبیسی، شیخ نجم الدین؛ روافد الایمان الى عقاید الاسلام، دلیل ما، اول، ۱۴۲۶ھ. ق، قم.
۴۳. عبدالعزیز بن عبداللطیف آل الشیخ و السید بن البشری محمد و عبدالله بن ناصر الولیعی، دراسارت فی جغرافیة العربیة السعوویة ، ناشر مکتبة العبیکان، چاپ اول، ۲۰۰۰م.
۴۴. عبدالله بن محمدبن خمیس، معجم ادویة الجزیره، اول، ۱۴۲۵ھ. ق ریاض مطابع الفرزدق التجاریه.
۴۵. عبده، دکتر طلعت احمد محمد؛ الجغرافیا التاریخیه لشبہ الجزیره العربی فی عصور ما قبل التاریخ، دانشگاه الازهر، دار المعرفة الجامعیة، جامعه اسکندریه، مصر، چاپ اول، ۱۹۸۸.
۴۶. العجلانی، منیر؛ تاریخ البلاد العربیة السعوویة، دارالشبل للنشر والتوزیع، ریاض، دوم، ۱۴۱۳ھ. ق.
۴۷. عظیمی سادات، رقیه؛ عربستان سعودی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، سوم، ۱۳۸۰.
۴۸. عوض خطیب، احمد؛ صفحات من تاریخ جزیرة العرب الحدیث، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ /

- . ۱۹۹۶.
۴۹. غیاثی کرمانی، سید محمد رضا؛ واژه‌ها و اصطلاحات روز، نسیم کوثر، اوّل، ۱۳۸۶، قم.
۵۰. الفارسی، فؤاد عبدالسلام؛ الأصلة و المعاصرة ، شركة المدينة المنورة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ هـ.
۵۱. فاسیلیف، الیکسی، تاریخ العربیة السعودیه من القرن الثامن عشر حتی نهاية القرن العشرين، شرکة المطبوعات للتوزیع و النشر بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۹۹۵ م.
۵۲. فتحی صفوه، نجده؛ الجزیرۃ العربیہ فی الوثائق البریطانیہ، دارالساقی، بیروت، لبنان، اوّل، ۱۹۹۶ .
۵۳. فخری، محمد؛ عربستان، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ویرایش دوم، اوّل، ۱۳۷۲، تهران.
۵۴. فقیهی، علی اصغر؛ وهابیان، سبأ.
۵۵. قاضی عسکر، سید علی؛ حج و حرمین شریفین در تفسیر نمونه، دوم، نشر مشعر، ۱۳۸۴.
۵۶. قزوینی، علامه سید محمد حسن؛ فرقه وهابی و پاسخ به شباهات آنها، ترجمه: علی دوانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸، تهران.
۵۷. کاشف الغطاء، علامه محمد حسین؛ نشر الایات البینات، دار المرتضی، بی تا، بی روت.
۵۸. کردی مکی، محمد طاهر؛ کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ترجمه هادی انصاری، دوم، نشر مشعر، ۱۳۸۴ .
۵۹. گودوین، ویلیام؛ عربستان سعودی، ترجمه فاطمه شاداب، ققنوس، اوّل،

۱۳۸۳، تهران.

۶۰. مجلسی، محمد تقی؛ بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفاء، بيروت، ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳.
۶۱. محسن امين، اعيان الشيعه، مطبعه ابن زيدون دمشق، دوم، ۱۹۴۴م.
۶۲. محمد بن عبدالوهاب، الهدية السنیة، بي تا، بي جا.
۶۳. محمد بن عبدالوهاب، کشف الشبهات، الریاسة العامه للادرات البحوث العلميه، بي تا، رياض.
۶۴. محمد بن عبدالوهاب، مسند ابی شیبیه، بي تا، بي جا.
۶۵. محمدی آشنانی، علی؛ شناخت عربستان، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، نشر مشعر، اول، ۱۳۸۱، قم.
۶۶. محمدی آشنانی، علی؛ وهابیت در ترازوی نقد، نشر مشعر، اول، ۱۳۸۰، قم.
۶۷. محمدی ری شهری، محمد؛ الحج و العمره فى الكتاب و السنة، مركز دارالحدیث، چهارم، ۱۳۸۴، قم.
۶۸. مختار، صلاح الدین؛ تاریخ المملکة العربیة السعوديه ، دار مکتبة الحیاة ، بي تا، بيروت.
۶۹. مخدوم، مجید؛ شالوده آمایش سرزمین، ششم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، تهران.
۷۰. مرکز فرهنگي و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، بوستان کتاب قم، اول، ۱۳۸۳.
۷۱. مستر همفري، خاطرات مستر همفري جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی، ترجمه علی کاظمی، کانون نشر اندیشه‌های اسلامی، چهارم، ۱۳۷۰.
۷۲. مسعودی، مروج الذهب، دار الفکر، بيروت، ۱۴۰۹.
۷۳. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، مکتبه محمد بن صحیح، بي تا، قاهره.

۷۴. مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی، کلام و عرفان، صدرا، ۱۳۵۸، تهران.
۷۵. مطهری، مرتضی؛ حج، صدرا، اوّل، ۱۳۸۰.
۷۶. مطهری، مرتضی؛ عدل الهی، صدرا، دهم، ۱۳۵۷، قم.
۷۷. مطهری، مرتضی؛ ولاءها و ولایت‌ها، صدرا، اوّل، ۱۳۵۹، قم.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ شیعه پاسخ می‌گوید، هشتم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۶، قم.
۷۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ وهابیت بر سر دو راهی، اوّل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۴، قم.
۸۰. میقات حج، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۵.
۸۱. ناصر السعید، تاریخ آل سعود، اتحاد شعب الجزیره العربیة، بی تا، مصر.
۸۲. نصیری، عبدالله؛ آشنایی با عربستان، اوّل، نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۸۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ تفسیر راهنمای چهارم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵، قم.